





دانشگاه پیام نور

واحد تهران جنوب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ تشیع

گروه تاریخ

## واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه (علیهم السلام)

استاد راهنما:

دکتر مهدی عبادی

استاد مشاور:

دکتر مجتبی سلطانی احمدی

نگارنده:

زینب نوروزی آغمیانی

۸ مرداد ۱۳۹۹

ب



دانشگاه پیام نور

معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

### مشور اخلاق پژوهش

با استناد از نهادهای جهان و اعتقاد بر این که عالم محض خداست او همواره ناظر بر اعمال انسان در به منظور پاس داشت تمام بلند دانش و پژوهش و نظریه اجابت مایک و دانشگاه در امتلای فرسنگ و سخن بشری، با اعتناء بهیات علمی، کارکنان و دانشجویدانشگاه پیام نور مستعدی شویم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی و نظریه قرار داد و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای بی جویی حقیقت و وظایف به آن و دوری از هرگز پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات و محیط زیست) و سایر مساجان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشجو و دیگر همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن دیدگاه و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از هرگز جانبداری غیر علمی و مخالفت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات همکاران، افراد، سازمان، دانشجو و دیگر افراد و نهادی مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم با حرمت و در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعد و خودداری از هرگز حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و دانش نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مولودی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برکت: التزام به برکت جویی از رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم پژوهش را به مثابه ای غیر علمی می آید.
- ۱۰- اصل رعایت بهنگمی مذایب و قیاسات.
- ۱۱- اصل رعایت اصول انقلاب اسلامی.

## تأییدیه‌ی صحت و اصالت نتایج

باسمه تعالی

اینجانب **زینب نوروزی کهنیانی** به شماره دانشجویی **۹۵۹۳۲۸۹** دانشجوی رشته **تاریخ و معاصر** مقطع تحصیلی **ارشد** تأیید می‌نمایم که کلیه‌ی نتایج این پایان‌نامه/رساله حاصل کار اینجانب و بدون هرگونه دخل و تصرف است و موارد نسخه‌برداری‌شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده‌ام. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن، مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی‌صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده‌ی اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ‌گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی: **زینب نوروزی کهنیانی**

امضا و تاریخ: **۱۳ خرداد ۱۴۰۳**

## مجوز بهره‌برداری از پایان‌نامه / رساله

بهره‌برداری از این پایان‌نامه / رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط

استاد راهنما به شرح زیر تعیین می‌شود، بلامانع است:

- بهره‌برداری از این پایان‌نامه / رساله برای همگان بلامانع است.
- بهره‌برداری از این پایان‌نامه / رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- بهره‌برداری از این پایان‌نامه / رساله تا تاریخ ..... ممنوع است.

نام استاد یا اساتید راهنما:

تاریخ:

امضا:

گواهی اصالت، نشر، حقوق مادی و معنوی اثر:

اینجانب دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته ...  
به شماره دانشجویی ۹۵۰۹۳۲۸۹ مرکز/واحد ۹۵۰۹۳۲۸۹، موارد سه گانه ذیل را گواهی می‌نماید:

- ۱- مطالب مندرج در این پایان نامه، نتیجه تحقیق شخصی بوده و چنانچه در نگارش و تدوین پایان نامه خود از فکر، ایده، نوشته و آثار افراد دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و مآخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد را بر عهده خویش دانسته و پاسخگویی آن خواهم بود.
- ۲- چنانچه براساس مطالب مندرج در پایان نامه خود قصد چاپ و انتشار مقاله، کتاب و ... را داشته باشم، استاد راهنما را مطلع نموده و با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و هر نوع تولیدات علمی، به صورت مشترک مبادرت می‌نمایم.
- ۳- کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نورآوری ناشی از تحقیق در موضوع این پایان نامه، به دانشگاه پیام نور تعلق دارد.

نام و نام خانوادگی سید نوروزی آملی

تاریخ و امضاء ۱۲ خرداد ۱۴۰۰



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مرکز تهران جنوب



دانشگاه شهروخ ساکنو

بهرتعالی

تاریخ: .....

شماره: .....

پیوست: .....

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای خانم زینب نوروزی

دانشجوی رشته: تاریخ تشیع

به شماره دانشجویی: ۹۵۰۰۹۳۲۸۹

تحت عنوان: واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده با حضور هیات داوران در روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۸ ساعت ۱۲ در محل سالن دفاع مرکز تهران جنوب برگزار و پس از ارزیابی پایان نامه مذکور به شرح زیر ارزیابی گردید.

| نمره دفاع بر مبنای ۱۸ | نمره دستاورد پژوهشی* | نمره نهایی |
|-----------------------|----------------------|------------|
| ۱۷/۷۵                 | ۱۷/۷۵                | به عدد     |
| هفده و هفتاد و پنج    | هفده و هفتاد و پنج   | به حروف    |
|                       | درجه ارزشیابی        |            |

| امضا | محل خدمت             | کد     | نام و نام خانوادگی            | هیات داوران            |
|------|----------------------|--------|-------------------------------|------------------------|
|      | بیا مهر              | ۲۷۶۰۶۰ | آقای دکتر مهدی عبادی          | استاد راهنما           |
|      | بیا مهر              | ۴۱۴۸۸۲ | آقای دکتر مجتبی سلطانی احمدی  | استاد مشاور            |
|      | بیا مهر              | ۳۸۰۲۱۷ | آقای دکتر محمد هادی امین ناجی | استاد داور             |
|      | آموزش تحصیلات تکمیلی |        | علی کریم                      | نماینده تحصیلات تکمیلی |

تهران، خیابان انقلاب، خیابان استاد نجات الیهی، نرسیده به چهار راه سیند، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، پلاک ۲۲۱.

نمره نامبرده بر اساس پخشانماها و دستورالعمل‌های مربوط به دستاوردهای پژوهشی مستخرج محاسبه و در تاریخ ..... نهایی شده است.

نام و امضای کارشناس پژوهشی مرکز و واحد

\* نمره دستاورد پژوهشی برابر دستورالعمل مربوط در مهلت مقرر پس از دفاع تعیین شده و توسط کارشناس پژوهشی محاسبه و نمره نهایی اعلام می گردد.

تلفن: ۰۲۱-۸۴۲۲۴۰۰۰  
نماینده: ۰۲۱-۸۸۸۰۳۶۸۵  
کد پستی: ۱۵۹۸۹۹۳۵۱۵  
نشانی الکترونیکی:

www.teh-jonuob.pnu.ac.ir  
jonuob@tpnu.ac.ir

مسئول واحد دفاع

تقدیم به :

سیدالشهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی که با ایثارهای بی دریغش امنیت و آرامش را برایمان به ارمغان آورد و خود به آسمانها پر کشید.  
پدر و مادر عزیزم که در تمام دوران زندگی راهنما و مشوقم بودند و دعاهای بی دریغشان همواره بدرقه راهم بوده است.  
تمامی کسانی که در این پژوهش یاری گر بنده بودند و راهنمایی هایشان همچون چراغهایی بود که این مسیر را برایم روشن می ساخت.

زینب نوری آغمیانی



## سپاسگذاری

پروردگارا تو را سپاس می‌گوییم که راه هدایت را به رویم گشودی و مرا با محبت محمد و آل او آشنا کردی.

تقدیر و تشکر از استادان گرانقدر آقای دکتر مهدی عبادی و آقای دکتر مجتبی سلطانی احمدی که با رهنمودهای خویش مرا در تدوین این پژوهش یاری نمودند.

زینب نوروزی آغمیانی

## چکیده

به رغم این که واقعه عاشورا به عنوان یک رویداد در یک مقطعی از زمان اتفاق افتاد ولی این حادثه طی دوره‌های زمانی مختلف تبدیل به نهضت مانایی شد که تأثیرات آن بعد از سالیان متمادی هنوز در حال انتشار و فرهنگ سازی است. تحقیق حاضر بر آن است تا از جریان گفتمانی ائمه (ع) نسبت به واقعه عاشورا، با ترسیم دیدگاه‌های آنان، تصویری با تکیه بر منابع متقدم به دست دهد. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و حدیثی به حوزه گفتمان واقعه عاشورا نگریسته و تدوین شده است. دوره امام سجّاد (ع) تا امام موسی کاظم (ع) دوره‌ای است که از نظر تاریخی دارای ویژگی‌های متفاوت از دوره پس از آن است. این دوره به دلیل نزدیک بودن به رویداد عاشورا گزارش‌های عینی تری نسبت به دوره‌های پسین دارد همچنین معاصر با دوره‌ای است که رویدادهای پر چالشی در تاریخ سیاسی خلافت به وجود آمد که از جمله می‌توان به سقوط بنی‌امیه و شکل گیری خلافت عباسی و بعد از آن اقدامات عباسیان در محدود کردن ائمه معصومین (ع) به عنوان مدعیان خلافت و رهبری جامعه اسلامی اشاره کرد. به دلیل سرگرمی دولت امویان برای حفظ حکومتش زمینه برای فعالیت‌های فکری، علمی و فرهنگی ائمه شیعه (ع) که همیشه زیر نظر دستگاه خلافت اموی بودند بیشتر فراهم شد، در ادامه گفتمان امامان معصوم (ع) به دلیل محدودیت‌های شدید حکومتی برای ارتباط شیعیان با آنها، کوتاه بودن عمر هر یک از ائمه اطهار (ع) و افزایش فشارهای خلافت عباسی بر ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال در این جریان می‌توان از تلاش‌های امام رضا (ع) سخن گفت که بسترهای لازم را برای استمرار گفتمان واقعه عاشورا در جامعه فراهم کردند.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، واقعه عاشورا، امامان معصوم (ع)، کربلا، گفتمان ائمه شیعه

## فهرست مطالب

|         |  |
|---------|--|
| ۴.....  | مقدمه  |
| ۵.....  | بیان مسئله   |
| ۶.....  | سؤال و فرضیه‌های تحقیق   |
| ۶.....  | اهداف تحقیق  |
| ۶.....  | اهمیت و ضرورت تحقیق  |
| ۶.....  | کاربردهای متصور از تحقیق و مراجع استفاده کننده از نتیجه پایان‌نامه           |
| ۶.....  | پیشینه تحقیق   |
| ۹.....  | قلمرو تحقیق از ابعاد موضوعی، زمانی، مکانی                                    |
| ۱۰..... | ارزیابی نقد منابع  |
| ۱۰..... | مقاتل  |
| ۱۳..... | منابع تاریخی   |
| ۱۶..... | منابع حدیثی  |
| ۲۱..... | فصل اول: واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه از امام سجّاد (ع) تا امام کاظم (ع) |
| ۲۲..... | اولین تصویر ائمه از واقعه عاشورا   |
| ۲۲..... | ویژگی‌های خاص تصویری از منظر امام سجّاد (ع) در رابطه با واقعه عاشورا         |
| ۲۳..... | قصد یزید برای تحقیر امام سجّاد (ع)   |
| ۲۴..... | فرهنگ جامعه دوران امام سجّاد (ع) بعد از واقعه عاشورا                         |
| ۲۹..... | تلاش امام سجّاد (ع) بعد از واقعه عاشورا برای تغییر دیدگاه افراد جامعه        |

- استفاده از گریه به عنوان صدای اعتراض در برابر سلطهٔ ظالم..... ۳۰
- جمع‌بندی..... ۳۳
- عزاداری به مثابهٔ تقویت هویت شیعی در دوران امام باقر (ع)..... ۳۴**
- تصریح امام باقر (ع) به یادآوری واقعهٔ عاشورا..... ۳۸
- روایاتی اغراق‌آمیز منتسب به امام باقر (ع) در رابطهٔ با واقعهٔ عاشورا..... ۴۱
- جمع‌بندی..... ۴۸
- واقعهٔ عاشورا در اندیشه و سیرهٔ امام جعفر صادق (ع)..... ۴۹**
- نقد روایاتی خارج از چهارچوب و الزامات تاریخی..... ۵۲
- بررسی آداب زیارت امام حسین (ع) از منظر تاریخی..... ۵۴
- بررسی محتوایی زیارت عاشورا..... ۵۷
- اشاعهٔ احکام الهی نتیجهٔ نهضت حسینی..... ۵۹
- جایگاه تربت امام حسین (ع) در فرهنگ شیعه..... ۶۰
- تحلیل انتقادی روایات و اخبار عاشورایی..... ۶۲
- جمع‌بندی..... ۶۹
- نمود فرهنگ عاشورا در روزگار امام کاظم (ع)..... ۷۱**
- جمع‌بندی..... ۷۳
- فصل دوم: واقعهٔ عاشورا در گفتمان ائمهٔ شیعه از امام رضا (ع) تا امام زمان (عج)..... ۷۴**
- اهداف و آرمان‌های قیام عاشورا در کلام رضوی..... ۷۵**

- تبيين روش‌های فرهنگي امام رضا (ع) در احياي فرهنگ حسيني..... ۷۶
- جمع بندي: ..... ۸۰
- موانع موجود براي پياده کردن نهضت حسيني در دوران امام محمدتقي (ع)..... ۸۱
- جمع بندي..... ۸۱
- محدوديت‌های روزگار امام علي النقي (ع) براي تبیین فرهنگ عاشورا..... ۸۲
- جمع بندي..... ۸۳
- تنگناها و موانع در توصيف فرهنگ حسيني در بيان امام حسن عسکري (ع)..... ۸۵
- جمع بندي..... ۸۶
- واقعه عاشورا زمينه‌ای براي برپايي حکومت صالحان..... ۸۷
- جمع بندي..... ۸۸
- نتيجه..... ۸۹
- فهرست منابع و مآخذ..... ۹۱

رویدادی که منجر به شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان شد در طول تاریخ پیامدهای بسیاری را به همراه داشت در واقع مهمترین دلیلی که موجب ماندگاری قیام عاشورا و ماهیت و آرمان‌های آن شد می‌توان به سخنانی که بعد از واقعه عاشورا از امامان معصوم (ع) در راستای زنده نگه داشتن اهداف این نهضت بر جای مانده است اشاره کرد. از آن جایی که امامان معصوم (ع) همیشه زیر نظر دستگاه حکومتی قرار داشتند ولی در مقطعی از زمان به دلیل مشغولیت خلفای بنی‌امیه برای حفظ حکومت‌شان زمینه برای اشاعه نهضت اسلامی و حسینی برای ائمه (ع) بیشتر فراهم شد و به دلیل چالش‌های سیاسی فوق بر خلاف دوره‌های بعد توانستند به ترویج آموزه‌های مرتبط با رویداد کربلا اقدام نمایند. در این پایان‌نامه بر اساس مسئله و اهداف این تحقیق دو بخش اصلی در ساختار کار در نظر گرفته شده است. مبنای این دو فصل بر اساس تقسیم‌بندی دوره ائمه (ع) است که این بررسی بر اساس آن سامان یافته است.

فصل اول شامل توضیحاتی از نوع نگاه امامانی است که از لحاظ فاصله زمانی به عاشورا نزدیک بودند و این که چه طور با توجه به اقتضات روزگار خویش سعی بر پیاده کردن آموزه‌ها و اهداف قیام عاشورا و همچنین بایان چگونگی به وجود آمدن این واقعه در افشای چهره اصلی سیاست‌های دستگاه حاکم اهتمام داشتند. با وجود اختناق و محدودیت‌های شدیدی که در جامعه وجود داشت از جمله مهم‌ترین و نزدیک‌ترین افرادی که در این زمینه نقش‌آفرینی کرده است و به نوعی جزء روایت‌گران و محدثان مستقیم این واقعه به شمار می‌رود، امام سجاد (ع) می‌باشد که تلاش‌های فراوانی برای احیای فرهنگ اسلامی و حسینی در جامعه‌ای که از اسلام فقط نامی باقی مانده بود، انجام داد.

بخش دیگر در این تحقیق به منظر و دیدگاه امامانی می‌پردازد که از طرف دستگاه حاکم در تحدید به سر می‌بردند، همین موضوع موجب شد که اطلاعات و داده‌های کمی از این امامان در دسترس باشد. از زمان امام جواد (ع) به بعد مخصوصاً در دوران امام هادی (ع) به دلیل تحت نظر بودن ایشان شیعیان به ندرت با امام خویش در ارتباط بودند. صرفاً در مقطعی از زمان یعنی در دوره ولیعهدی امام رضا (ع) تا حدی زمینه برای پررنگ شدن فرهنگ حسینی فراهم گردید. لذا این دوران دیدگاه ائمه (ع) با احادیث اندک که نشان از تأکید ایشان به زنده نگه داشتن یاد اباعبدالله الحسین (ع) و ماهیت این قیام است مورد پژوهش قرار گرفته است. از اینرو در این بررسی سعی بر این است که شکل‌گیری و تعمیق گفتمان واقعه عاشورا را در نگاه ائمه شیعه (ع) با توجه به شرایط زمانی و نوع

برخورد هر یک از امامان بزرگوارمان در مواجهه با اهداف عاشورا و در همین راستا فرهنگ‌سازی بر طبق این آرمان‌ها مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

## بیان مسئله

واقعه عاشورا از جمله وقایع مهم تاریخی دوره ی اسلامی به شمار می رود، به گونه ای که این رخداد بخش زیادی از رویداد های تاریخی بعد از خود را به خصوص در سده نخست میلادی تحت تأثیر قرار داد. به همین دلیل هم از نظر مورخان مسلمان اغلب به عنوان واقعه ای مهم مورد توجه بوده است و البته هر گروه و نحله ای از مورخان مبتنی بر گرایش های سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و مذهبی خود تصویر خاص و گاه متفاوتی از این رویداد در روایت خود آورده اند. در این میان یکی از مهمترین مسائلی که در رابطه با واقعه عاشورا می توان مدنظر قرار داد تصویر قیام عاشورا در نگاه و بیانات ائمه بعد از امام حسین علیه السلام است. در واقع در شرایطی که برای شناخت واقعه عاشورا عوامل و دلایل وقوع آن و همچنین پیامدهای این واقعه اغلب گزارش ها و روایت های مورخان در سده های نخستین اسلامی اساس قرار می گیرد، اما به شکل سؤال برانگیزی در این بررسی ها منظر و نگاه اهل بیت علیهم السلام تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است و اغلب به صورت پراکنده و غیرمنسجم دیدگاه برخی از ائمه در رابطه با واقعه عاشورا ضمن بررسی ها به صورت اشاره وار بیان شده است. در واقع بر اساس شناختی که به صورت عمومی از این واقعه وجود دارد شاید بتوان گفت که نسبت چندانی با نگاه ائمه اطهار علیهم السلام ندارد و یا حداقل به صورت منسجم نگاه امامان علیهم السلام در این باره در قالب یک روایت مشخص و منسجم تاریخی بیان نشده است و به احتمال زیاد در صورت تدوین چنین نگاهی مبتنی بر بیانات و احادیث ائمه بزرگوارمان باید نگاه غالب از جمله منظر شیعیان در رابطه با واقعه عاشورا و اهمیت جایگاه تاریخی آن دچار تغییر و تحول اساسی شود. از این رو پژوهش حاضر بر آن است قیام عاشورا و امام حسین (ع) و شهدای این قیام را از منظر اهل بیت و ائمه شیعه علیهم السلام بررسی و حتی الامکان قرائتی تاریخی اما متفاوت از قرائت های تاریخی موجود و مرسوم ارائه دهد. این مهم با بررسی قیام عاشورا در گفتمان و بیان اندیشه ایشان می تواند مشخص شود .

## فرضیه ها یا سؤال های تحقیق

۱- در سیره و بیانات امام سجّاد (ع) تا امام موسی کاظم (ع) واقعه ی عاشورا و امام حسین (ع) چگونه و با چه ویژگی هایی منعکس شده است ؟

۲- در سیره و بیانات امام رضا (ع) تا امام زمان (ع) واقعه عاشورا و امام حسین (ع) چگونه و با چه ویژگی هایی منعکس شده است ؟

## اهداف تحقیق

شناسایی علل و عوامل واقعه کربلا در اندیشه امامان شیعه علیهم السلام.

شناسایی تأثیرات زمانه سیاسی ائمه شیعه (ع)، بر چگونگی ارائه گزارش های مربوط به رویداد کربلا.

تدوین تأثیر نظام حاکم بر چگونگی ارائه ی گزارش های ائمه شیعه (ع) در گفتمان کربلا.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش حاضر بر آن است تا واقعه عاشورا را در قالب یک گفتمان مشخص در نگاه و اندیشه ائمه شیعه (ع) مورد بررسی قرار دهد و از قبل آن یک روایت مشخص و منسجم تاریخی از این واقعه مهم مربوط به تاریخ تشیع و تاریخ اسلام ارائه دهد تا بدین وسیله قرائتی تاریخی اما متفاوت از قرائت های تاریخی موجود و مرسوم ارائه دهد .

## کاربردهای متصور از تحقیق و مراجع استفاده کننده از نتیجه پایان نامه

استفاده کنندگان از این پژوهش ، محققان و دانشجویان حوزه تاریخ از جمله عاشورا پژوهان هستند.

## پیشینه تحقیق

ابعاد و دیدگاه های مختلف امام حسین (ع) و واقعه عاشورا در منابع معدودی که به طور مستقیم با موضوع این تحقیق مرتبط بود مورد بررسی قرار گرفت لذا این طور می توان بیان کرد که تمام پژوهش های صورت گرفته در این حوزه



را باید مانند یک حلقه زنجیر پشت سر هم تصوّر کرد که هر یک بر آن حیطه دانشی را افزوده و ابهامی را رفع کرده است ولی در هیچ کدام از این منابع پژوهشی به طور مدوّن و نظام‌مند دیدگاه ائمه بعد از امام حسین (ع) در مورد واقعه عاشورا به صورت یک گفت‌وگو و رویکردی تحلیلی مورد تحقیق و استنتاج کافی قرار نگرفته است. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شده تا این ابهام نیز برطرف شود.

اکبرنژاد، مهدی و صالحی، پیمان، «روشهای فرهنگی امام رضا علیه السلام در خصوص زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام»، فصلنامه فرهنگی رضوی بهار ۱۳۹۴ - شماره ۹ (علمی - پژوهشی)

در این نوشتار تلاش شده تا دیدگاه‌های فرهنگی امام رضا (ع) به منظور حراست از خون و قیام امام حسین (ع) مورد بررسی قرار گیرد و نویسنده سعی کرده دغدغه‌ها و راه‌کارهایی که امام رضا (ع) در طول زندگی‌شان چه در زمان ولایت‌عهدی و چه در زمان‌های دیگری از عمر شریف‌شان در این باره داشتند بیان شود. لذا در این مقاله صرفاً از دیدگاه امام رضا (ع) به واقعه عاشورا نگریسته شده است و منظر و مطنح سایر ائمه بزرگوارمان مورد مذاقه قرار نگرفته است.

قائنی زبیری، محمد حسن؛ «قیام امام حسین (ع) در نگاه اهل بیت علیهم السلام»؛ انتشارات دلیل ما؛ چاپ پنجم، پاییز ۱۳۹۰

در این کتاب نویسنده ابتدا زندگی‌نامه و یا در واقع بیوگرافی کوتاهی از حضرت سیدالشهدا (ع) آورده است و بعد روایاتی را به طور نقل قول مستقیم در رابطه با واقعه عاشورا ذکر کرده که از هیچ‌گونه تحلیلی در رابطه با این احادیث ذکر نشده است.

کوشک خطیبی، محمد؛ «پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره ی معصومان علیهم السلام»؛ پیام، ویژه محرم ۱۳۸۶ - شماره ۸۶

این مقاله تلاشی است برای پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان فرهنگ عاشورا را پاس داشت؟ نویسنده در این راستا روایات و مطالبی را از ائمه معصومین (ع) بدون رویکرد انتقادی و یا تحلیلی در باب وجوب زیارت

سیدالشهدا(ع) و همچنین بر پای مجالس عزاداری و تقدیر از شاعران عاشورایی آورده و همچنین در این مقاله تحلیل های انحرافی که اهداف نهضت حسینی را زیر سؤال می برد مورد ارزیابی قرار گرفته است.

اکبرنژاد، مهدی؛ صالحی، پیمان؛ «سیره معصومین در بزرگداشت امام حسین (ع) و عاشورا»؛ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب؛ چاپ اول ۱۳۹۸

این کتاب با آوردن احادیثی از ائمه اطهار (ع)، شیوه ها و روش های زنده نگه داشتن یاد اباعبدالله الحسین (ع) و واقعه عاشورا را بیان می کند. این تحقیق در پنج فصل با استناد بر منابع دست اول و متقدم روایی و گاهی تاریخی تدوین شده است و صرفاً روایات و احادیث را بدون نگرش تحلیلی و نقد گفتمانی به صورت مستقیم آورده است.

عبادی، مهدی؛ «فرهنگ حسینی در کلام رضوی»؛ علوم قرآن و حدیث؛ زلال وحی؛ زمستان ۱۳۹۰؛ شماره ۲۱؛ ص ۲۴-۲۱

در این نوشته سعی بر این بوده است که نهضت حسینی و قیام عاشورا با تأمل بر احادیثی که از امام رضا (ع) در این رابطه وجود دارد مورد بررسی قرار گیرد و در واقع اهمیت یادآوری واقعه عاشورا در بیان امام رضا (ع) به طور مستقیم در این مقاله تصریح شده است.

حسینی، سیدجواد؛ «عاشورا در آینه کلام معصومان»؛ فلسفه و کلام؛ پاسدار اسلام بهمن ۱۳۸۴؛ شماره ۲۹۰

این پژوهش در دو بخش نوشته شده است، ابتدا دیدگاه اندیشمندان اروپایی در رابطه با واقعه عاشورا پژوهش شده که فاقد نقطه نظرات و تجزیه و تحلیل است و در بخش بعد دیدگاه ائمه بزرگوارمان در خصوص این رویداد تشریح شده است و روایاتی آورده شده که غالباً به صورت داستانی و مستقیم بیان شده است.

صدری، مهدی؛ «بزرگداشت غدیر و عاشورا در سیره و بیان امام رضا (ع)»؛ انتشارات دلیل ما؛ چاپ دوم؛ تابستان ۱۳۹۶

این کتابچه روایات و احادیثی را در سیره و بیان امام رضا (ع) در رابطه با عید غدیر و روز عاشورا در دو بخش بیان کرده است. در بخش اول احادیثی از این امام بزرگوار در رابطه با بزرگداشت عید غدیر و بیان فضیلت‌های آن بیان شده است و در بخش دوم نیز در رابطه با عزاداری عاشورا و محرم و آثار و فواید آن با تأکید بر روایات سخن رفته است.

شهیدی، سید جعفر؛ «پس از پنجاه سال پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین (ع)»؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ چاپ سی و سوم ۱۳۸۳

این کتاب در مورد قیام امام حسین (ع) نگاشته شده است و نویسنده با گردآوری اسناد و طبقه‌بندی آن در صدد چرایی واقعه عاشورا بوده و در واقع کوشیده است در لابه‌لای اخبار و موضوعات تاریخی مربوط به این اتفاق تاریخی پاسخ سؤال خود را در بیاورد. نگارنده با بررسی منابعی که در این رابطه از گذشته به دست رسیده و از میان اخبار ضد و نقیضی که بررسی کرده است اخباری را برگزیده است که شرایط اقلیمی، دینی، اقتصادی و اجتماعی آن موقف را با زمان وقوع واقعه کربلا تأیید کرده است. در این کتاب هدف و تمرکز نویسنده بیشتر بر این مطلب بوده است که تلنگری بر مخاطب ایجاد کند و خواننده را توجه دهد به این که امام حسین (ع) به چه دلیل و برای رسیدن به چه هدفی جنگیدند.

### قلمرو تحقیق از ابعاد موضوعی، زمانی، مکانی:

از نظر موضوعی واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه (ع) مربوط می‌شود.

از نظر زمانی از امام سجّاد علیه السلام تا آغاز دوره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مدّ نظر است.

از نظر مکانی محل زندگی ائمه علیهم السلام از شبه جزیره عربستان تا عراق را شامل می‌شود.

## ارزیابی نقد منابع

### مقاتل

کلیه منابع دست اول تاریخی که در حوزه حادثه کربلا گزارشی را ارائه داده‌اند در این قسمت به عنوان مقاتل معرفی می‌شوند. در تعریف مقتل نیز می‌توان گفت که به معنای مکانی است که کسی در آن جا کشته شده باشد همچنین به مفهوم قتلگاه هم می‌توان تعبیر کرد.

از جمله مقاتلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان به *مقتل خوارزمی* اشاره کرد این نوشته حدود شش قرن بعد از واقعه عاشورا به رشته تحریر در آمده است. موفق بن احمد خوارزمی (د. ۵۶۷هـ.ق) به لحاظ این که حنفی مذهب بود و از نظر عقیده معتزلی به شمار می‌آمد با این حال کتابی با عنوان *مقتل الحسین* نوشته است. البته با این که این کتاب به این عنوان شناخته شده ولی فقط قسمتی از کتاب یعنی یک سوم آن به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا پرداخته است و بقیه که در ابتدای کتاب است بعد از مقدمه‌ای کوتاه به مناقب و فضائل اهل بیت (ع) و قیام مختار می‌پردازد. مطالبی که در این کتاب استفاده شده بیشتر برگرفته از کتاب *الفتوح ابن اعثم کوفی* (د. ۳۱۴هـ.ق) است.

مؤلف در اثنای مطالبی که به طور خلاصه در *الفتوح* آورده مطالب و نکاتی را به شکل مستند از اساتید خویش روایت کرده است و آن‌ها را با گزارشات ابن اعثم کوفی مقایسه کرده همچنین او گاهی در مقام سنجش و تطبیق مستندات آورده شده، کتاب *الفتوح* را با منابع دیگر در *مقتل الحسین* خود آورده است. البته از آن جایی که *الفتوح* ابن اعثم نسخه‌های گوناگون و متعددی و بعضاً متفاوت از یکدیگر دارد بیاناتی هم که از این کتاب در *مقتل الحسین* خوارزمی آمده است با اضافات و کاستی‌هایی همراه است و این به خاطر خلاصه‌گویی است که در *مقتل الحسین* وجود دارد. به دلیل فاصله زمانی که بین *الفتوح* و کتاب خوارزمی وجود دارد، خوارزمی اخبار ابن اعثم کوفی را با تغییرات و تصرفاتی برای خواننده قابل فهم‌تر و جذاب‌تر کرده است، البته سعی شده که از تحریف آن جلوگیری کند. از تفاوت‌هایی که گزارشات خوارزمی با ابن اعثم کوفی دارد می‌توان به این اشاره کرد که با این که خوارزمی تأکید دارد که از محتوای کتاب ابن اعثم در پژوهش خود استفاده کرده است، ولی بعضی از اتفاقاتی که در *مقتل الحسین* خوارزمی آمده در بیانات ابن اعثم کوفی وجود ندارد همچنین در مواردی نیز حذف شده است تفاوت

دیگری که در این میان وجود دارد اختلاف عقاید و باورهایی است که بین خواریزمی و ابن اعمش کوفی وجود دارد و همین ناهمسویی موجب شده برخی از گزارشاتی که در الفتوح وجود دارد در مقتل الحسین خواریزمی نباشد.<sup>۱</sup>

از مؤاخذ دیگری که در این تحقیق از آن بهره گرفته شده کتاب اللهوف علی قتلی الطفوف یا المهلوف نوشته متکلم و محدث و ادیب شیعه رضی الدین سید علی بن طاووس (د. ۶۶۴هـ.ق) می‌باشد. نگارش این کتاب به زبان عربی بوده، و در قرن هفتم هجری نوشته شده است. تمام وقایع عاشورا در لهوف نیامده و نگارنده این کتاب را به منظور بهره جویی محبین امام حسین (ع) و زائران کربلا به طور خلاصه نوشته است. دیدگاه نویسنده در این اثر عرفانی است و همین موضوع موجب شده تا برای مخاطبان خویش جذّاب باشد. مثلاً در این اثر آمده که پیامبر (ص) از طریق فرشتگان از قیام عاشورا مطلع شده و یا این که امام حسین (ع) خود از واقعه کربلا و نتیجه آن آگاهی داشته است. در واقع ابن طاووس در کتاب خود به تحلیل‌هایی از قیام عاشورا پرداخته و از مطالبی استفاده کرده که در دیگر منابع معتبر شیعی قبل از خود یا وجود نداشته و یا این که به صورت اشاره‌وار مطرح کرده است. از جمله کسانی که به این کتاب ایراداتی را وارد دانسته و روایات آن را ضعیف شمرده محدث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان و همچنین شهید مطهری است.

اثر بعدی که به عنوان مقاتل در این نوشتار استفاده شده کتابی کوتاه و مختصر با نام مشیرالاحزان و منیرسبل الاشجان نوشته یکی از فقیهان شیعه نجم الدین جعفر بن محمد معروف به ابن نما (د. ۶۸۰هـ.ق) است. او عالم و فقیه شیعه قرن هفتم می‌باشد، این کتاب به زبان عربی و به روش لهوف نوشته و از آن الگوگیری شده است. نوع بیان این کتاب بسیار ساده و همه فهم می‌باشد و به همین دلیل از مقاتلی است که بیشتر در روضه خوانی‌ها از آن استفاده می‌شده است. نگارنده ضمن به کارگیری از مؤاخذ مکتوب، از احادیث و اخباری که در زمان خویش بین روضه‌خوانان و واعظان رواج داشته استفاده کرده است به طوری که در کتابش واقعه عاشورا را به صورت روایت و به عبارت دیگر داستانی بیان کرده است.<sup>۲</sup>

اثر مشهور دیگری که در این پژوهش استفاده شده روضه الشهداء نوشته ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری (د. ۹۱۰هـ.ق) است. هدف اصلی نویسنده از نگارش این کتاب بیان واقعه عاشورا بوده است ولی او کتاب خود را از شرح زندگانی انبیا شروع کرده و تا امام دوازدهم شیعیان ادامه داده است. واعظ کاشفی در آخر زندگی هر کدام از پیامبران نکته و مطلبی را در رابطه با امام حسین (ع) مطرح کرده است. یکی از انتقاداتی که به این کتاب

<sup>۱</sup>رنجبر، محسن؛ «معرفی و بررسی مقتل الحسین (ع) نگاشته خواریزمی»؛ تاریخ اسلام در آینه پژوهش؛ زمستان ۱۳۸۳؛ شماره ۱۳۴؛ ص ۱۰۳-۱۳۴

<sup>۲</sup>پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم، «آشنایی با منابع معتبر شیعه: مقتل مشیرالاحزان و منیر سبل الاشجان»، دی و بهمن ۱۳۸۹؛ شماره ۱۳۶؛ ص ۱۷۰-۱۶۱

وارد است این است که مطالبی که در آن آمده است نامعتبر و غیر موثق می‌باشد و یا بعضاً منابع و مصادر خود را به طور کامل نیاورده است اگر هم سندی را ذکر کرده، از آثار غیر مستند استفاده شده و در برخی مطالبی که به نظر مهم می‌آید هیچ مأخذی را ذکر نکرده است. یکی از وجوهی که کتاب کاشفی را برای عموم مردم گیرا و قابل پذیرش کرده است، نوع شیوه و سبک ادبی آن است و همچنین نوع نقل مطالب است، که به شکل داستانی-تاریخی می‌باشد، بدین صورت که مطالب تاریخی در قالب داستانی روایت شده است.<sup>۱</sup>

از کتاب‌هایی که در این پایان نامه با موضوع مقتل امام حسین (ع) استفاده شده کتاب *لؤلؤ و مرجان در شرط پلئه اول و دوم روضه خوان* نام دارد که به زبان فارسی نوشته شده است این کتاب آخرین نوشته محدث و رجال شناس شیعه حسین نوری طبرسی (د. ۱۳۲۰ ه. ق) معروف به محدث نوری می‌باشد او این اثر را در سال (۱۳۱۹ ه. ق) به نگارش در آورده است. محدث نوری در کتاب خود واقعه عاشورا را از دو منظر بررسی کرده است. یکی از دیدگاه اخلاص در روضه خوانی در مجالس امام حسین (ع) و دوری از تزویر و نفاق و دیگری از منظر صدق در گفتار در حین بیان وقایع و اتفاقات عاشورا در مجالس روضه خوانی مورد مذاقه و کاوش قرار داده است. محدث نوری در کتاب خود سعی کرده است که به خرافه زدایی از وقایع عاشورا پردازد و به نوعی فضای برساخته‌ای که در بعضی از کتب مقاتل و روایی مانند *لهوف و روضه الشهداء* در حوزه عاشورا به وجود آمده است را تطهیر کند و بسیاری از اخبار جعلی و دروغین که بیشتر به افسانه شبیه است تا واقعیت را از فضای روضه‌خوانی‌ها و مقاتل‌خوانی‌هایی که اشاعه پیدا کرده بزدايد. در واقع در کتاب *لؤلؤ و مرجان* تأکید بر این است که محقق در پژوهش خویش باید بر خود فرض بداند که منابع مورد وثوق را بشناسد و به آن‌ها رجوع کند.<sup>۲</sup>

از جمله مقاتل دیگر که در این تحقیق به آن‌ها استناد شده است، می‌توان به *مقام زخار و صمصام بتار، سه مقتل گویا و وقعه الطف* اشاره کرد.

<sup>۱</sup> افندی، میرزا عبدالله، *ریاض‌العلماء*، ج ۲، ص ۱۹۰؛ جعفریان، رسول، *تأملی در نهضت عاشورا*، ص ۳۵۹-۳۱۷؛ صحتی سروردی، محمد؛ *عاشورا پژوهی با*

*رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)*، انتشارات خادم‌الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵

<sup>۲</sup> صحتی سروردی، محدث نوری، *روایت نوری*، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲

## منابع تاریخی

با توجه به این که در بررسی اخبار مرتبط با حادثه کربلا ضرورت توجه به گزارش‌های تاریخ‌نویسان از این رویداد بود، در این پژوهش برخی از منابع تاریخی که گزارش‌هایی از واقعه کربلا را ارائه داده‌اند مورد استفاده و کاوش قرار گرفته است.

از منابع تاریخی که در این پژوهش استفاده شده *انساب الاشراف* احمدبن یحیی بلاذری (د. ۲۷۹ هـ. ق) است که در حدود قرن سوم هجری نوشته شده است. این کتاب در شرح حال خاندان‌های عرب و انسب آن‌ها بحث می‌کند و به این دلیل به کتاب انسب معروف شده و همچنین به دلیل این که اخبار و اتفاقات‌های تاریخی را بیان کرده است به کتاب تاریخی - روایی نیز شهرت دارد. بلاذری در کتابش در رابطه با نسب شناسی خاندان ابوطالب و همچنین در موضوع امیرالمؤمنین (ع) و فرزندانش سخنانی را نگاشته است. او فصلی جداگانه را به سیدالشهدا (ع) و واقعه عاشورا اختصاص داده و مباحث مربوط به امام حسین (ع) را از ارتباط شیعیان کوفه با ایشان از زمان صلح امام حسن (ع) به این طرف بدون این که در مباحث مطرح شده‌اش سند و مدرک قابل اتقانی را بیاورد بیان کرده است. بلاذری روایات و اخبار خویش را در کتابش بعضاً با عبارات قالوا، «حدثنی بعض الطالبيين» و یا با تعبیر «قال العتبی» شروع کرده است.

البته در مواردی هم از افرادی مانند ابومخنف (د. ۱۵۷ هـ. ق) و هشام کلبی (د. ۲۰۴ هـ. ق) روایاتی را نقل کرده است. به هر روی *مقتل الحسین (ع)* بلاذری یکی از آثاری است که در رابطه با امام حسین (ع) و واقعه عاشورا بر جای مانده است ولی این اثر هم مانند سایر کتب تاریخی - حدیثی از هجتمه تغییر و تبدل‌ها و اخبار جعلی و برساخته غلات شیعی محفوظ و در امان نمانده است به طوری که خواننده را در برخی از موضوعات و مباحثی که مربوط به واقعه عاشورا است به شک و تردید می‌اندازد. البته می‌توان این نکته را هم گفت که ضمن این که در بعضی موارد اخباری که در *انساب الاشراف* آمده با شأن و مقام امام معصوم هم‌خوانی ندارد ولی با این حال تفاوت‌ها و مغایرت‌هایی با سایر مصادر دارد از آن جهت که روایات و گزارش‌های متنوعی از واقعه عاشورا به دست می‌دهد که در سایر کتب قبل از آن وجود نداشته است.

یکی از تواریخ عمومی که در این پژوهش استفاده شده *تاریخ یعقوبی* نوشته احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی (د. ۲۸۴ هـ. ق) است. این کتاب در سده سوم هجری قمری به زبان عربی نوشته شده است. خصوصیت و موضوع بارز تاریخ یعقوبی در رابطه با زندگی امامان بزرگوارمان می‌باشد، از ویژگی‌هایی که این

کتاب دارد این است که مانند کتاب طبری به صورت سالشمار تدوین نشده لیکن عناوین آن به صورت تاریخ روی کار آمدن خلفا تنظیم شده است. سبک نگارشی بر خلاف طبری و بسیاری از تواریخ عمومی به صورت سالشمارانه نیست بلکه همانند سبک مسعودی متکی بر رویدادهای مهم است. در واقع ایرادی که به این اثر وارد است و می‌توان به آن خرده گرفت این است که نگارنده در حین تألیف کتاب مستندات مطالب خود را نیاورده و همین موضوع باعث شده که بررسی و مذاقّه در اخبار این کتاب به روی مورّخان و پژوهشگران دیگر بسته بماند.<sup>۱</sup> بخشی از تاریخ یعقوبی معطوف بر ارائه گزارش رویداد کربلا و پیامدهای آن است. یعقوبی گزارش خود در رابطه با واقعه عاشورا را به طور اختصار آورده است و با توجه به این که احتمال داده می‌شود که شیعه باشد انتظار می‌رفت که اطلاعات مفصل‌تری را در این زمینه در اختیار محققان قرار دهد لذا از همین مختصر هم در این پژوهش بهره گرفته شده است.

از منابع تاریخی دست اولی که در این نوشته از آن استفاده شده است کتاب *مروج الذهب و معادن الجواهر* نوشته ابوالحسن علی بن حسین بن مسعودی (د. ۲۸۷ هـ. ق) مورّخ، جغرافی‌دان و سیّاح معروف قرن چهارم هجری قمری است. *مروج الذهب* یکی از کتاب‌های قابل بررسی در موضوع تاریخ عمومی است که به دلیل سفرها و مشاهدات نگارنده در میان تواریخ عمومی اسلامی ارزش ویژه‌ای دارد. مسعودی در نگارش کتاب خویش اسلوب قدمای خود را که به شکل ثبت اتفاقات بر پایه سلسله سندهای روایی بوده را کنار گذاشته و با انتخاب روش مشاهدات و ارزیابی به تحلیل آن‌ها پرداخته است. همچنین او به دسته بندی روایات پرداخته و به جای آوردن همه روایات مشابه، یک روایت کامل و درست آورده است. فهرست و مطالب کتاب به دو بخش تقسیم شده است یکی این که از آغاز خلقت شروع می‌شود تا ظهور و پیدایش اسلام سخن می‌گوید و در فصل بعدی آن در رابطه با خلافت امام حسن (ع) و ذکر دوران خلفای اموی و عباسیان تا سال (۳۳۲ هـ. ق) یعنی تا زمان خلافت المطیع‌الله (د. ۳۶۴ هـ. ق) مطالبی بیان شده است که در این پژوهش درباره عملکرد و نوع دیدگاه خلفایی که بعد از واقعه عاشورا روی کار آمدند صحبت شده است.<sup>۲</sup>

یکی از کتاب‌های دست اول تاریخی که در این تحقیق استفاده شده *اخبار الطوال* ابوحنیفه احمد بن داوود بن وند دینوری (د. ۲۹۰ هـ. ق) است. بنابراین او در سده سوم هجری می‌زیسته است. *اخبار الطوال* تقسیم بندی منظمی ندارد ولی با این حال می‌توان این کتاب را به سه بخش تاریخ پیامبران، تاریخ ایران باستان و تاریخ اسلام تقسیم کرد. در

<sup>۱</sup> وهرام، غلامرضا؛ «منابع تاریخی ایران در دوران اسلامی»؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳۷۱؛ ص ۱۶

<sup>۲</sup> معصومی، عبدالله؛ «شیوه تاریخننگاری مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی»؛ پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه؛ بهار ۱۳۹۹؛ شماره ۹؛ ص ۳۲-۱۳



واقع می‌توان گفت موضوع این کتاب تاریخ عمومی و اسلام است که بیشتر بر حوادث تاریخ ایران تصریح داشته است، اگر هم از تاریخ اسلام توضیحاتی به میان آورده است باز هم تأکید بر حوادث ایران و تقابل ایرانی‌ها با اعراب مسلمان بوده است. روش تألیف این کتاب مانند کتاب‌های طبری و واقدی به شکل روایی نبوده و اغلب مستندات و گزارشات تاریخی حذف شده است و در هر قسمت سخن را با قالوا آغاز کرده و یا این که در بعضی موارد به آوردن نام راوی و نام پدرش بسنده کرده است. دینوری در قسمت تاریخ اسلام وقایع و قیام‌های علویان بر ضد اموی و عباسیان را به تفصیل تشریح کرده است و هر کدام از آن‌ها را به نوعی محترمانه یاد کرده است. مثلاً برای ابوبکر و عمر (رضی الله عنه) آورده و همچنین برای امام حسین (ع) و زید بن علی از همین فعل دعایی استفاده می‌کند. در واقع با توجه به نوع ادبیاتی که بکار برده است به نظر می‌رسد وی مذهب شیعه زیدی را داشته است. در مباحث مربوط به عاشورا، اخبار الطوال دینوری را می‌توان جزء مهمترین مآخذ به شمار آورد به این دلیل که در این کتاب نکات بکر و تازه‌ای وجود دارد که در دیگر منابع تاریخی نبوده است. هر چند محتوای آن با منابع قبل یکی است اما نکات و تعابیری که در این کتاب آمده در کتاب‌های پیش از آن وجود ندارد.<sup>۱</sup>

از دیگر منابعی که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده است کتاب تاریخ طبری نوشته محمدبن جریر طبری (د. ۳۱۰ ه. ق.) است. قسمت اول آن از خلقت حضرت آدم شروع شده و تا تولد پیامبر (ص) ادامه داشته است و بخش دوم آن از زمان پیامبر (ص) تا زمان خود نویسنده بوده است. گرچه تاریخ طبری را نمی‌توان از هر جهت موثق دانست ولی یکی از مهمترین آن‌هاست. یکی از اصول علم تاریخ این است که حادثه تاریخی را باید با زمان تطبیق داد در واقع باید با واقعه تاریخی ذکر شده تناسب داشته باشد.

از نقدهایی که به این کتاب وارد است این است که چیزی که طبری به عنوان تاریخ در کتاب خود آورده در واقع علم تاریخ نیست، از آن جهت که باید به این نکته دقت شود که اخبار و اتفاقات تاریخی باید با زمان و مکان و اوضاع جامعه سنخیت داشته باشد که این هماهنگی و تناسب در بعضی از اخبار طبری وجود ندارد.<sup>۲</sup> مهم‌ترین قسمت تاریخ طبری توضیح دو سده اول تاریخ بعد از اسلام می‌باشد. شیوه و سبک نوشتاری این کتاب به صورت

<sup>۱</sup> اخبار الطوال، ص ۲۶۰؛ عباسی، علی اکبر؛ «معرفی، نقد و بررسی اخبار الطوال»؛ کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱؛ شماره ۵۴ و ۵۵؛ ص ۳۵-۴۸

<sup>۲</sup> از نمونه‌های تاریخی که در این کتاب آمده است: «در حدیثی از داستان افک» سخن به میان آمده که بریره جاریه‌ای بوده که درباره او چنین و چنان شده است و اما هنگامی که زمان حضور بریره را در خانه عایشه بررسی می‌کنیم می‌بینیم که همزمان با آمدن عباس بن عبدالمطلب بوده که بعد از فتح مکه می‌باشد، در حالی که داستان افک را گفته اند قبل از آن (حدود سال پنجم) بوده است و این دو با هم جور در نمی‌آید. «عسکری، سیدمرتضی؛ «نقد متد طبری در تاریخنگاری»؛ کیهان اندیشه ۱۳۶۸ شماره ۲۵

سال‌شمار بوده و هر دوره‌ای با توجه به تاریخ آن مشخص شده است. در واقع هدف طبری از تدوین این کتاب صرفاً گردآوری اطلاعات و روایات و حفظ آن بوده و واگذاری بررسی و تعمق در آن به عهده آیندگان گذاشته شده است. طبری سنی مذهب بوده و به خاطر گرایش آن به موضوعات شیعه مانند غدیر و یا عاشورا به او نسبت تشیع داده‌اند. طبری در کتاب خود اخباری را از واقعه عاشورا به واسطه کتاب *مقتل‌الحسین (ع)* ابومخنف آورده است. در واقع چنین می‌توان گفت که سلسله‌سندی که در حوزه عاشورا در تاریخ طبری آمده به این شکل است که ابتدا از هشام بن کلبی بوده و سپس به ابومخنف ارجاع داده شده است. در هر صورت بیشترین اخبار عاشورا از کتاب *مقتل‌الحسین ابومخنف در تاریخ طبری* آمده است.

از منابع دیگری که در این پژوهش از آن استفاده شده کتاب *الکامل فی التاریخ* اثر عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (د. ۶۳۰ هـ.ق) معروف ابن اثیر است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و جزء تواریخ عمومی محسوب می‌شود که بیشترین بخش کتاب در رابطه با تاریخ اسلام نوشته است. شیوه و سبک نگارش *الکامل* به صورتی است که در بیان یک واقعه تاریخی به ذکر روایات و منقولات گوناگون و مختلف رجوع نمی‌کند بلکه به نقل روایت و خبری می‌پردازد که به زعم خود کامل‌ترین آن باشد. این کتاب سه قرن بعد از تاریخ طبری نگاشته شده لذا بیشترین تأثیر خود را از تاریخ طبری گرفته است، که در همین راستا گزارش‌های مربوط به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا نیز مأخوذ از *مقتل‌الحسین* تاریخ طبری می‌باشد که این اخبار را با سلسله‌سند مختصری در کتاب خویش آورده است. چنان که برمی‌آید نگارنده با بررسی اکثر کتاب‌های تاریخ اسلام تا زمان خودش توان این که بتواند حق اتفاقات افتاده در واقعه عاشورا را آن‌طور که باید نتوانسته با دقت و بیان همه جانبه آن ادا کند و مطالب را به مختصر و با عدم رعایت تقدم و تأخر تاریخی آن نقل کرده است.<sup>۱</sup>

در این بخش تقریباً از تمام منابعی که در این پژوهش استفاده و مورد مذاقه قرار گرفته است صحبت شده است.

## منابع حدیثی

در راستای تحقیق در واقعه عاشورا در گفتمان ائمه بزرگوارمان به کتب حدیثی دست اول متعددی رجوع شده است که در این ارزیابی، منابعی که بیشترین مراجعه و توجه به آن‌ها شده است بیان می‌شود.

<sup>۱</sup> ابن اثیر، *الکامل*، ج ۱۱، ص ۲۱۲؛ وره‌رام، غلامرضا؛ «منابع تاریخی ایران در دوران اسلامی»؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳۷۱؛

از منابعی که نسبت به سایر کتب دست اول به آن بیشترین رجوع شده است کتاب *کامل الزیارات* نوشته ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی (د. ۳۶۷ هـ ق) می‌باشد. انگیزه مؤلف در رابطه با نگارش این کتاب بیان و انتشار و ثواب زیارت ائمه هدی (ع) و همچنین تقرب به درگاه الهی و توسل به امامان بزرگوارمان می‌باشد. ابن قولویه مدعی است که تمام احادیثی که در این کتاب به کار برده شده است مورد وثوق می‌باشد و از افراد و کتاب‌های معتبر برای تدوین کتاب خویش استفاده کرده است، وی اذعان دارد که حتی یک سند ضعیف هم در کتابش مشاهده نمی‌شود. در مورد روش تنظیم روایات مطرح شده در این کتاب نیز می‌توان گفت که ابن قولویه به سلسله سند هر روایت التفات و توجه داشته و با بررسی و مذاقه روایات مربوط به واقعه عاشورا دریافت می‌شود که نویسنده از دیدگاه و منظر ویژه‌ای به این واقعه توجه داشته است. اطلاعات روایی این کتاب گاهی با نکته‌ها و اتفاقات و حوادث محرز تاریخی تناقض دارد به طوری که به شأن و جایگاه امام معصوم (ع) لطمه وارد می‌کند به دلیل شخصیت معتبر و مؤثر نویسنده و همچنین دقت و توجه‌اش به آوردن سلسله اسناد، موجب شده که علما و مورخین بعد از او به همه داده‌های این کتاب اعتماد کنند. از آن جهت که این کتاب یکی از منابع و شاخص‌های حدیثی، روایی و دعایی تشیع است به همین دلیل ضرورت داشت که اثر مورد بررسی قرار گیرد و در پژوهش حاضر بخش زیادی از احادیث مورد کاربرد از این کتاب استفاده شده است و تلاش شده که در جاهایی که از این روایات استفاده شده یادآوری‌های لازم ارائه گردد لذا در این پژوهش پاره‌ای از این احادیث که به نظر می‌رسد بی‌تأثیر از فرهنگ غلات نمی‌باشد به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته شده است.<sup>۱</sup>

*الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* نوشته محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام (د. ۴۱۳ هـ ق) به زبان عربی است. او کتاب خود را دو سال قبل از وفات خویش نوشته است. شیخ مفید از متکلمین امامیه در نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌باشد که مهمترین اثر خود را در استقرار و تحکیم عقاید کلامی گذاشته است. وی با هدف افزایش شناخت و آگاهی افراد به مقام و شأن معصومین (ع) اطلاعاتی در رابطه با شئون امامت مطرح کرده است. در این کتاب چند فصل به امام حسین (ع) و زندگی و شهادت ایشان اختصاص داده شده که شیخ مفید بیشتر مطالب آمده در این باره را از کتاب ابو مخنف نقل کرده است. نویسنده مطالب خود را مانند کتاب‌های روایی دیگر با ذکر سند آورده و همین موجب شده که اعتبار و اتقان آن بیشتر شود.

<sup>۱</sup> رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم السادات؛ «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوته نقد»؛ شیعه پژوهی؛ سال سوم؛ شماره دوازدهم؛

نگارنده به دلیل زندگی در زمانی که رشد علوم اسلامی ارتقا یافته بود این امکان را یافته که از منابع دست اول و قدیمی تاریخ اسلام که در دوره‌های دیگر از دست رفته بود بهره گیرد و نیز از طرفی این فرصت برایش فراهم شده بود که بتواند این منابع را در جهت هر چه پر بارتر کردن و نوشته‌های خویش استفاده کند. ایشان در بیان حوادث تاریخی در بعضی موارد از یک منبع مشخص و یا شکل معینی بهره نبرده است بلکه از منابعی در نگارش کتاب خود استفاده کرده که چگونگی و حتی مقدار استفاده از آن منبع را مشخص نکرده و همچنین او از بعضی منابعی که استفاده کرده لزوماً تاریخی نیستند ولی ایشان از آن‌ها بهره تاریخی برده است.<sup>۱</sup>

از مراجع پر کاربرد دیگر در این نوشتار کتاب *امالی* نوشته محمد بن علی حسین بن موسی بن بابویه قمی (د. ۳۸۱ هـ.ق) مشهور به شیخ صدوق می‌باشد. ایشان حدیث شناس، متکلم و فقیه شیعه و مبرز در قرن چهارم هجری می‌باشد. این کتاب برآیند و محصول جلساتی است که نویسنده از تاریخ ۱۸ رجب سال (۳۶۷ هـ.ق) تا ۱۱ شعبان سال (۳۶۸ هـ.ق) در مشهد برای شاگردانش به عربی املا کرده و آن‌ها نوشته‌اند. از جمله نقدهایی که به این کتاب وارد است این است که نگارنده برای بعضی از اعمال مستحب ثواب‌ها و پاداش‌هایی را مطرح کرده که به نظر دور از ذهن و باور می‌آید، همچنین شأن نزول‌هایی را برای بعضی از سوره‌ها بیان کرده که با تاریخ و مکان نزول آن‌ها مطابقت ندارد. از امتیازهایی که این کتاب با دیگر امالی‌ها دارد می‌توان گفت که نویسنده در بیان احادیث به فراخور و موقعیت زمانی و مکانی دقت داشته است. مثلاً مجالسی که به امام حسین (ع) مربوط می‌شود مصادف با ماه محرم نوشته شده است. در *امالی* روایات و اخباری از واقعه عاشورا آمده که با واقعیت تطبیق ندارد و بیشتر دستاویز تحریفات و مجعولاتی است که از قرن دهم به بعد رواج پیدا کرده است. شیوع این اخبار غالباً بر اعتقادات و باورهای شیعیان تأثیر بسزایی گذاشته، در واقع می‌توان چنین گفت که بعضاً روایاتی غیر مستند در این کتاب آمده که با اهداف و انگیزه‌های قیام امام حسین (ع) منافات دارد.<sup>۲</sup>

در این بررسی احادیثی که از لحاظ سند و محتوا دارای ایراداتی است و شأن ائمه (ع) را خدشه دار می‌کند مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. دیدگاه شیخ صدوق نسبت به عاشورا کاملاً دینی و عرفانی است به طوری که در احادیثی که در کتابش آورده دائماً سخن از نقش خدا و پریان و فرشتگان و آسمان‌ها و جنیان و در کل اخبار غیبی است. از نظر نویسنده واقعه کربلا حماسه آفرین نیست، بلکه از فحواي روایات و اخبار آمده در این کتاب که بعضاً باید به سند و مدرک آن‌ها تردید داشت این طور برداشت می‌شود که حادثه کربلا به نوعی مصیبت جان‌سوز و فاجعه

<sup>۱</sup> خانجانی، قاسم، «منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی»، تاریخ در آئینه پژوهش؛ ۱۳۸۷؛ شماره ۱۹

<sup>۲</sup> رفعت، محسن؛ «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق»؛ شیعه پژوهی؛ سال سوم؛ شماره دهم بهار ۱۳۹۶؛ ص ۱۱۳-۱۴۲

باری است که امام قبل از آن که پیروز این حماسه باشد بیشتر قهرمان مظلومیت است. از منظر شیخ صدوق در واقعه عاشورا همه چیز خارق عادت و رنگ الوهیت دارد و حتی چنین برمی آید که ستمگران و کشندگان امام حسین (ع) نیز به نوعی دیندار معرفی شده‌اند و به نیت نزدیکی به خدا امام معصوم را می کشند.

یکی از مآخذی که در این تحقیق به آن بیشترین رجوع شده بحارالانوارالجامعه لدرر اخبارالائمة الاطهار یا به اختصار بحارالانوار نوشته محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۱ ه. ق) است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و یکی از بزرگترین منابع و مراجع حدیثی است که در صد و ده جلد تألیف شده که هنوز تمام مجلدات آن به فارسی ترجمه نشده است. مجلسی کتاب خود را در موضوعاتی چون اخبار، کلام، فقه و تاریخ طبقه‌بندی کرده است. بعضی از افراد این کتاب را به طور کامل تأیید کرده‌اند و برخی دیگر آن را بی ارزش و بی اعتبار خوانده‌اند در این باره باید گفت که هدف اصلی نگارنده از تألیف این کتاب صیانت آثار شیعیان و جمع آوری آن‌ها در یک کتاب و مجموعه بوده است نه مدافعه و توجه به ثقه بودن تمام اخبار آمده، در واقع مجلسی بدون این که صحت و سقم همه داده‌ها و آورده‌های خویش را در این کتاب تأیید کند این مجموعه را تدوین کرده است. در حقیقت مقصود علامه مجلسی از ضبط و گردآوری روایات بحارالانوار حراست و نگه‌داری از احادیث ائمه (ع) بوده است نه این که درستی و نادرستی آن‌ها را به اثبات برساند.<sup>۱</sup>

روایات عاشورایی موجود در بحارالانوار به رغم این که برگرفته از اخبار ابومخنف در کتاب الارشاد شیخ مفید است اما علامه مجلسی تلاش کرده تا از روایات مقاتل دیگر در مقتل الحسین خویش نیز استفاده کند. البته باید گفت که در این مقتل با این که سعی شده است از دیگر متون روایی بهره برده شود ولی با این حال در بعضی موارد با اتفاقات و حوادث حقیقی و مسجل تاریخی، ناسازگار بوده و جایگاه و شأن امام معصوم (ع) و اهل بیت ایشان مورد بی‌احترامی قرار گرفته است و از آنجایی که مجلسی جزء افراد موثق و مورد اعتماد می‌باشد لذا این دست از اخبار نیز مورد مراجعه و توجه علما و دانشمندان شیعی شده است. یکی از نکات مهمی که در مقتل الحسین علامه مجلسی باید مورد توجه قرار گیرد عدم تعصب و سخت‌گیری در بکارگیری و استفاده از منابع اهل سنت است. لذا نگارنده در رابطه با اخبار عاشورا تنها به روایات آمده در منابع شیعی بسنده نکرده و از منابع و کتب اهل سنت نیز در

<sup>۱</sup> روح‌الله خمینی، کشف الاسرار، ص ۳۱۹ و ۳۲۰

حیطة وقایع عاشورا استفاده کرده است.<sup>۱</sup> در این پژوهش نیز سعی بر آن بوده که منتقدانه به احادیث و روایاتی که در بحار الانوار آمده نظر شود.

علاوه بر آثار حدیثی نامبرده در این اثر که بیشترین رجوع به آن ها شده، از سایر کتب روایی نیز بهره گرفته شده است که می توان به تأویل الآیات الظاهره، تحف العقول، المزار المفید، مزار کبیر، تهذیب الاحکام، تذکره الخواص، من لا یحضره الفقیه، کفایة الاثر، عدّة الداعی، روضة الواعظین، علل الشرایع، تهذیب الاحکام، ثواب الاعمال، مستدرک الوسائل اشاره کرد.

---

<sup>۱</sup> رفعت، محسن؛ «روایات عاشورایی علامه مجلسی در بوته نقد و بررسی»؛ مطالعات فهم حدیث؛ بهار و تابستان ۱۳۹۹؛ سال پنجم؛ شماره ۱۲

## فصل اول:

### واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه از امام سجاد (ع) تا امام کاظم (ع)

## اولین تصویر ائمه از واقعه عاشورا

### ویژگی های خاص تصویری امام سجّاد (ع) در رابطه با واقعه عاشورا

برای بررسی تصویر واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه (ع)، اولین امامی که می‌توان در این پژوهش بررسی کرد امام سجّاد (ع) است، به این دلیل که آن بزرگوار خود شاهد واقعه عاشورا بودند و آن اتفاقات را تجربه کردند، به همین منظور می‌توان اولین بیانات و نقطه نظرات در خصوص جایگاه واقعه عاشورا و امام حسین (ع) در گفتمان ائمه شیعه را از اینجا شروع کرد.

بعد از شهادت امام حسین (ع) و در دوران امام سجّاد (ع) جامعه دچار انحطاط فکری شد، به این منظور که مردم روحیه حق‌پذیری را از دست داده بودند و حقایق را به تمسخر می‌گرفتند، که این مسئله ناشی از بی‌توجهی به آموزه‌های دینی، از سال چهل هجری تا شهادت امام حسین (ع) می‌باشد، در واقع در این دوران بیست ساله مردم از لحاظ مایه‌های ایمانی و اعتقادی به شدت سست و توخالی شده بودند البته علمایی در این زمان زندگی می‌کردند که به اعتقادات و منش اسلامی پایبند بودند اما غالب مردم دچار بی‌ایمانی و آشفتگی شدیدی در اعتقاداتشان بودند. جامعه آنقدر دچار ضعف اعتقادی شده بود که یکی<sup>۱</sup> از طرفداران بنی امیه خلافت را از نبوت بالاتر می‌دانست.<sup>۲</sup> امام سجّاد (ع) واقعه عاشورا را تجربه کردند و به چشم خود نظاره‌گر صحنه‌ها بودند در صورتی که سایر ائمه (ع) این واقعه را به طور عینی ندیده‌اند.

امامان قبل از ایشان هر کدام شیوه‌ای را برای نشر احکام اسلامی و ترویج دین الهی با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی خود به عهده داشتند. امام سجّاد (ع) یکی از شاهدان عینی واقعه کربلا بود، در موقعیت زمانی‌ای که ایشان زندگی می‌کردند و با توجه به اختناق شدیدی که پس از واقعه عاشورا در جامعه آن روز حاکم بود، بسیاری از احکام و در کل شریعت اسلامی زیر پا گذاشته شده بود و بسیاری از مردم جامعه از نکات اصیل اسلامی فاصله گرفته بودند و دل‌ها سخت شده بود<sup>۳</sup> همچنین امام سجّاد (ع) و شیعیان در تنگنا به سر می‌بردند، به عنوان نمونه دوره حجّاج از دوره‌هایی است که امام سجّاد (ع) و شیعیان در محدودیت‌های سنگینی هستند و حجّاج سخت‌گیری‌های بسیاری را بر شیعیان روا می‌داشت، از جمله وقتی عبدالملک بن مروان حجّاج را والی عراق کرد در طی نامه‌ای به او

<sup>۱</sup> خالد بن عبدالله قسری

<sup>۲</sup> آیه الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۴۶؛ اخبار الطوال، ص ۳۴۶

<sup>۳</sup> یوسفیان، «از زلال صحیفه ۱»، علوم سیاسی - حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹۶



توصیه کرد که با توجه به این که مردم عراق یا همان مردم شهرهای بصره و کوفه، معمولاً به آنچه که گفته اند عمل نمی‌کنند پس با آنها تا می‌توانی به شدت برخورد کن در غیر این صورت امکان حکومت بر آنها را نخواهی یافت.<sup>۱</sup> باید به این نکته توجه داشت که زمانه‌ای است که قیام‌های سهمگین با الگوسازی از قیام امام حسین (ع) و شعار خون‌خواهی آن امام بر علیه حکومت اموی از جمله قیام توأین شکل گرفته و سرکوب شده است. در عصر امامت امام سجّاد (ع) با توجه به شرایط بعد از واقعه عاشورا دیگر امکان و فرصتی دوباره برای قیام و جنگ با دستگاه اموی وجود نداشت. امام زین العابدین (ع) معتقد بودند که قیام به سیف برای رهبری جامعه‌ی اسلامی اثری ندارد کما این که خطر جانی هم برایشان متصور بود.<sup>۲</sup>

### قصد یزید برای تحقیر امام سجّاد (ع)

امام سجّاد (ع) ضمن یادآوری اشتباهات یزید در خطبه روشن‌گرانه‌ای که در کاخ یزید ایراد کردند بسیاری از حقایق را برای مردم روشن کردند و باعث تنبه آنها شدند.<sup>۳</sup> یزید بن معاویه در صدد برآمد امام سجّاد (ع) و اهل بیت (ع) را تحقیر کند، از این رو از حضرت درخواست کردند بالای منبر رفته و در باب به تعبیر او فتنه‌انگیزی به امام حسین (ع) و پیروزی حاکم اموی صحبت کنند. امام سجّاد (ع) این درخواست یزید را فرصت مغتنمی دانستند تا بر روی منبر حاضر شده و از خاندان اهل بیت (ع) دفاع نمایند. از این رو زمانی که امام بر منبر حاضر شدند خودشان را به عنوان فرزند پیامبر اسلام به حاضران معرفی کردند و فضائل خاندان اهل بیت (ع) را برشمردند، سپس با بهره‌گیری از ندای اذان، که در زمان صحبت و خطابه ایشان در بالای منبر طنین انداز شد، یزید را مخاطب قرار داده و با اشاره به بیان و ذکر نام پیامبر (ص) در اذان به او گوشزد کردند، من فرزند همین پیامبری هستم که نام او هم اکنون در اذان ذکر شده، نکته مهم در باب این تذکر امام سجّاد (ع) این است که در این مجلس که با هدف زیر سؤال بردن جایگاه اهل بیت (ع) تشکیل شده بود امام سجّاد (ع) مباحث و گفته‌هایشان را به گونه‌ای مستدلّ پیش بردند، حتی یزید به رغم همه دشمنی‌ها و خصومت‌شان با این خاندان مجبور به تأیید ضمنی گفته‌های امام سجّاد (ع) در آن مجلس و در حضور حاضران شدند و غل و زنجیر را از ایشان گشودند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۳۴ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۳؛

<sup>۲</sup> یوسفیان، «زلال صحیفه»، علوم سیاسی - حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹۶

<sup>۳</sup> طبرسی، اعلام الوری، ج ۵، ص ۱۸۹

<sup>۴</sup> احتجاج، ج ۲، ص ۱۳۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۱؛ ابن اعثم، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۷۵؛ الفصول المهمه، ص ۱۹۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۲۰

به هر روی بعد از سخنان روشنگرانه امام سجّاد (ع) و حضرت زینب (س) و رسوا کردن بنی امیه، یزید مجبور شد که با وجود کشتن اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش و آن همه آلام و مصیبت‌هایی که به دستور خود پیش آورده بود از ترس از دست دادن مقام و منصب خود، برای ظاهر سازی هم که شده ابراز ندامت و ناراحتی کرده و خود را بی‌گناه جلوه دهد و مسبب تمام مصیبت‌های وارده به اهل بیت (ع) را که به خواست و دستور او پیش آمده بود ابن زیاد بداند<sup>۱</sup> و سرانجام امام و اهل بیت (ع) را با دادن هدایایی و احترام کامل به سوی مدینه بازگرداند.<sup>۲</sup>

### فرهنگ جامعه دوران امام سجّاد (ع) بعد از واقعه عاشورا

بعد از واقعه‌ی عاشورا امام زین العابدین (ع) باید انقلابی را برای امت پیامبر (ص) که دچار انحراف و رفاه زدگی شده بودند به وجود می‌آورد و آنها را از رغبت به قطب‌های قدرت و خوشی‌ها و تنعم و راحتی کاذب پرهیز می‌داد که با تلاش‌های معاویه از اسلام اصیل محمدی (ص) دور افتاده بودند. بعد از مرگ یزید، مدینه النبی مرکز زنان آوازه خوان شده بود وقتی که یزید بن عبدالملک (د. ۱۰۵ق) از خلفای اموی در شام یکی از زنان آوازه‌خوان را از مدینه به سوی خود فرا خواند بنابر برخی گزارش‌ها مردم مدینه از این اتفاق ناراحت شدند اگرچه ممکن است اغراقی در این گزارش‌ها وجود داشته باشد ولی در واقع گزارش به نوعی نشان دهنده سطح فکری مردم در آن مقطع در شهر مدینه بود.<sup>۳</sup>

این تنها گوشه‌ای از ابتدال جامعه‌ی آن دوران بود، در واقع در آن زمان بدترین و هرزه‌دارترین و یاوه‌گوترین شعرا در مکه و مدینه بودند و مرکز حکومت اسلامی و محل نزول وحی دچار فساد و فحشا شده بود در نتیجه وقتی فساد و بی‌بند و باری اخلاقی در این شهرها به این شکل بود، می‌شود حدس زد که دیگر بلاد اسلامی به چه شکل بوده است.<sup>۴</sup> آنقدر جامعه در اختناق شدیدی به سر می‌برد که خلفای زمان امام سجّاد (ع) تحمل هیچ صدای مخالفی را نداشتند، آنها برای این که کسی جرأت ابراز محبت به اهل بیت (ع) را نداشته باشند و همچنین برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه اقداماتی را انجام می‌دادند مثلاً حجّاج گردن جمعی از صحابه پیامبر (ص) را به مهر داغ کرد تا

<sup>۱</sup> الخوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۷۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵

<sup>۲</sup> تهبوف، ص ۱۰۶؛ مثير الاحزان، ص ۱۰۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۴

<sup>۳</sup> ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۸، ص ۳۴۲

<sup>۴</sup> شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۰۴؛ البته به این نکته هم باید اشاره کرد که به رغم توضیحات ارائه شده لزوماً نمی‌توان قضاوت کرد که سایر بلاد اسلامی

به این میزان یا بیشتر درگیر فساد بوده باشند.

بدین وسیله آنها را خوار و زبون جلوه دهد، از جمله آنها جابر بن عبدالله (د. ۷۸ ق) و انس بن مالک (د. ۹۳ ق) بود.<sup>۱</sup> بنابراین تنها راهبرد حفظ جامعه اصیل شیعه در آن زمان تقیّه بود به طوری که آمده امام چهارم (ع) با توجه به شرایط موجود با مؤمنین بسیار اندکی که از آن حضرت پیروی می کردند امامت را مخفی می داشت. امام سجّاد (ع) منش و کلامشان همواره با استعاره همراه بود و اگر قرار بود نکته ای را در رابطه با خود و شرایطشان به کسی بگویند کاملاً پوشیده و در مواقعی با تلمیح بیان می کردند.<sup>۲</sup> یکی از کارسازترین استراتژی‌ها در شرایط سخت آن روز، روی آوردن امام زین العابدین (ع) به دعا است اکثر سخنان امام سجّاد (ع) در زمینه معارف و زهد بیان شده است، همان طور که گفته شد نامناسب بودن فضای فرهنگی جامعه‌ای که امام سجّاد (ع) در آن روزگار می گذراندند اجازه صراحت در گفتار را به ایشان نمی دادند، نه تنها دستگاه حکومتی آن دوران اجازه نمی داد، بلکه مردم هم از لحاظ سطح فکری و معرفتی در حدی نبودند که پذیرش سخنان بی پرده حضرت را داشته باشند، لذا این شرایط اقتضا می کرد امام چهارم (ع) با مردمی که از فرهنگ اهل بیت به دور افتاده بودند با زبان موعظه و دعا صحبت کنند.<sup>۴</sup>

موعظه امام سجّاد (ع) در غالب بیانات ایشان آمده است که در این طریق ظاهراً امام مردم را نصیحت می کردند ولی در واقع آن چه را که می خواستند در فکر و دل مردم جا بگیرد به آنها القاء می کردند، همچنین نوع گفتار و لحنی که امام سجّاد (ع) با نزدیکان و دوستان بسیار خاص خود داشتند با دیگر افراد جامعه بسیار متفاوت بود، چرا که افراد عامی که ایشان را به عنوان امام قبول نداشتند برای سخنان حضرت دلیل و سند می خواستند و امام برای سخنان خود از آیات قرآنی استفاده می کردند و یا تلویحاً به آیات اشاره می کردند.<sup>۵</sup>

در طی سالیان متمادی، جامعه از اندیشه صحیح اسلامی دور مانده بود و باید تفکر اصیل اسلامی که ائمه (ع) حامل آن بودند مبنا قرار می گرفت و تدوین و انتشار پیدا می کرد و این مستلزم زمینه سازی فکری میان مردم آن زمان بود،

<sup>۱</sup> تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۳؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۳۴

<sup>۲</sup> مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۳۲۰

<sup>۳</sup> «در تفسیر قمی به نقل از امام صادق (ع) آمده که منهل از او پرسید که چگونه صبح کردی؟ حضرت طوری پاسخ می دهد که مردمی که اطرافشان بودند گفتگویشان را بشنوند و می فرماید: ما میان قوم خود مانند بنی اسرائیل در میان فرعونیان صبح کردیم. پسرانمان را می کشند و زنانمان را زنده نگه می دارند و بهترین آفریدگان پس از محمد (ص) بر منبرها لعن می شود و به دشمن ما ثروت عطا می شود و او را بزرگ می دارند و هر که دوستدار ما باشد تحقر می شود و از حقش می کاهند و البته مومنان همواره اینگونه بوده اند.» تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۴؛ و نیز نک. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۵۴؛ استرآبادی، تأویل الآیات

الظاهره، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۱۴؛ طبرسی، مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۵، ح ۱۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۴

<sup>۴</sup> آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۵۶

<sup>۵</sup> همان، ص ۱۶۱

از جمله آن تمهیدات این بود که ایشان مباحث توحیدی، نبوت، ارتباط با خدا، مقام معنوی انسان را به طور غیر مستقیم و در قالب صحیفه سجّادیه تدوین کردند. با مطالعه شرایط فرهنگی و جوّ حاکم آن زمان، که مردم و حاکمانشان به سوی دنیا طلبی و ذخایر مادی آن پیش می‌رفتند و همچنین با تأمل در فضای حاکم بر موضوعات صحیفه سجّادیه، می‌توان به این نتیجه رسید که تا چه میزان فرهنگ اهل بیت (ع) و تربیت و معرفت موجود در جامعه از یکدیگر فاصله داشت، بعد از واقعه عاشورا امام زین‌العابدین (ع) در زمانی که جامعه به سمت تشریفات و تجمل‌گرایی پیش می‌رفت به اقتضاء هر فرصتی در باب ناپایداری دنیا نکته‌ای را گوشزد می‌کردند.<sup>۱</sup>

تصور نادرست برخی بر این است که امام سجّاد (ع) نیز باید همانند پدر بزرگوارش اعلان جنگ می‌کرد و بر ضد دستگاه حاکم قیام می‌کرد و یا در نهایت به امثال مختار (د. ۶۶ هجری) ملحق می‌شد ولی از این نکته غافلند که در شرایط فرهنگی موجود آن زمان امکان چنین اقدامی وجود نداشت که اگر چنین می‌شد شیعه‌ای باقی نمی‌ماند و در اصل مکتب اهل بیت و دستگاه ولایت و امامت از بین می‌رفت،<sup>۲</sup> ولی با این حال امام سجّاد (ع) در موقعیت اختناق آن زمان سخنانی را بیان کردند که لحن و شیوه بیان ایشان، نشان دهنده این است که مخاطب صحبت‌های امام افرادی است که دل در گرو اهل بیت (ع) دارند و زمانی که می‌خواهند با آنها صحبت کنند، آنها را با عنوان «یا ایها المؤمنون» خطاب قرار می‌دهند.

امام چهارم (ع) در بین دوستانشان با صراحت از ظلم حاکمان اموی صحبت می‌کردند و آن را در کنار وسوسه شیطان می‌آوردند و یا این که مخاطبین خود را از همنشینی با گناه کاران بر حذر می‌دارند، امام آنها را از مراوده با کسانی که جذب دستگاه حاکم شده‌اند اجتناب می‌دهند.<sup>۳</sup> در روایاتی که از ایشان به دست آمده است، محبین اهل بیت (ع) را از طاغوت‌ها و دنیاپرستان پرهیز می‌دهد و این نشانه آن است که طرفداران اهل بیت در آن زمان از لحاظ مادی در شرایط دشوار و در فقدان‌های زیادی به سر می‌بردند،<sup>۴</sup> طبیعی است که عده‌ای که اهل مبارزه‌اند با محرومیت‌ها و فقدان‌هایی در زندگی معمولی خود روبرو هستند که همین مسئله ممکن است آنها را به سمت متنعم شدن از نعمت‌های زودگذر دنیا و رفاه کاذب سوق دهد. امام زین‌العابدین (ع) با تلنگرهایی که برای مؤمنین، نه

<sup>۱</sup> «أَوْ لَا خُرُ يُدْعُ هَذِهِ اللَّمَّاطَةَ لِأَهْلِهَا؛ آیا آزاد مردی نیست که این پس مانده دهان سگ را برای اهلیش بگذارد.»؛ تحف العقول، ص ۳۹۱؛ آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۵۷ و ۱۵۸

<sup>۲</sup> همان

<sup>۳</sup> کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۱۶

<sup>۴</sup> یک نمونه از صحبت‌های امام سجّاد (ع) در خطاب به دوستانشان، «ای مؤمنان! طاغوت‌ها شما را فریب ندهند و پیروان طاغوت‌ها از دنیاپرستان و دنیاگرایان و دنیا‌فریفتگان»؛ تحف العقول؛ ص ۲۵۲

افراد معمولی جامعه دوران خود دارند آن‌ها را از گرایش به دنیایی که در عین رفاه، ایمان انسان را از بین می‌برد پروا می‌دهند، ولی امام در برخورد با افراد معمولی و عامه مردم، که آمادگی پذیرش هر سخنی را ندارند و حتی بیم آن می‌رود که اگر تذکر یا رهنمود صریح و مستقیمی به مردم داده شود واکنش خوبی نداشته باشند، صرفاً مردم را متوجه قیامت و آمادگی در این موضوع می‌کنند.<sup>۱</sup>

بعد از واقعه عاشورا و در زمان امام سجّاد (ع) اکثر مردم دچار خلأ شدیدی از لحاظ ایمان و اعتقادات شده بودند و سنت و راه و روش پیامبر (ص) رنگ باخته بود، زوال عقیدتی و دینی مردم به حدی رسیده بود که اثری از عمل به دین و دین‌داری باقی نمانده بود و مردم از لحاظ فکری و اخلاقی دچار انحطاط شده بودند و شعائر دینی و اعتقادی را به تمسخر می‌گرفتند.<sup>۲</sup> بر اساس نظر و عقیده امام سجّاد (ع) قسمت اعظم مشکلات جهان اسلام که به حادثه ناگوار واقعه کربلا و کشتن امام حسین (ع) و یارانش منجر شد، در نتیجه سقوط اخلاقی مردم است. اگر مردم سنت‌های اسلامی را مبنا قرار می‌دادند و بر طبق اصول و روش اسلامی زندگی می‌کردند، هر چه قدر هم که حکومت‌ها ستمگر و فاسد می‌بودند، هرگز یزید (د. ۶۴ هجری)، ابن زیاد (د. ۶۷ هجری)، و یا عمر سعد (د. ۶۷ هجری) نمی‌توانستند به خود جرأت به وجود آوردن آن حادثه مصیبت‌بار را بدهند.<sup>۳</sup>

جامعه‌ای که امام سجّاد (ع) در آن زندگی می‌کردند اسم و رسم و ظاهری اسلامی داشت ولی به دلیل کم‌رنگ شدن باورها و ارزش‌های اسلامی از درون خالی و تهی شده بود و تمام این ویژگی‌ها دست‌آورد و نتیجه حاکمیت استبداد و بردن مردم به سمت دنیا‌گرایی است.<sup>۴</sup> حضرت در جامعه‌ای که سردمداران آن با کشتن امام حسین (ع) و

<sup>۱</sup> آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۶۴ تا ۱۶۶

<sup>۲</sup> امام سجّاد (ع) درباره انحطاط فکری و عقیدتی مردم بعد از واقعه عاشورا فرمودند: «نمی‌دانیم با این مردم چگونه رفتار کنیم، اگر آنچه از رسول خدا شنیده‌ایم برای آنان نقل کنیم می‌خندند و اگر سکوت کرده نقل نکنیم طاقتم نمی‌آوردیم.» کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۳۴؛ یوسفیان، «زلزال صحیفه ۳»، علوم سیاسی-حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، ص ۸۷ تا ۱۰۵

<sup>۳</sup> در این باره به این نکته هم میتوان اشاره کرد: «یک ملت وقتی منشأ همه مفاسد خواهد شد که اخلاق او خراب شود. این را امام سجّاد (ع) در چهره جامعه اسلامی تفحص کرد، و کمر بست به اینکه این چهره را از این زشتی پاک کند و اخلاق را نیکو گرداند. لذا، دعا «مکارم اخلاق» دعاست، امام درس است. «صحیفه سجّادیه» دعاست، امام درس است.» آیت الله خامنه‌ای، آفتاب در مصاف، ص ۳۲۵؛ الدرریه، ج ۱۳، ص ۳۴۵

<sup>۴</sup> در گزارش‌های اسلامی درباره کم‌رنگ شدن اعتقادات و یقینات بعد از حادثه کربلا و در زمان امام سجّاد (ع) آمده است که: «محمد بن مسلم بن شهاب زهری می‌گوید؛ در شام نزد انس بن مالک (د. ۹۳.ق) (صحابی معروف پیامبر (ص)) رفتم، دیدم تنها نشسته و گریه می‌کند، وقتی از علت گریه‌اش پرسیدم، پاسخ داد: از مجموع آنچه از اسلام فراگرفتم، جز این نماز را سراغ ندارم که مانده باشد، اکنون آن هم ضایع شده است.» علامه حلی؛ نهج الحق و کشف الصدق، ص ۳۱۶؛ یوسفیان، «زلزال صحیفه ۳»، علم سیاسی-حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۸۷ تا ۱۰۵؛ مدّتی بعد از زمان انس، حسن بصری می‌گفت: «اگر رسول خدا دوباره به میان شما برگردد، از میان آنچه به شما تعلیم داده، جز قبله چیز دیگری را نخواهد شناخت.» جعفر مرتضی‌العاملی، دراسات و بحوث فی تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۷؛ یوسفیان، «زلزال صحیفه ۳»، علم سیاسی-حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۸۷ تا ۱۰۵

یارانش شادی‌ها کردند،<sup>۱</sup> به وسیله دعا گفتمانی را در مقابل گفتمان اموی آن روز ارائه دادند. شرایط اجتماعی و سیاسی که امام سجّاد (ع) پس از واقعه عاشورا تجربه کردند، فرصت و امکان این که بتوانند تمامی ابعاد و وجوه مسئله واقعه عاشورا را برای جامعه تبیین کنند نداشتند، با این حال ایشان اقدامات غیر مستقیمی در راستای همان رسالتی که امام حسین (ع) در قبال جامعه احساس می‌کردند انجام دادند، از جمله آن اقدامات، بیان مطالبی بود که به رساله حقوق مشهور شده که در آن سعی کرده‌اند مسائل اصلاحی را برای جامعه بیان کنند. امام سجّاد (ع) علاوه بر نکات کاربردی‌ای که در صحیفه سجّادیه بیان می‌دارند مردم روبرگردانده از سرشت خود را به حقوقی که در مقابل خود و دیگران دارند متوجه می‌کنند، در جامعه امویان با تمایلی که به اشاعه فساد بود چیزی که به چشم نمی‌خورد، حقوقی بود که افراد نسبت به خود یا یکدیگر دارند. امام سجّاد (ع) در این رساله مخاطب را متوجه حقوقی می‌کند که انسان را احاطه کرده و یادگیری و عمل به آن واجب است، از جمله آن‌ها حقی است که ذات اقدس حق بر انسان دارد و همچنین حقی که انسان بر خودش دارد.<sup>۲</sup>

امامت امام زین العابدین (ع) از روز عاشورای سال شصت و یک هجری بعد از شهادت امام حسین (ع) شروع شد، کسانی که با امام سجّاد (ع) همراه بودند شاید به بیست نفر نمی‌رسیدند، رعب و وحشتی که در وضع کلی جهان اسلام در آن زمان حاکم بود این را می‌رساند که نه شرایط و زمینه قیام و نه یارانی که مال و جان‌شان را برای برپایی اسلام حقیقی نثار کنند وجود داشت.<sup>۳</sup> به دلیل ظلم‌هایی که خلفای اموی هم عصر امام سجّاد (ع) به مردم روا می‌کردند جرأت اظهار دوستی اهل بیت (ع) بسیار سخت شده بود، بعد از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع)، مردم مخصوصاً شیعیان از این همه قساوت و وحشت زده شده بودند ولی این ترس مانع این نشد که رابطه خود را هر چند پنهانی<sup>۴</sup> با خاندان پیامبر (ص)

<sup>۱</sup> شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا فرخت به آل زباید و آل مروان بقتلهم الحسین صلوات‌اله علیه  
<sup>۲</sup> رساله حقوق امام سجّاد (ع)، این کتاب دیکته شده امام سجّاد (ع) به یکی شاگردانش به نام ابوحمزّه ثمالی است. در متن طرح و موضوع کلی رساله بیان شده است.

<sup>۳</sup> از جمله مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، گزارشی است که در بحارالانوار آمده است: «عباد بصری در راه مکه حضرت سجّاد (ع) را دیدند و به ایشان گفتند: بهتر نیست به جای حج کردن که کاری راحت و آسان است به جهاد بپردازیم؟ سپس آیه ۱۱۱ سوره توبه را برای حضرت تلاوت کرد: «حقا که خداوند از مؤمنان جان‌ها و ماهایشان را خریداری کرده به بهای آنکه بهشت از آن آنها باشد، در راه خدا می‌جنگد می‌کشد و کشته می‌شوند.» حضرت فرمودند: وقتی بیایم کسانی را که دارای چنین صفاتی باشند جنگ کردن با آنها حج بهتر است.» مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸۰

<sup>۴</sup> یوسفیان، «زلزال صحیفه ۱»، علوم سیاسی-حُصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹۶  
<sup>۵</sup> یک نمونه از رابطه‌های مخفی که محبین اهل بیت با آنها داشتند: «در همان روزهایی که خاندان پیامبر (ص) در کوفه بودند، در یکی از شبها در محلی که آنها زندانی بودند، سنگی فرود می‌آید. سنگ را برمی‌دارند و می‌بینند کاغذی به آن بسته است. در آن کاغذ نوشته شده بود؛ حاکم کوفه شخصی را پیش یزید در شام

از دست بدهند و در مواقع مختلف به شکلی محبت خود را نشان دادند. مثلاً عبدالله بن عقیف ازدی (د. ۶۱ هجری) وقتی که اسرا به کوفه وارد شدند و مورد اهانت عبیدالله بن زیاد (د. ۶۷ هجری) قرار گرفتند، او از اهل بیت (ع) دفاع کرد که همین منجر به شهادت او شد.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه در خصوص تحولات دوره پس از شهادت امام حسین (ع) و عصر امام سجّاد (ع) که می‌توان به آن اشاره کرد پیش بینی است که در نهج البلاغه از زبان امام علی (ع) به گونه ای در خصوص ستمگری‌های معاویه و ظلم‌های احتمالی امویان در آینده آمده است و از جامعه و سبک زندگی و رفتاری امویان و حلال‌هایی را که حرام می‌کنند و اصول و شریعت اسلام را زیر پا می‌گذارند به طور کامل ترسیم کرده است.<sup>۲</sup>

### تلاش امام سجّاد (ع) بعد از واقعه عاشورا برای تغییر دیدگاه افراد جامعه

در زمان امویان اهتمام امام سجّاد (ع) در صحیفه سجّادیه این است که از طریق دعا سطح فهم مردم را بالا ببرند و مردم را به اندیشیدن در مورد خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند وادارند.<sup>۳</sup> همچنین لحن زبان امام با مردم، لحن موعظه است و امام به روش بسیار زیرکانه ای در عین حال که مردم را نصیحت می‌کنند می‌خواهند به مقصود اصلی خود که همان تغییر ایدئولوژی و دیدگاه فکری و فرهنگی مردم که بعد از واقعه عاشورا به وجود آمده است برسند و این بهترین روش انتقال مفاهیم و افکار است.<sup>۴</sup>

دوست و دشمن به منزلت والای علمی و مکارم اخلاقی امام زین العابدین (ع) اذعان داشتند.<sup>۵</sup> ایشان با عمل به دستورات احکام دین باعث تنبّه سایر افراد می‌شدند، در زمانی که مرام قرآن و سنت پیامبر (ص) تحریف شده بود

---

فرستاده است که درباره وضعیت و سرنوشت شما از او کسب تکلیف کند، اگر تا فردا شب، مثلاً صدای تکبیر شنیدید بدانید که شما در همین جا کشته خواهید شد و اگر نشنیدید، بدانید که وضع بهتر خواهد شد.»؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۳؛ الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۷۶

<sup>۱</sup> تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۷۵؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۱؛ تذکره الخواص، ص ۲۵۹

<sup>۲</sup> «سوگند به خدا! بنی آمیه چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند، جز آنکه حلال شمارند، و پیمانی نمی‌ماند جز آنکه همه را بشکنند و هیچ خیمه و خانه‌ای وجود ندارد جز آن که ستمکاری آنان در آنجا راه یابد، و ظلم و فسادشان مردم را از خانه‌ها کوچ دهد، تا آن که در حکومت شان دو دسته بگردد: دسته ای برای دین خود که آن را از دست داده‌اند، و دسته‌ای برای دنیای خود که به آن نرسیده‌اند.» نهج البلاغه، خطبه ۹۸، ترجمه دشتی

<sup>۳</sup> یوسفیان، نعمت اله، (زلال صحیفه ۱)، علوم سیاسی - حُصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹۶

<sup>۴</sup> ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۴۹؛ آیت الله علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۶۰ و ۱۶۱

<sup>۵</sup> یکی از بستگان علی بن الحسین ع آمد خدمت ایشان و شروع به ناسزا گفتن به آن جناب کرد و سخنی با او نگفت همین که رفت امام به حاضرین گفت شنیدید چه گفت؟ من مایلم با هم برویم ببینید من چگونه پاسخ او را میدهم. گفتند حاضریم، ما مایل بودیم پاسخ او را بدهی. امام کفش خود را پوشیده و به راه افتاد و زیر زبان این آیه «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُجِبُّ بِالْمُحْسِنِينَ»، فهمیدم که چیزی به او نخواهد گفت، رسید درب منزل آن مرد و او را صدا زده فرمود: بگویند علی بن الحسین با تو کار دارد، آن مرد بیرون آمد و آماده بود که با هر ناراحتی ای مقابله کند. یقین داشت که حضرت برای عمل زشتی

و رغبت مردم به سوی حرام‌ها متمایل بود، امام سیدالساجدین (ع) بندگی را با سیره عملی خود به دیگران می‌آموخت.<sup>۱</sup> بعد از واقعه عاشورا به دلیل تسلط بنی‌امیه بر جامعه مسلمان و بردن جامعه به سمت و سویی که مدنظر سردمداران آن بود، جامعه از پیشرفت‌های فکری و علمی تا حدی دور نگه داشته شده بود و مردم دچار نوعی محدودیت‌های فکری شده بودند. امام سجّاد (ع) با شروع آموزش درس در زمینه‌های فکری فقهی و اخلاقی و حدیث و تفسیر قرآن و جذب شاگردان و پیروان بسیار، کم‌کم زمینه احیاء سنت و روش پیامبر (ص) را فراهم کردند.<sup>۲</sup> ایشان با برگزاری جلسات علمی و صحبت در زمینه طلب علم و آموزش احکام دین، افراد بسیاری را به این موضوع مشتاق می‌کردند.<sup>۳</sup>

امام چهارم (ع) غلامانی که در اختیارش بودند بیش از یک سال نگه نمی‌داشت و هنوز سال به پایان نرسیده آزادشان می‌کرد، هر سال در آخرین شب ماه مبارک رمضان تعدادی از آنها را آزاد می‌کردند و حتی بعد از آزادی هم اموالی را در اختیار آنها می‌گذاشتند که مانند مردم عادی زندگی کنند، آنان در اثر معاشرت با امام سجّاد (ع) و با احکام و آدابی که از ایشان آموخته بودند با رفتار خود در جامعه ای که بعد از واقعه عاشورا دچار گمراهی و دوری از حقایق اسلامی شده بود موجب نشر احکام اسلامی می‌شدند.<sup>۴</sup>

### استفاده از گریه به عنوان صدای اعتراض در برابر سلطه ظالم

در توصیه‌هایی از اهل بیت (ع) بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره سیدالشهدا (ع) از طریق عزاداری برای ایشان و یادآوری مصیبت‌های خاندان پیامبر (ص) در روز عاشورا و گریستن و گریاندن دیگران و آگاه کردن از

---

که او انجام داده آمده، امام ع فرمود: برادر! تو هم اکنون پیش من آمدی و چنین و چنان گفتی، اگر راست گفتی از خدا طلب آمرزش می‌کنم، در صورتی که دروغ گفته باشی خدا تو را بیامزد، آن مرد پیشانی امام را بوسید، گفت: نه آنچه گفتم در تو نیست، من شایسته ترم به آن‌ها. «مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۴۱ و ۴۲»

<sup>۱</sup> در باره علم فراوان امام سجّاد آمده است: «آنچه را که فقها و دانشمندان در علوم مختلفه از آن حضرت نقل کرده‌اند به اندازه‌ای است که از شمار عدد بیرون است. و آنچه را که از مواعظ و ادعیه و فضایل قرآن کریم و حلال و حرام و درباره حوادث و ایام و دیگر علوم مختلفه که بین علما و دانشمندان مشهور است اغلب از کسانی به دست آورده‌اند که در مکتب امام زین العابدین (ع) آموخته و از چشمه علوم آن حضرت سیراب گشته‌اند و به دنبال آن اضافه کرده است.» سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۵، ص ۲۳۴؛ و نیز نک مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۴۶، ص ۵۱

<sup>۲</sup> سید حکیم منذر، *اعلام الهدایه*، ج ۶، ص ۲۹۲

آمام سجّاد (ع) در زمینه طلب علم فرمودند: «اگر مردم به اجر و ثوابی که در طلب علم و دانش به آن می‌رسد آگاه بودند، حاضر بودند در راه به دست آوردن آن دل امواج دریا را شکافته و حتی در این راه خون خود را اهدا نمایند، خداوند متعال به دانیال نبی وحی کرد که بنده جاهلی را که حق دانشمند را سبک بشمارد و از آن پیروی نکند بسیار ناپسند می‌دارم و در عوض محبوب‌ترین بندگانم نزد من پرهیزگاری است که در پی جمع‌آوری ثواب بوده و همواره همراه دانشمندان و پیرو بردباران بوده و از حکیمان کسب دانش کند.» کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۳۵

<sup>۴</sup> سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۵، ص ۲۴۴



ثواب این کار به افراد تأکید شده است.<sup>۱</sup> علاوه بر این که گریستن و سوگواری در مصائب اهل بیت (ع) در واقعه عاشورا ممکن است نشانه محبت و علاقه شیعیان به حساب بیاید ولی باید این نکته را نیز مدنظر داشته باشیم که علاوه بر این که اظهار محبت به اهل بیت (ع) بر طبق قرآن واجب است،<sup>۲</sup> ولی تفکر در احادیثی که سفارش بر استمرار به برپایی و سوگواری بر مصائب اهل بیت (ع) دارد این را می‌رساند که اقامه عزا بر ایشان دلیلی فراتر از ابراز علاقه به اهل بیت (ع) را دارد.

اصلی‌ترین و مهمترین دلیل حرکت امام حسین (ع) و قیام بر ضد دستگاه حاکم، مبارزه با جهل و جلوگیری از ستم به مظلومان و اقامه عدل و داد است.<sup>۳</sup> از نمادهای بارز در سیره امام سجاد (ع) در ارتباط با یادآوری رویداد کربلا، ابراز تأثر همیشگی از این رویداد است، بازمانده کربلا به اقتضای هر موقعیتی برای اباعبدالله (ع) و عزیزانش که در مصیبت کربلا شهید شده بودند می‌گریست چنان‌چه دل هر بیننده‌ای را می‌سوزاند.<sup>۴</sup>

گریه ایشان هرگز از روی ضعف یا تأسف از این حادثه نبود بلکه حضرت با این کار خود انقلابی را در دل‌ها راه انداختند،<sup>۵</sup> با توجه به تیرگی دل‌ها ایشان گریه را به عنوان صدای اعتراض در برابر سلطه ظالم به عنوان عکمی بلند کرده بود، از این‌رو گریه بر امام حسین (ع) باعث مطلع شدن افکار عمومی با عمق فاجعه و شقاوت بنی امیه به اهل بیت (ع) می‌شد. ضمن بی‌تابی امام سجاد (ع) از این واقعه دردناک که خود شاهدی زنده بر این رویداد بود از جمله اهدافی که امام از این عمل خود دنبال می‌کرد و گریه بر سیدالشهداء (ع) را نیز به دیگران توصیه می‌کردند<sup>۶</sup> مانوس کردن آیندگان با این واقعه بزرگ و آگاهی‌دادنشان با شدت قساوت و بی‌رحمی امویان و هم-فکرانشان بود.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> «محمد مسلم از امام محمد باقر (ع) روایت کرده است که پدرم علی بن‌الحسین (ع) می‌فرمود هر مؤمنی که برای کشته شدن امام حسین (ع) (آن چنان) بگرید تا قطرات اشک بر گونه‌اش جاری شود، خداوند آن را بر غرفه‌های بهشتی جای می‌دهد تا برای مدت‌های طولانی در آن سکونت کند، و هر مؤمنی که به خاطر آزار و اذیتی که در دنیا به ما رسیده، بگرید و قطرات اشک او بر گونه‌اش جاری شود، خداوند او را در بهشت در جایگاه صدق جای می‌دهد، و هر مؤمنی که به خاطر ما (و دفاع از آرمان‌های ما) زحمت آن را ببیند و اشک او بر رخساره‌اش جاری شود، خداوند او را از اذیت و رنج دور می‌سازد و او را در روز قیامت از خشم خود و آتش جهنم ایمن می‌گرداند.» *ثواب الاعمال*، ص ۲۲۴ و ۲۲۵

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْكَ الْمَوْدَّةَ فِي الْقُرْبَى، «سوره شوری، آیه ۲۳»

<sup>۲</sup> «امام صادق (ع) در طی دعایی که در روز اربعین به درگاه الهی داشتند، درباره علت و حکمت قیام امام حسین (ع) نیز صحبت کردند، و دلیل حرکت ایشان را مبارزه با نادانی و سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی بیان می‌کنند، وَبِذَلِكَ مُهَجِّئُهُ فَيَكُنْ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرِ الضَّلَالَةِ.» طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۶، ص ۱۱۳؛ طوسی، *مصباح‌المتهجد*، ص ۷۸۸؛ شیخ صدوق، *اقبال الاعمال*، ص ۵۶۹؛ مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۹۸، ص ۳۳۱

<sup>۴</sup> سید محسن امین، *اعیان‌الشیعه*، ج ۵، ص ۲۵۱

<sup>۵</sup> آیت الله خامنه‌ای، *آفتاب در مصاف*، ص ۱۵

<sup>۶</sup> شیخ صدوق، *ثواب الاعمال*، ص ۱۶۳

<sup>۷</sup> سید حکیم منذر، *علام‌الهدایه*، ج ۶، ص ۱۹۷

بروز واقعه کربلا و در پی آن به شهادت رسیدن مظلومانه امام حسین (ع) با عطش فراوان، در حالی که امام سجاد (ع) نظاره گر بودند، دلیل موجه و آشکاری برای مقابله با جهل و بیداری مردم در طول امامتش بود.<sup>۱</sup> به دلیل تألم فراوانی که امام سجاد (ع) نسبت به این حادثه داشتند همواره موجب واکنش‌هایی از سمت ایشان می‌شد،<sup>۲</sup> از جمله این که هر زمان غذا مقابل امام زین العابدین (ع) گذاشته می‌شد می‌گریستند.<sup>۳</sup> همواره یاد روز عاشورا و اتفاق‌های رخ داده در آن روز می‌افتادند و اشک‌شان جاری می‌شد، بسیاری از اوقات هنگام آب نوشیدن به یاد تشنگی حضرت سیدالشهدا (ع) و فرزندانش می‌افتاد<sup>۴</sup> و در این باره فرمایشی دارند مبنی بر این که «چگونه نگریم پدرم را از آبی که برای درندگان و حیوانات وحشی آزاد بود منع کردند.»<sup>۵</sup>

امام سجاد (ع) وقتی که یاد صحنه‌های کربلا و مصیبت‌هایی که بر سر فرزندان امام حسین (ع) آمده بود می‌افتاد به شدت ابراز تأثر و تأسف می‌کردند، اطرافیان از شدت بی‌تابی‌های حضرت متأثر می‌شدند، و بیم آن را داشتند که گریه‌ی زیاد موجب آسیب به جان ایشان شود. امام سجاد (ع) مصیبت وارد شده بر ایشان را به گونه‌ای بزرگ می‌دانستند که در مواقعی مصیبت خود را با مصیبت حضرت یعقوب (ع) که فرزندانشان را از دست داده بود مقایسه می‌کردند.<sup>۶</sup> گریه بیش از حد امام برای مردم ایجاد سؤال می‌کرد که چه دلیلی برای این همه گریه و بی‌تابی وجود دارد؟! زمانی که امام سجاد (ع) با صراحت امکان هدایت جامعه را نداشتند، گریه و بیان رخداد‌های کربلا بهترین شیوه برای رسوا شدن حاکمان اموی بود.<sup>۷</sup>

بنی‌امیه‌ای که حجاج تنها یکی از کارگزارانش از بهترین لذت‌های زندگی‌اش خونریزی و نسل‌کشی بود.<sup>۸</sup> بنابر گزارش‌های برخی از منابع، او صد هزار نفر را بی‌گناه کشته که فقط گناه آن‌ها این بود که گواهی می‌دادند که یزید می‌گسار است. البته فارغ از این که عدد ارائه شده نشان می‌دهد و می‌توان این رقم را پذیرفت یا نه، این گزارش می‌تواند حاکی از این باشد که تعداد قابل توجهی در نتیجه ظلم و جنایت یزید و حجاج کشته شدند.<sup>۹</sup> حجاج به

<sup>۱</sup> آیت الله خامنه‌ای، آفتاب در مصاف، ص ۲۴۴

<sup>۲</sup> نظر امام سجاد در باب اهمیت این مسئله دارند که: «هیچ وقت کشتارگاه پسران فاطمه را به یاد نمی‌آورم مگر اینکه گریه گلوگیرم میشود.» صدوق، امالی، مجلس ۲۹، ص ۲۵۹

<sup>۳</sup> آعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۵۱

<sup>۴</sup> همان

<sup>۵</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۵

<sup>۶</sup> کامل‌الزیارات، ص ۳۴۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۵؛ صدوق، امالی، ج ۵؛ مئیرالاحزان، بخش ۱۰، ص ۳۷۳

<sup>۷</sup> سید حکیم مندر، اعلام‌الهدایه، ج ۶، ص ۱۹۹

<sup>۸</sup> مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۳۶

<sup>۹</sup> ابن اثیر، الکاامل، ج ۱۳، ص ۱۹۳

شدتِ بغض و کینه‌ای که نسبت به امیرالمؤمنین (ع) و فرزندانش داشت می‌باید و افتخار می‌کرد به این که هیچ‌کس از قبیله‌اش که دوستدار علی (ع) باشد را به زنی نگرفته است.<sup>۱</sup> در هر صورت، حضرت سیدالساجدین (ع) از طریق طریق گریه، آموزش و تربیت بردگان و بعد از مدتی آزاد کردن‌شان، برگزاری مراسم وعظ در صدد زنده نگه داشتن یاد و نام و سیره اهل بیت (ع) از جمله پدر بزرگوارشان سیدالشهدا (ع) داشتند و با شیوه و نوع برخورد و رفتارشان با خانواده، شاگردان و افراد عادی در جامعه آن‌ها را متوجه واقعه عاشورا و نهایت قساوت امویان می‌کردند.

### جمع بندی

با کنکاش و توجه به واقعه عاشورا و همچنین سیره و عملکرد امام سجّاد (ع) در مواجهه با این رخداد عظیم به این نتیجه می‌رسیم که بعد از شهادت امام حسین (ع)، امام سجّاد (ع) در ماندگار ماندن نهضت و فرهنگ عاشورا و همچنین حفظ و صیانت از آن نقشی بسزا داشتند. همان طور که بیان شد امام چهارم شیعیان راهکارهای متعددی را در احیاء نهضت عاشورا پیش گرفتند. یکی از وجوهی که به بیدار شدن وجدان‌های خفته از گناه و همچنین آگاهی دادن از ظلم‌ها و مکرهای بنی امیه به مردم کمک شایانی کرد این بود که ایشان به واقعه عاشورا از بعد عاطفی نظر کردند و هر مناسبتی بهانه‌ای می‌شد که به یاد حادثه عاشورا و امام حسین (ع) بگریند.<sup>۲</sup> کاری که امام سجّاد (ع) در روشنگری و تنبّه مردم از کوفه تا مدینه به عهده داشتند، موجب شد تا مقصود امام حسین (ع) برای این که خانواده خویش را با خود همراه کردند بهتر نشان داده شود. در واقع بعد از واقعه عاشورا تبیین واقعیت‌ها و ناگفته‌های نهضت سیدالشهدا (ع) به دوش امام زین العابدین (ع) و سایر اسیران کربلا بود. لذا ایشان طی خطبه‌هایی که در حضور یزید و ابن زیاد ایراد کردند چهره واقعی حکومت بنی‌امیه را افشا کردند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۴۷

<sup>۲</sup> اسماعیلی، رقیه؛ «نقش معنوی امام سجّاد (ع) در امتداد نهضت کربلا»؛ فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی؛ سال اول؛ شماره چهارم؛ زمستان ۱۳۹۷

<sup>۳</sup> صالحی حاجی آبادی، ابراهیم؛ «قیام امام حسین (ع) از منظر امام سجّاد (ع)»؛ مجموعه مقالات همایش امام سجّاد؛ ص ۹۷-۱۲۱

## عزاداری به مثابه تقویت هویت شیعی در دوران امام باقر (ع)

دوران زندگی امام باقر (ع) ادامه منطقی و روند روشن و طبیعی زندگی امام چهارم (ع) است. به دلیل وقوع حادثه عاشورا و به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و یارانش و همچنین به دنبال آن وقوع حادثه‌هایی از جمله توأین و واقعه حرّه و سخت‌گیری‌ها و ظلم و ستم‌های پیاپی خلفایی که یکی پس از دیگری، بعد از واقعه عاشورا بر سر کار آمدند، باعث شد ادامه دعوت و هدایت شیعیان توسط ائمه (ع) چند صباحی به تأخیر بیفتد، اگر هم رهنمودهایی از طرف امام سجّاد (ع) ارائه می‌شد در پشت حجاب‌های بسیار و غیرمستقیم بود.<sup>۱</sup>

در دوران امام باقر (ع) جامعه از لحاظ فرهنگی و دینی متعادل‌تر شد و از آن خفقانی که بعد از واقعه عاشورا و در دوران امام زین‌العابدین (ع) وجود داشت، کمی کاسته شده بود. به طوری که دوستان و محبّین اهل بیت (ع) از این فرصت پیش آمده استفاده‌های زیادی کردند، از جمله کُمیت اسدی، (د. ۷۴۳هـ.ق) با استفاده از زبان شیوا و گویایی که داشت توانست با سرودن قصیده‌هایی در قالب هاشمیات<sup>۲</sup> که در جامعه اشعارش دست به دست می‌چرخید موجب این شود که مردم از مقام معنوی محمّد و آل محمّد و حتّی ظلم‌ها و ستم‌هایی که به آن‌ها شده بود آگاه شوند، همچنین او در اشعارش کسانی را که به یاری امام حسین (ع) نرفتند سرزنش می‌کند و حاکمان بنی امیّه را که با تطمیع فریب خوردگان به وسیله وعده‌های دنیایی به کشتن امام حسین (ع) و یارانش ترغیب شده بودند مقصّر می‌داند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۳

<sup>۲</sup> «کمیت اسدی در هاشمیات فاجعه کربلا را ناشی از سقیفه بنی ساعده می‌داند و در ضمن تصریح به تزویر و ریای حکام عصرش، خطاب به بنی هاشم که آن روزها زنان و بازماندگانش هنوز فجاج عاشورا را پیش چشم داشتند، می‌گوید:

بختامکم غصباً تجوز امورهم      فَلَمْ أَرْ غَصْباً مِثْلَهُ يَتَغَصَّ  
بحقّکم امست قریش تقودنا      وَ بِالْفَدِّ مِنْهَا وَالرْدِيفِينَ تَرْكَبُ

منظور از (فدّ) معاویه، و (ردیفین) یزید بن معاویه و مروان بن حکم است که پشت سر معاویه بر گرده امت سوار شدند. ادامه می‌دهد که بیعت سقیفه و غضب خلافت، غضب‌ها و بیعت‌هایی را که به زور، به مسلمانان تحمیل می‌شد به بار آورد و در نتیجه فتنه‌ها و فاجعه‌ها پشت سر هم بر آوردند و غضب خلافت و قتل حسین (ع) چنان امت مسلمان را ذلیل ساخت که امثال عبدالله بن زبیر و مردانی از خوارج نیز به طمع ریاست افتادند. «عبدالعظیم زاده، محمّد، هاشمیات» آیین پژوهش ۱۳۸۱، شماره ۷۷ و ۷۸

<sup>۳</sup> «کمیت اسدی در هاشمیات از نفاق و تزویر امویان سخن می‌گوید و تأثیر تطمیع و تزویر را در وقوع فاجعه کربلا چنین به تصویر می‌کشد:

«تهافت ذبان المطامع حوله      فریقان شتی ذوسلاح واعزلُ  
اذا شرعت فيه الاسنة کبر      غواتهم من کُلِّ اؤب و هللوا

این مسائل موجب شده بود که زمینه دیدار مردم با امام زمان خویش راحت تر صورت گیرد، در هر صورت می توان گفت که اوضاع از جهات مختلفی به نفع امامت و تشیع متحول شده بود، مثلاً خلفای مروانی بعد از فرونشاندن خشم مدعیان حکومت سرگرم خوشگذرانی و جاه و جلال خود شده بودند و آن حساسیتی که در زمان حوادث واقعه عاشورا و بعد از آن داشتند را از خود نشان نمی دادند، پس ناگزیر می توان نتیجه گرفت که شیعیان در دوران امامت امام باقر (ع) نسبت به زمان امام سجّاد (ع) گامی فراتر نهادند<sup>۱</sup> و در واقع با تلاش ها و زمینه چینی های فرهنگی که در زمان امام سجّاد (ع) ایجاد شده بود، شیعیان تا حدی توانستند در جامعه ابراز وجود کنند، عامه مردم و حتی بسیاری از رجال مشهور علمی، با امام باقر (ع) ارتباط برقرار می کردند و سؤالات خود را از ایشان می پرسیدند.

حضرت امام ابی جعفر (ع) به دلیل شرایط سیاسی که در آن زمان وجود داشت و از آن جهت که دستگاه حاکم حساسیت های خاص خود را داشتند و اجازه هیچ گونه ابراز مخالفتی را به افراد نمی دادند، همانند پدر بزرگوارش هیچ گاه در نهضت ها و انقلاب هایی که بعد از واقعه عاشورا رخ می داد و به هدف نابودی سیستم فاسد اموی و بعضاً خون خواهی اباعبدالله (ع) صورت می گرفت شرکت نمی کردند تا بدین وسیله بهانه ای به دست حکومت ندهند.<sup>۲</sup>

امام باقر (ع) گرچه موقعیت از بین بردن نظام حاکم را نداشتند اما دست به عملیات مصون سازی زدند و در روزگار زندگی خود دغدغه هدایت مردم را داشتند و راه و روش تزکیه را در پوشش امر به معروف و نهی از منکر و آموزش مسائل فقهی و اخلاقی ادامه دادند،<sup>۳</sup> علاوه بر این امام باقر (ع) با برگزاری مجالس مناظره و احتجاج هایی که با برخی از خوارج داشتند، به بسیاری از شبهات پاسخ می دادند و همین مسئله باعث روشنگری در بین جامعه

---

کشندگان حسین (ع) و اتباع یزید را در پستی و دناعت طبع، به مگسانی تشبیه می کند که از سر طمع گرد هم آمدند و گمراهانی می داند که هنگام کشتن حسین (ع) با ریا و تزویر تکبیر و تهلیل سر می دادند. «عبدالعظیم زاده، محمد، «هاشمیات»، آیین پژوهش ۱۳۸۱، شماره ۷۷ و ۷۸  
آیت الله خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۴

<sup>۲</sup> از جمله مخالفت هایی که امام چهارم (ع) با قیام هایی که در زمان ایشان رخ می داد و سعی در جلوگیری از آن ها داشتند: «زید بن علی با برادر خود ابی جعفر (ع) مشورت کرد، نظر وی این بود که به اهل کوفه اعتماد نکند که مردمی مکار و حیله گرند. به او فرمودند: جدت علی (ع) را در کوفه کشتند، عمویت حسن در آنجا کشته شد، پدرت حسین (ع) آنجا کشته شد، در کوفه و توابع آن خاندان ما را ناسزا گفته اند.» و آنچه را درباره مدت حکومت بنی عباس می رسد با او بگفت، ولی او از تصمیم خود در کار مطالبه حق بازنگشت. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۰۸؛ از رویدادها و قیام های مسلحانه ای که بعد از واقعه عاشورا در زمان امام محمد باقر (ع) رخ داد میتوان به قیام مردم مدینه در سال ۶۳ هجری قمری، قام توأین در سال ۶۵ هجری، قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی و قیام زبیریان در سال ۶۶ هجری، قیام مطرف بن مغیره بن شعبه در سال ۷۷ هجری اشاره کرد. البدایه النهایه، ج ۹، ص ۱۳۸

<sup>۳</sup> در گزارشی در مورد تسلط امام باقر (ع) در رابطه با مسائل علمی آمده است: «مردی از ابن عمر در مورد مسئله ای پرسش کرد، ابن عمده توانست او را پاسخ دهد، پس به سوی امام باقر (ع) اشاره مرد و به پرسش کننده گفت: نزد این کودک برو و این مسأله را از او بپرس و جواب را به من بازگویی. آن مرد به سوی امام باقر (ع) رفت و مشکل خود را مطرح کرد. امام نیز پاسخ او را گفت، مرد به نزد ابن عمر بازگشت و وی را از جواب امام باقر (ع) آگاه کرد. آنگاه ابن عمر گفت: اینان اهل بیته هستند که از همه علوم آگاهی دارند.» عیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۸

مسلمین می‌شد.<sup>۱</sup> حضرت امام باقر(ع) در عنفوان کودکی با حادثه‌ای مواجه شدند که در آن بسیاری از مردان خانواده خود را در کربلا از دست دادند و خود به همراه اهل بیت (ع) به دست امویان اسیر شدند، ایشان در رویداد کربلا چهار سال از عمر شریفش می‌گذشت.<sup>۲</sup> حضرت همواره در طول دوران زندگی خود بر زنده نگه داشتن یاد و نام اباعبدالله (ع) اهتمام داشتند، از جمله این که از شعر شعراء در این زمینه استقبال می‌کردند، و با وجود حساسیت دستگاه حاکم بر این نوع مسائل، شعرا را تشویق به این کار می‌کردند.<sup>۳</sup> عاشورا همواره به دلیل شجاعت و زیر بار ظلم نرفتن امام حسین (ع) در طول تاریخ در بین مردم، حماسه‌ساز و مبلغ آزادی خواهان بوده است. از این رو

<sup>۱</sup> یکی از نمونه‌های احتجاج امام محمد باقر (ع) با خوارج که منجر به روشنگری در جامعه شده است بدین شرح است: «عبدالله بن ازرق می‌گفت اگر من می‌دانستم در روی زمین کسی هست که مرکبها مرا به او می‌رسانند و او با استدلال به من ثابت می‌کند که علی نهروانیان را کشته و در این باب در حق آنها ستم نکرده است، هر آینه به نزد او می‌شتافتم. به او گفته شد: اگر کسی از فرزندان او پاسخگوئی او باشد به نزد او می‌روم؟ نافع سؤال کرد مگر در میان فرزندان او دانشمندی است؟ گفتند، همین پرسش اولین نشانه نادانی توست. آیا می‌شود در میان آنان دانشمندی نباشد؟ پس عبدالله با عده‌ای از پیروان خویش عزم حرکت کرد و به مدینه آمد و از امام باقر (ع) اجازه ورود خواست. به آن حضرت گفتند: عبدالله نافع است. فرمود: او با من چه کار دارد؟ در حالی که از من و پدرم بی‌زاری می‌جوید؟ ابوبصیر پاسخ داد: فدایت شوم این مرد می‌گوید، اگر بدانم در روی زمین کسی هست که مرکبها مرا به سوی او ببرند و با دلیل به او ثابت کند که علی، نهروانیان را کشته و در این باره مرتکب ظلم و ستم نشده، هر آینه به نزد او خواهد شتافت. امام (ع) پرسید: آیا به نظر تو او این مرد به قصد مناظره آمده است؟ ابوبصیر گفت: آری، حضرت به غلام خود فرمود: ای غلام بیرون شو و بار او را بگشا و بگو فردا بدین جا بیا. امام باقر (ع) نیز به دنبال همه فرزندان مهاجر و انصار فرستاد و آنان را جمع کرد و به سوی مردم آمد و به آنان روی کرد، گویی پاره‌ای از ماه بود، آنگاه به سخنرانی ایستاد و خدای را حمد و ثنای گفت، و بر پیامبرش درود فرستاد و سپس فرمود: ستایش خداوندی راست که ما را به نبوت خویش جامه کرامت ارزانی کرد و به ولایت خویش مخصوصمان داشت. ای فرزندان مهاجر و انصار! هر کس از شما منقبتی و فضیلتی از علی بن ابیطالب به یاد دارد برخیزد و آن را بیان کند، پس هر یک از حاضران برخاسته، فضیلتی درباره آن حضرت بیان کردند. عبدالله بن نافع گفت: من این مناقب را بهتر از ایشان میدانم اما علی (ع) دپس از پذیرش حکمیت کافر شد. نقلشان تا آنجا ادامه پیدا کرد که به حدیث خبیر رسیدند که رسول خدا (ص) درباره آن فرموده بود: «فردا پرچم را به دست مردی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست میدارد و رسول نیز او را دوست می‌دارند! و هجوم آورنده‌ای است که هیچ گاه نمی‌گریزد و از میدان عقب نمی‌نشیند مگر آنکه خداوند به دست او پیروزی را نصیب ما کند.» امام باقر (ع) از عبدالله بن نافع پرسید: درباره این حدیث چه می‌گویی؟ پاسخ داد: این حدیث درست است و در آن تردیدی نیست اما علی (ع) پس از این به کفر گرایید. امام باقر (ع) فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، به من بگو آیا خداوند عزوجل در روزی که علی (ع) را دوست می‌داشت که او نهروانیان را می‌کشد یا نه؟ عبدالله گفت: اگر بگویم نه، کافر شده‌ام، پس پاسخ داد: میدانسته است. امام (ع) فرمود: آیا خداوند علی (ع) را بدان خاطر که اطاعتش را می‌کرده دوست داشته است یا به خاطر نافرمانیش؟ عبدالله بن نافع گفت: به خاطر فرمانبرداریش. پس امام باقر (ع) به او فرمود: پس برخیز که شکست خورده‌ای. عبدالله برخاست، در حالی که این آیه تلاوت می‌کرد: «تا و قتی که رشته سیاه، شب از صبح برا شما نمایان گردد.» به درستی خداوند می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد... «اعیان الشیعه»

ج ۶، ص ۲۱، ۲۲

کشف الغمّه، ص ۳۱۸

<sup>۲</sup> «به نقل از کمیت: بر آقایم امام باقر (ع) وارد شدم و گفتم: ای پسر پیامبر خدا! من درباره شما شعرهایی گفته‌ام. اجازه می‌دهید آنها را بخوانم. امام باقر (ع) فرمود: ای کمیت! «این روزها» ایام البیض است {و شعرخوانی در آن روا نیست}. گفتم: اشعار در مورد شماست. فرمود: بخوان و من خواندم: روزگار، مرا خندانند و گریاند/ و روزگار، تحول و رنگارنگی دارد/ نه تن که در طف، نیرنگ زده شدند/ همه شان کفن گردیدند. ایشان گریست و امام صادق (ع) هم گریست و شنیدم که کنیزی از پشت پرده می‌گرید. نیز وقتی به این گفته رسیدم که: و شش تن که کسی همپای آنان نیست/ پسران عقیل بهترین جوانان/ و آن گاه علی، خوب و مولای شما/ که یادشان اندوه‌هایم را برمی‌انگیزاند. امام (ع) گریست و آن گاه فرمود: هیچ کس نیست که از ما یاد کند و یا ما نزد او یاد شویم و از چشمانش هر چند به اندازل کوچکی بال پشه باشد جاری شود، مگر اینکه خداوند در بهشت، خانه‌ای برایش می‌سازد و آن را حجایی میان او و آتش قرار می‌دهد. «کفایه‌اللائر»

ص ۲۴۸، ۲۴۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۹۰، ح ۲

شاعرانی به تشویق امام باقر (ع) در این زمینه شعرها سروده‌اند. مخصوصاً در زمان بعد از واقعه عاشورا که برهه‌ای پر اختناق و دور از آزادی بیان بوده است، با این حال افرادی بودند که در جهت زنده و پویا نگه داشتن اهداف عاشورا، شعارهای آن را به صورت شعر بیان می‌کردند و از آن جا که احتمال خطر جانی برای سراینده وجود داشت اشعار را به طایفه اجنه و عوامل غیبی نسبت می‌دادند و همین کار در آن فضای اختناق موجب می‌شد که جان شاعر حفظ شود.<sup>۱</sup> برخی از شاعران نیز بودند که از لحاظ ذوق و قریحه ادبی در مقام بالاتری قرار داشتند. طوری در وصف امام حسین (ع) شعر می‌سرودند که ظاهراً در تمجید و تکریم شخص دیگری است ولی در واقع تمام مختصات و مبانی آن تنها مناسب حال و خصوصیات سیدالشهداء (ع) بود که شاعر به اجبار و از بیم دستگاه حاکم ممدوح را شخص دیگری معرفی می‌کرد.<sup>۲</sup>

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که در برخی موارد افراد مقام عصمت و منزلت امام حسین (ع) را در نظر نمی‌گرفتند و با زبان حال خود برای سیدالشهداء (ع) شعر می‌سرودند، در واقع بعضی شاعران به اصطلاح خواسته‌اند زبان حال امام حسین (ع) و مصیبت‌های ایشان را به تصویر بکشند و منظوم کنند ولی رفتارها و نوع بیان‌هایی که در شعرهایشان به نظم در آمده است مناسب مقام والای امام معصوم (ع) نیست. همین نوع اشعار به مرور به فرهنگ و باورهای شیعی و همچنین کتاب‌های مقتل نویسی نفوذ یافت. در واقع روح و معانی بعضی از اشعاری که در وصف امام حسین (ع) و واقعه عاشورا سروده شده است با عدالت‌خواهی و اهداف نهضت عاشورا در تضاد است و به نوعی بعضی از اشعاری که در مجالس عزاداری امام حسین (ع) خوانده می‌شود القاکننده ذلت و خواری برای اباعبدالله الحسین (ع) است که دور از شأن ائمه بزرگوار ما از جمله امام حسین (ع) می‌باشد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> در این زمینه به این منبع نیز می‌توان رجوع کرد «بیشتر این گونه اشعار که در سدهای نخست سروده شده است در جلد ۵۴، از دائرة المعارف الحسينیه، گرد آوری شده است با عنوان فرعی «دیوان الهاتف» نامیده شده است که در دست انتشار است؛ فرهاد میرزا، تمقام زخار، ص ۵۱۳-۵۰۹؛ صحتی سردودی، محمد، «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵

<sup>۲</sup> در این زمینه می‌توان به این نمونه اشاره کرد: «اشعاری که شاعر بزرگ عرب، ابوتام طایی (۲۳۱-۱۸۸ق) سروده است. این قصیده چنان می‌نماید که در مدح مردی به نام محمد بن حمید طائی سروده شده است. ابو تمام این اشعار را طوری سروده است که می‌توان گفت در حق کسی جز امام حسین (ع) گفته نشده است.» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۴۹؛ همان

<sup>۳</sup> صحتی، سروددی، محمد؛ «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ دوم زمستان ۸۵

## تصریح امام باقر (ع) به یادآوری واقعه عاشورا

امام باقر (ع) به برگزاری مراسم سوگواری بر سیدالشهدا (ع) تأکید و اهالی خانه خود و بالطبع دیگران را نیز ترغیب بر گریه و عزاداری بر حضرت می کردند<sup>۱</sup> و بدین گونه با بیان پاداش ها و برکات دنیوی و اخروی مردم را به این امر مهم و در عین حال فراموش نشدن اهداف حضرت آگاهی می دادند.<sup>۲</sup> احادیثی منتسب به امام باقر (ع) وجود دارد مبنی بر اینکه بعد از شهادت امام حسین (ع) حوادثی غیرطبیعی اتفاق افتاد، نکات و فرمایشات ایشان در این زمینه را دلیل بر اهمیت زیاد واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه (ع) باید دانست.

یکی از ویژگی های علم تاریخ، طبیعی دیدن آن واقعه است. مثلاً نوحه سرایی جنیان<sup>۳</sup> و فرشتگان<sup>۴</sup> و یا استقبال فرشتگان از زائر کربلا،<sup>۵</sup> گریستن آسمان در زمان به شهادت رسیدن سیدالشهدا (ع)<sup>۶</sup> و مواردی از این قبیل، می توان گفت که از چهارچوب الزامات تاریخی خارج است، و نمی توان به آنها استناد کرد، در واقع این نوع مطالب را می توان در حوزه علوم کلامی و یا عرفان جستجو کرد. مثلاً در حیطة علم تاریخ و با ویژگی هایی که این علم دارد، ابزار بررسی عالم جنیان یا فرشتگان وجود ندارد. در دوره های گذشته و در میان مردم عامی وقتی نمی توانستند بزرگی یک فرد را نشان دهند متوسل به مسائل غیر عادی می شدند که این موضوع با ویژگی های تاریخی و تاریخی نگرستن منافات دارد و قابل جمع نیست.

<sup>۱</sup>کامل الزیارات، ص ۳۳۱ و مسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۸

<sup>۲</sup>امام باقر علیه السلام فرمودند: هر مومنی که بخاطر حسین ع چشمانش اشک ریخته بطوری که اشکها بر گونه اش جاری گردد و خداوند منان در بهشت غرفه هایی به او عنایت فرماید که وی برای روزگار در آن سکنا گزیند. «کامل الزیارات»، ص ۳۳۶ و ص ۳۲۳

<sup>۳</sup>امام باقر (ع) برای متوجه کردن عظمت والای امام حسین (ع) نزد پروردگار ضمن بیان اینکه ایشان را پست ترین افراد شهید کردند به نوحه سرایی جنیان و سایر موجودات اشاره می کند: «محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید، محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از لبی اسماعیل سراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از حضرت ابوجعفر (ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند: انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی (ع) گریستند حتی اشک- هایشان جاری گشت. «کامل الزیارات»، باب ۲۶، ص ۲۵۱

<sup>۴</sup>«محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفاء از محمد بن حسین بن ابی الخطاب (ع) از صفوان بن یحیی، از حریر، از فضیل بن یسار، از امام باقر (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چهار هزار فرشته ژولیده و غمگین و گرفته بر قبر حضرت حسین بن علی (ع) موکل است که تا روز قیامت گریه می کند. محمد بن مسلم می- گوید: این چهار هزار فرشته قبر را حراست و نگهبانی می نماید. «کامل الزیارات»، باب ۲۷، ص ۲۶۹، ح ۸

<sup>۵</sup>«محمد بن جعفر رزاز می گوید: محمد بن حسین بن ابی الخطاب برابم نقل نمود، از محمد بن اسماعیل بن بزیع و او از اسماعیل سراج و او از یحیی بن معمر عطار و او از ابی بصیر و او از حضرت ابوجعفر (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمودند: چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته هستند، برای حضرت امام حسین (ع) تا روز قیامت میگریند. پس احدی از مردم به زیارت آن حضرت نمی آید مگر این فرشتگان به استقبالش آمده، و احدی از مردم مریض نشده مگر اینکه ایشان به عیادتش رفته و کسی از مردم نیست که بمیرد، مگر آنکه این فرشتگان بالای سرش حاضر می شوند. «کامل الزیارات»، باب ۲۷، ص ۲۷۱، ح ۱۰

<sup>۶</sup>«علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبدالله، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیله، از جابر، از حضرت ابی جعفر (ع) نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: بعد از حضرت یحیی بن زکریا آسمان بر احدی نگریست، مگر بر حضرت امام حسین بن علی (ع)، چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه می کرد. «کامل الزیارات»، باب ۲۸، ص ۲۹۰، ح ۹



باید به این نکته توجه داشت که عظمت و اهداف برپایی قیام عاشورا و امام حسین (ع) خیلی بزرگ‌تر از این مسائل است. در واقع ائمه عظیم الشان ما اگر روش و سجایای اخلاقی و منش‌شان خوب شناخته و تبیین شود آنقدر از لحاظ وجودی و رفتاری بزرگ و همچنین از لحاظ ابعاد مختلف زندگی خود قابل بررسی هستند که نیازی به گفتن و آوردن این مطالب نیست، در واقعه عاشورا نیز وقتی بعضی از افراد نتوانستند بزرگی این رویداد را به خوبی تبیین کنند به مسائل ماورایی روی آوردند.

امام حسین (ع) برای امر به معروف و نهی از منکر و احیای دین اسلام به شهادت رسیدند، آئین محمدی هر لحظه و هر آن در خطر بوده و می‌تواند باشد، امام حسین (ع) به دلیل شیوه و روش رفتاری خود برای ما بزرگ و الگو هستند، در واقع هر وقت مسلمانان در رابطه با اسلام احساس خطر کردند باید از الگوی رفتاری ایشان استفاده کنند و نباید نیازی به مسائل خرق عادت داشته باشند، اگر معرفت به امام حسین (ع) را در ذهن خود بی‌روانیم، می‌تواند الگوی آماده‌ای برای تمام زمینه‌ها و مبارزه با استکبار باشد، که در واقع این یک سطح از معرفت است، در این سطح از معرفت اصلاً حساب کردن ثواب زیارت ایشان مطرح نیست و به نوعی بحث ثانویه است و این موضوع و طرز تفکر، مخصوص خواص و انسان‌های آگاه و بصیر جامعه است.

یک طیف قابل توجهی از مردم هم وجود دارند که یک نگاه عامیانه و حتی تجاری و بازاری نسبت به دین دارند، و صرفاً به این می‌اندیشند که فلان عمل عبادی را در رابطه با زیارت امام حسین (ع) انجام دهند و ثواب گفته شده را از آن خود کنند و در واقع به اهداف والای امام حسین (ع) که بحث کلان‌تر و جامع‌تر این قضیه است توجه لازم را ندارند. بعد از واقعه عاشورا روایاتی در رابطه با اتفاقات خارق العاده و فوق تصور مطرح شد که از لحاظ سندی فاقد اعتبار است و یا سند ضعیفی دارد و یا افرادی آن احادیث را مطرح کردند که اسامی‌شان در کتب رجالی وجود ندارد و نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد، به عنوان مثال احادیثی در رابطه با نوحه سرایی جئان در سوگ امام حسین (ع) مطرح است از جمله این که،

«جابر از امام باقر (ع) نقل کرده است: هنگامی که حسین (ع) با افراد و نفرات از مدینه آهنگ خروج کرد، زنان بنی عبدالمطلب برای نوحه سرایی و گریستن جمع شدند. حسین (ع) در میان ایشان راه می‌رفت و می‌فرمود: شما را به خدا سوگند که معصیت خدا و رسولش را نکرده، نوحه سر نداده، آشکارا نگرید. زنان بنی عبدالمطلب گفتند: پس برای چه کسی نوحه و گریه را ذخیره کنیم؟ امروز مانند روزی است که در آن رسول خدا (ص) از دنیا رفتند و همانند روزی است که حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) از دنیا

رحلت کردند و همچون روزی است که رقیه و زینب و ام کلثوم (دختران رسول خدا (ص)) ارتحال کردند؟! سپس یکی از عمه‌های آن حضرت پیش آمد و در حالی که می‌گریست چنین سرود: ای حسین شاهد باش که شنیدم صدای جنیان را که برای شما نوحه سرایی کرده، می‌گویند: همانا مقتول و کشته شده در سرزمین طف، از آل‌هاشم است که پست‌ترین و ذلیل‌ترین مردم از قریش او را کشتند.<sup>۱</sup>

این حدیث این مفهوم را می‌رساند که امام حسین (ع) در صدد منع گریه و نوحه سرایی بستگانش برای خود است که این امر با روایاتی که به گریستن و اشک ریختن بر اهل بیت (ع) توصیه می‌کند منافات دارد و همچنین در صدد القای این نکته است که گریه بر امام حسین (ع) چندان خوشایند نیست.

این نوع از احادیث نشان‌گر این موضوع است که روایان سرشناس شیعی به دلیل معاشرت و مناظرات و گفتگوهای علمی متعددی که با روای اهل سنت داشتند، خصوصاً در مسائل حدیثی و فقهی از آن‌ها تأثیر پذیرفتند و همین موجب اختلاط و امتزاج فکری شده است که نمود آن در احادیثی که ابن قولویه قمی (د. ۳۶۹ هـ. ق) در کامل الزیارات آورده خود را نشان داده است. مثلاً ممکن است حدیث نوحه جنیان برای امام حسین (ع) را صرفاً ام سلمه نقل کرده باشد ولی افرادی مغرض با اغراق و مبالغه بیان کردن آن و پرداختن بیش از حد به جزئیات و فروع آن موجب آمیخته شدن اندیشه‌های شیعی با افکار باطل و خرافی شده باشند.<sup>۲</sup> امام باقر (ع) به منظور پاسداشت واقعه کربلا و متوجه کردن افراد به مقام معنوی امام حسین (ع) مردم را به طرق مختلف ترغیب به زیارت امام حسین (ع) می‌کردند.<sup>۳</sup> در موقعیت آن روز که فساد و بی‌تفاوتی به امور دینی در جامعه وجود داشت، امام پنجم (ع) مردم را به برکت زیارت محمد و آل محمد صلوات الله علیه مخصوصاً اباعبدالله (ع) متوجه می‌کردند و به زائر کربلا از طرف خداوند مژده آمزش گناهایش و هم‌نشینی با معصومین علیهم السلام را می‌دادند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کامل الزیارات، ص ۳۱۱ و ۳۱۲، ح ۸

<sup>۲</sup> رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم السادات، «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوته نقد»، مجله شیعه پژوهی، سال سوم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۷-۱۴۰

<sup>۳</sup> از جمله نمونه‌های اهمیت زیارت امام حسین از دیدگاه امام باقر (ع) بدین شرح است: «امام باقر (ع) فرموده است: به شیعیان ما به زیارت مرقد امام حسین (ع) فرمان دهید که زیارت او از زیر آوار ماندن و غرق شدن و در آتش سوختن و شکار درندگان شدن آدمی را حفظ می‌کند و همانا زیارت مرقد او بر هر کس که معتقد به امامت اوست امری لازم است.» روضه الواعظین، مجلس ۲۰، ص ۳۱۹

<sup>۴</sup> کامل الزیارات، ص ۴۶۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲، ح ۱۲۵؛ طوسی، امالی، ص ۴۱۴؛ ح ۹۳۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰، ح ۱۰

ائمه بزرگوار ما و از جمله امام باقر (ع) به دنبال جذب و جلب توجه حداکثری افراد به دین و کمالات معنوی بودند، کما این که معیارها و شاخص‌هایی از اصول دین را در رفتارها و گفتارهایشان بیان می‌کردند، خارج از درستی و یا غلطی این حدیث، روایتی منتسب به امام باقر (ع) وجود دارد مبنی بر این که زیارت سیدالشهدا (ع) به قدری مهم است و باید به آن اهمیت داد که کسی که جزء زیارت‌کننده‌های حضرت امام حسین (ع) نباشد، به تعبیر امام باقر (ع) ناقص‌الایمان است<sup>۱</sup>.

### روایاتی اغراق آمیز منتسب به امام باقر (ع) در رابطه با واقعه عاشورا

امام باقر (ع) با نیت رسوایی بنی امیه و آشکار کردن قساوت‌های آن‌ها و آگاهی دادن به کسانی که در زمان رویداد کربلا به دنیا نیامده بودند و یا بر اثر تبلیغات امویان در غفلت به سر می‌بردند، به طرق مختلف سعی در زنده نگه داشتن این رویداد و یادآوری ستم‌ها و ظلم‌هایی که بر اهل بیت پیامبر (ص) رسیده بود می‌پرداختند و نکاتی را در رابطه با اتفاقاتی که در روز عاشورا رخ داده بود بیان می‌کردند، مثلاً روایاتی از امام باقر (ع) مبنی بر میزان جرح و جراحت وارده بر پیکر امام حسین (ع) بیان شده است که می‌تواند نشان‌دهنده و بیان‌گر شدت جراحات وارده و همچنین قساوت و بغض امویان بر ایشان باشد، ولی باید به نکته‌ای در این باب پرداخت و آن میزان و تعداد زخم‌هایی است که بر پیکر امام حسین (ع) وارد شده است، که در روایات مختلف متفاوت، و گاه اغراق آمیز است. مثلاً در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که «حسین بن علی (ع) کشته شد و سیصد و بیست و چند زخم نیزه و شمشیر و تیر در او یافتند که همه در جلوی تنش بود چون پشت به دشمن نمی‌داد»<sup>۲</sup>.

شیخ صدوق در روایتی دیگر نیز نحوه شهادت امام حسین (ع) را برخورد تیری به گلوی ایشان ذکر کرده است، لذا این تعداد از زخم‌هایی که بیان شده آن هم فقط در جلوی پیکرش را با این روایت نمی‌توان جمع کرد<sup>۳</sup>، شاید تنها توضیح و توجیهی که برای این موضوع می‌توان گفت این باشد که زخم‌های متعددی که بر ایشان وارد شده زمانی اتفاق افتاده که از طرف امویان دستور تاخته شدن اسب‌ها بر پیکر امام حسین (ع) و شهدای کربلا صورت گرفته

<sup>۱</sup>کامل‌الزیارات، ص ۶۳۳، ح ۴

<sup>۲</sup>روضه‌الواعظین، ص ۳۱۲، صدوق، مالی، مجلس ۳۱، ص ۱۶۴

<sup>۳</sup>در مورد زخم‌های وارد شده بر پیکر حضرت امام حسین (ع) می‌توان این چنین استدلال آورد که: «اگر هر زخم را یک سانتی متر مربع در نظر بگیریم، ۳۲۰ زخم مساحتی بیش از سه متر مربع را در برمی‌گیرد و بدن انسان هر چند تنومند باشد، سه متر مربع وسعت ندارد چه رسد به این که فقط قسمت جلوی بدن انسان این قدر مساحت داشته باشد. رفعت، محسن «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد» - شیعه پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۱۳-۱۴۲

باشد<sup>۱</sup> و گرنه هیچ توجیه و دلیل عقلی و منطقی در این مسئله نمی‌توان یافت. در واقع زمانی که تصمیم به کشتن امام حسین (ع) گرفتند، هر کسی جرأت و جسارت نزدیک شدن به ایشان را نداشت و خود را در حد و شأن مبارزه با ایشان نمی‌دیدند.<sup>۲</sup>

امام باقر (ع) در حدیثی از اطلاع امّ سلمه همسر پیامبر (ص) در رابطه با کشته شدن امام حسین (ع) از طریق پیامبر (ص) خبر می‌دهد، با توجه به این روایت امّ سلمه سعی داشت امام حسین (ع) را از رفتن به کربلا منع کنند که موفق نشدند، خصیبی (د. ۳۴۶ هـ. ق) در کتاب الهدایة الکبری از امام باقر (ع) روایت کرده:

«پیامبر مقداری تربت امام حسین (ع) را به امّ سلمه سپرد و فرمود: «چنانچه حسین (ع) سمت عراق عزیمت کرد، نگاهی به این خاک بینداز؛ چون تبدیل به خون شد، همان لحظه شهادت حسین (ع) است.» امّ سلمه هنگام حرکت امام برای منصرف کردن نزد ایشان آمد و شرح ماجرا کرد. امام فرمود: «من کشته می‌شوم و هیچ گریزی از خطا و قضا و قدر خداوند نیست.» امّ سلمه گفت: «کجا می‌روی در حالی که کشته می‌شوی؟» فرمود: «من از جزئیات زمان و مکان کشته شدن و همچنین از محل دفن خویش، قاتل و کسانی که در جنگ با من هستند، آگاهم به نام تک تک آنان، نام قبیله‌هایشان و رؤسای آنها را همین گونه که به شما شناخت دارم می‌دانم و می‌توانم محل کشته شدنم را نشانت دهم.» امّ سلمه می‌گوید به او گفتیم: «نشانت بده.» اما او با من حرفی نزد، نام خدا را بر زبان راند و در همین حین شکافته شدن زمین برای او را دیدم و موقعیت اعوان و انصار ایشان برایم آشکار شد. حضرت دوباره تربتی به من اعطا کرد و فرمود: «مادر! وقت کشته شدن من عاشورا و شنبه است.» امّ سلمه لحظه شماری می‌کرد و ایام را می‌شمرد تا موعد فرا رسید. در خواب افرادی را دید که برای شهادت امام حسین (ع) گریه می‌کنند. از خواب پرید و به بیرون خانه دوید. در پاسخ به سؤال مردم گفت: «قسم به خدا که حسین (ع) و یارانش شهید شده‌اند.» مردم به وی گفتند: «خواب پریشان دیده‌ای.» وی گفت من

<sup>۱</sup> مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۲؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۸۰؛ طبری، ج ۵، ص ۴۵۴ و ۴۵۵  
<sup>۲</sup> در این زمینه طبری نیز درباره ضربت‌هایی که به امام حسین (ع) وارد شده است روایتی نقل کرده است؛ که هر کسی کشتن امام را به دیگری وامی‌گذاشت، که شمر آنها را سرزنش می‌کند. سپس از هر سو به او حمله بردند. ضربتی به کف دست و شانه زدند که سنگین شد و در حال افتادن بود. در این حال سنان بن انس نخعی حمله برد و نیزه در او فرو برد که بیفتاد. طبری، ج ۵، ص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ رفعت، محسن، «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد» - شیعه پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۱۳-۱۴۲

کمی از تربت حسین (ع) نزد خویش دارم.» شیشهٔ تربت را در حالی که خاکش تبدیل به خون

شده بود نشان داد که همه دریافتند حسین (ع) در آن روز کشته شده است.<sup>۱</sup>

در این روایت می‌توان گفت که تصویری جبری از اقدام امام حسین (ع) بیان شده است، به طوری که ایشان ناچار تسلیم به این تقدیر است. بدن شک امام حسین (ع) راضی به قضا و قدر الهی است، اما این که در این حدیث ظاهر قیام امام حسین (ع) طوری نشان داده شود که ایشان صرفاً به خاطر قبول و پذیرفتن سرنوشت و تسلیم حکم خداوند به کربلا رفتند با اهداف والا و عالی خیزش و حرکت عاشورا در تضاد و تناقض است، لذا دیدگاه و نظر عالمان<sup>۲</sup> بر این است که دانش غیبی ائمه (ع) از جمله امام حسین (ع) متناهی و محدود است و اگر احاطه‌ای بر جزئیات حوادث دارند به اذن الهی است. با این که ائمه اطهار (ع) از جمله امام حسین (ع) الگوی امت اسلامی هستند و هدایت و پیشوایی مردم را به عهده دارند ولی این مسئله نمی‌تواند دلیل بر این موضوع باشد که در همه دوران زندگی‌شان و در همه مسائل از علم لدنی غیر مادی و ماورائی استفاده کنند. از این رو آن بزرگواران در مسائل عادی و کارهای روزمره زندگی در نتیجه تحقیق و کسب آگاهی عمل می‌کنند.

در واقع ائمه (ع) در مورد مسائل مختلف به اذن و ارادهٔ خداوند هر چیزی را که بخواهند بدانند متوجه می‌شوند. با توجه به حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شد امام حسین (ع) از سرنوشت خود در این مسیر هر چند به صورت کلی آگاه بودند ولی نکات دیگری که در این روایت آمده از جمله این که امام نام تک تک دشمنان به همراه قبیله‌ها و رؤسای‌شان را می‌دانستند و یا شکافته شدن ناگهانی زمین در منابع تاریخی ارائه نشده است، می‌توان این نکته را دریافت که مکالمه ام سلمه و امام حسین (ع) صرفاً در بارهٔ خبر شهادت ایشان بوده است که از طریق پیامبر (ص) بیان شده است، بدین لحاظ در این حدیث امام حسین (ع) صرفاً از نکته‌هایی که از پیامبر (ص) شنیده بودند اطلاع کلی به نحوهٔ شهادت خویش داشتند و از جزئیات واقعه کربلا خبر نداشتند.<sup>۳</sup>

شبهه این روایت در بعضی از منابع متقدم به اشکال گوناگونی وجود دارد که بعضاً دارای تناقضاتی است، مثلاً این که در حدیثی ام سلمه و امام حسین (ع) در رابطه با واقعهٔ عاشورا حضوری گفت و گو کردند و در جایی دیگر به شکل مکاتبه‌ای بوده است و یا این که ام سلمه در مدینه زندگی می‌کرده است ولی در حدیث آمده است که با امام حسین (ع) در مکه ملاقات کرده، در جایی دیگر ام سلمه واقعهٔ کربلا را به نقل از پیامبر (ص) برای امام حسین (ع)

<sup>۱</sup> خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۲۰۲-۲۰۴

<sup>۲</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۵۸ و ۲۵۹

<sup>۳</sup> رفعت، محسن؛ شریفی گرم‌دره، وحید، «بازخوانی نقدانه و واکاوی روایات عاشورایی کتاب الهدایة الکبری خصیبی»، ادیان، مذاهب عرفان، پژوهش‌نامه امامیه، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۸، (علمی- پژوهشی)، ص ۱۱۹-۱۵۲

بازگو می‌کند.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر آمده که امام حسین (ع) قبل از عزیمت به سمت کربلا وصیت نامه خود را به امّ سلمه سپردند که بعد از شهادت ایشان آن‌ها را به دست پسر بزرگ خود یعنی امام سجاد (ع) بدهند، در صورتی که امام در ابتدا قصد عزیمت به مکه را داشتند و بعد به ناچار به سمت عراق رهسپار شدند،<sup>۲</sup> و در روایاتی دیگر امّ سلمه پیامبر (ص) را بعد از رحلت‌شان در خواب رنگ پریده و آشفته می‌بیند،<sup>۳</sup> ولی در برخی دیگر از روایات سخنی از خواب دیدن و رویا به میان نیست و امّ سلمه پیامبر (ص) را در بیداری ژولیده و خاک آلوده و مضطرب و پریشان می‌بیند که خاکی در کف دست خود دارد و آن را به امّ سلمه می‌دهد و او آن خاک را در شیشه‌ای نگه‌داری می‌کند تا این که در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری تبدیل به خون می‌شود.<sup>۴</sup> لذا می‌توان بدین شکل بیان کرد که تضاد و مغایرت در این روایات و اختلاف بین آن‌ها به حدّی است که قابل جمع و انطباق نیستند.<sup>۵</sup>

مکالمه‌ای بین امام باقر (ع) و هشام بن عبدالملک در مورد این که بعد از شهادت امام علی (ع) و امام حسین (ع) از زیر سنگ‌ها خون تازه جاری شد، صورت گرفته است، نکاتی در رابطه با این موضوع لازم است مطرح شود، در کامل الزیارات به نقل از امام صادق (ع) آمده است:

« هشام بن عبدالملک به دنبال پدرم فرستاد و ایشان را به شام دعوت کرد. هنگامی که پدرم بر وی داخل شد، به پدرم گفت: ای ابو جعفر من تو را به این جا دعوت کردم تا مسئله‌ای را از تو بپرسم، چه آن که صلاح نیست دیگری آن را از شما جويا شود و اساساً بر روی زمین کسی را سراغ ندارم که شایسته دانستن این بوده یا کاملاً از آن اطلاع داشته باشد و تنها کسی که از آن آگاه است یک نفر است و آن شما هستید. پدرم فرمود آن چه را که امیرالمؤمنین می‌خواهد سؤال کند اگر بدانم جواب می‌دهم و اگر ندانم می‌گویم نمی‌دانم و برای من راست گفتن سزاوارتر است. هشام گفت: به من خبر دهید از شبی که در آن علی بن ابیطالب (ع) کشته شد و بگو غایبی که در آن شهر نبوده و هنگام شهادت آن حضرت حضور نداشته، به چه دلیلی بر قتل آن حضرت استدلال کند و اصلاً برای مردم چه علامتی دال بر شهادت او وجود دارد؟ اگر از آن آگاه هستی جواب بده! در ضمن به من خبر ده آیا آن علامت برای

<sup>۱</sup> الخرائج و الجرائح، ص ۲۰۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۴۰، ح ۱۰

<sup>۲</sup> الغیبة للطوسی، ص ۱۹۵، ح ۱۵۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۸، ح ۳

<sup>۳</sup> روضة الواعظین، مجلس ۲۰، ص ۲۸۰

<sup>۴</sup> روضة الواعظین، مجلس ۲۰، ص ۳۱۷

<sup>۵</sup> رفعت، محسن؛ «نگاهی انتقادی به محل شهادت امام حسین (ع)»، تحلیل پنداره گودال قتلگاه»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۲۸ (علمی) -

پژوهشی)، ص ۵۷-۸۰

شهادت و قتل غیر علی بن ابیطالب نیز بوده است یا نه؟ پدرم به او فرمود: ای امیرالمؤمنین در آن شبی که امیرمؤمنان کشته شد، هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود، چنان که در شبی که هارون برادر موسی (ع) کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون مقتول شد و شبی که در آن عیسی بن مریم (ع) به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید، چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی (ع) شهید شد، زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد. امام صادق (ع) سپس فرمود: رنگ صورت هشام از غضب تغییر کرد و به پدرم حمله کرد که وی را بگیرد و پدرم به او فرمود: ای امیرالمؤمنین! بر بندگان لازم است که از امامشان اطاعت کنند و ناصح و خیرخواه او باشند. تنها چیزی که مرا بر آن داشت که درخواست امیر را اجابت کنم و در اینجا حاضر شوم علم به این نکته است که اطاعت از امیر بر من لازم است؛ از این رو انتظار دارم که امیرالمؤمنین به من حسن ظن داشته باشد. هشام به ایشان گفت اگر می‌خواهی نزد اهل خود برگرد. امام صادق (ع) فرمود: پدرم از نزد او خارج شد و هشام هنگام خروج به ایشان عرض کرد: با خدا عهد و میثاق کن که این حدیث را تا وقتی من زنده‌ام با کسی بازگو نکنی. پدرم به وی قول مساعد داد و او را از این ره‌گذر خشنود کرد.<sup>۱</sup>

لازم است نکاتی درباره این حدیث بیان شود، از جمله این که در این روایت آمده که امام باقر (ع)، هشام بن عبدالملک را امیرالمؤمنین خطاب کرده‌اند، باید گفت که بیان این موضوع از امام باقر (ع) بعید به نظر می‌رسد، چرا که شیعیان معتقدند که لفظ امیرالمؤمنین صرفاً برای امام علی (ع) به کار برده می‌شود و از لحاظ فقه امامیه نیز درباره حرمت و ناپسند بودن استفاده این لقب به غیر از امام علی (ع) صحبت شده است، از این رو بر فرض این که این مطلب صحیح باشد می‌توان چنین توجیه کرد که امام با توجه به اصل تقیّه هشام بن عبدالملک را به این شکل خطاب کرده‌اند، به طوری که در منابع تاریخی آمده است که برخی از امامان معصوم نیز در موقعیت‌های مختلف و به اقتضای شرایطشان خلفای زمانشان را به این عنوان خطاب می‌کردند.<sup>۲</sup> در این حدیث نکته‌ای در مورد شهادت حضرت هارون (ع) و همچنین عروج حضرت عیسی (ع) به آسمان وجود دارد که به دلیل اتفاقاتی که برای این

<sup>۱</sup>کامل‌الزیارات، ص ۷۵ و ۷۶

<sup>۲</sup>برای نمونه امامانی که به مصلحت‌های زمانشان خلفای وقت را امیرالمؤمنین خطاب می‌کردند؛ «خطاب امام رضا (ع) به مأمون، مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۵۹؛ خطاب امام جواد به مأمون، مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۴؛ خطاب امام جواد به واثق عباسی، مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۸۸؛ خطاب امام هادی به متوکل عباسی، مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱

بزرگواران رخ داده از زیر سنگ‌ها خون جاری شده است، به شهادت رسیدن حضرت هارون برادر موسی (ع) در منابع تاریخی موجود نیست و هارون قبل از حضرت موسی (ع) از دنیا رفته است. در مورد حضرت عیسی (ع) نیز می‌توان گفت که دلیل منطقی از باب این که در هنگام عروج ایشان به آسمان از زیر سنگ‌ها خون تازه جاری شده است وجود ندارد، لذا می‌شود چنین بیان کرد که به دلیل نافرمانی و عدم شناخت مردم زمان حضرت عیسی (ع) از پیامبر خویش چنین اتفاقی رخ داده است و اینکه در حدیث نوع برخورد و رفتار امام باقر (ع) در مقابل هشام طوری بیان شده است که ایشان هشام را به نوعی واجب‌الاطاعة خود می‌داند و در واقع این حدیث به نوعی در صدد القای این مطلب است که اطاعت از خلفای بنی امیه به حق بوده و امام باقر (ع) به این موضوع پایبند بودند در صورتی که امام باقر (ع) خود امام و ولی امر مسلمین بودند و نیازی به اطاعت از هیچ کدام از امویان نداشتند. می‌توان به این نکته اشاره کرد که در واقع اطاعت از حاکم جائز جایز نیست، مگر این که دیدگاه امام باقر (ع) به این قضیه به نوعی تقیّه و خودداری از اظهار عقیده و نظر خویش در برابر هشام دانسته شود. در ادامه روایت آمده است که هشام از امام باقر (ع) قول می‌گیرد که این ماجرا و پرسشی که از ایشان شده است را به کسی بازگو نکند، ولی این موضوع پنهان نماند و با توجه به متن حدیث برملا شد، که این نوع رفتار و افشای راز از عمل کرد و سیره امام معصوم بعید به نظر می‌رسد و قابل جمع نیست.<sup>۱</sup>

امام باقر (ع) در گفتاری دیگر برای روشنگری افکار عموم مردم از امام سوم شیعیان با عنوان مظلوم یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> ابی‌جعفر (ع) حقایق حرکت امام حسین (ع) را در موقعیت‌های مختلف گوشزد می‌کردند،<sup>۳</sup> از جمله آن‌ها نامه ای بود که حضرت اباعبدالله (ع) در زمان عزیمت به سمت عراق به محمدبن حنفیه نوشتند و مشروعیت و حقایق قیام خود را بر او تأکید، و بدین وسیله حجّت را تمام کردند.<sup>۴</sup>

در باب زیارت عاشورا و کیفیت آن می‌توان گفت، ایشان برای زیارت حضرت امام حسین (ع) در روز عاشورا از دور و نزدیک دستورالعمل‌هایی را ارائه داده‌اند و اگر به طور کامل و با رعایت آدابی که در آن آمده است عمل

<sup>۱</sup> رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم السادات، «روایات عاشورایی کامل‌الزیارات در بوته نقد»، مجله شیعه پژوهی، سال سوم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۷-۱۴۰

<sup>۲</sup> کامل‌الزیارات، ص ۴۶۴ و ۴۶۶

<sup>۳</sup> امام باقر (ع) فرمودند: «حسین ع یک روز قبل از روز ترویه، از مکه خارج شد و عبدالله بن زبیر، او را بدرقه کرد و گفت: ای اباعبدالله! موسم حج رسید و تو آن را وا می‌گذاری و به عراق می‌روی؟ فرمود: «ای پسر زبیر! اگر در ساحل فرات دفن شوم، دوست تر دارم تا در صحن کعبه دفن شوم.» کامل‌الزیارات، ص ۱۵۱، ح ۱۸۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۶، ح ۱۸؛ صدوق، امالی، ص ۲۱۹، ح ۲۳۹

<sup>۴</sup> امام محمد باقر (ع) فرمودند: «ای ابوحمزه ثمالی! حسین (ع) هنگامی که رو به سوی عراق کرد کاغذی خواست و نوشت: به نام خدای بخشنده مهربان. از حسین بن علی به محمدبن علی و افرادی از بنی هاشم که نزد اویند، امام بعد، هر کس با من همراه شود، شهید می‌شود و هر کس از من روی بگرداند به پیروزی نمی‌رسد. والسلام.» کامل‌الزیارات، ص ۱۵۸، ح ۱۹۶، مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۷، ح ۲۳؛ مثیرالاحزان، ص ۳۹، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۷۱، ح ۹۳



شود حضرت ضامن پادشاهای بشارت داده شده خواهد بود.<sup>۱</sup> در فضیلت این زیارت همین بس که بر خلاف سایر زیارات که از معصومین (ع) نقل شده، این زیارت به شکل حدیث قدسی روایت شده است، با توجه به اهمیتی که این زیارت در بین شیعیان دارد، حتی گفته شده است که زیارت عاشورا از زبان پیامبر (ص) در خصوص امام حسین (ع) بیان شده است.<sup>۲</sup>

نکته های فراوانی در باب برتری زمین کربلا در گزارش های روایی آمده است مانند این که بر کعبه برتری دارد،<sup>۳</sup> در این باره می توان گفت که به دلیل وجود پیکر امام حسین (ع) در خاک کربلا، روایاتی منتسب از ائمه معصومین (ع) از جمله امام باقر (ع) وجود دارد، فارغ از راستی و درستی این روایات، می شود چنین گفت که احادیثی که در این زمینه وجود دارد، صرفاً ساخته و پرداخته غلات شیعی است و وجاهت سندی ندارد و کریم ترین و شریف ترین و تنها سرزمین مقدس، نسبت به سایر مکان ها، حرمین شریفین است.

با تلاش های امام باقر (ع) و یارانش در منتشر کردن فرهنگ اهل بیت (ع)، علاوه بر نواحی شیعه نشینی مانند کوفه و مدینه، مناطق جدیدی نیز تحت پوشش طرز تفکر شیعی قرار گرفت، بعد از واقعه عاشورا، وضعیت اجتماعی و اخلاقی مردم، بر اثر تربیت نادرست و مخرب حاکمان بنی امیه دچار فساد شده بود، تا آنجا که حتی توجهی به روشن گریهای امامت نمی دادند<sup>۴</sup> و با این شرایط اگر هم از سوی امام و یارانش در زمینه رشد اخلاقی و دینی جامعه اغمازی صورت می گرفت، دیگر راهی برای هدایت افراد باقی نمی ماند.<sup>۵</sup> همین مسائل موجب این شد که امام پنجم شیعیان، هر فرصتی را برای برانگیختن احساسات و عواطف شیعیان و مردم غافل مغتم شمارد و به اقتضای شرایط و فرصتی با بیان نکته هایی هر چند کنایه آمیز و با اشاره به واقعه عاشورا و ظلم هایی که در آن مقطع زمانی بر آل محمد (ص) وارد شد باعث انقلاب درونی افراد دور مانده از حقایق شود.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> از جمله بیانات وارده در باب ثواب زیارت سیدالشهدا (ع) می توان به این حدیث اشاره کرد: «علقمه میگوید: ابی جعفر علیه السلام فرمودند: اگر توانی هر روز با این زیارت امام حسین (ع) را زیارت کنی، البته این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده برایت منظور گردد.» کامل الزیارات، ص ۵۷۹، ح ۷؛ همان، ص ۵۹۱

<sup>۲</sup> مصباح المتعجب، ص ۷۸۱

<sup>۳</sup> از جمله روایاتی که در باب برتری زمین کربلا بر سایر مکانها وجود دارد: «امام باقر (ع) فرمودند: خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه زمین کربلا را آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود، تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیا و دوستانش در بهشت در آن سکنی گزیدند.» کامل الزیارات، ص ۸۱۳، ح ۳

<sup>۴</sup> امام در بیانی افکار مردم و فرهنگ جامعه آن روز را به این شکل بیان می کنند: «ان دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَنَا؛ اگر بخوانیمشان، دعوت ما را نمی پذیرند.» بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۳؛ امام خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۴ و ۱۸۵

<sup>۵</sup> «و ان ترکناهم لَمْ يَهْتَدُوا بغيرنا؛ و اگر واگذاریمشان با هیچ وسیله دیگری هدایت نمی شوند.» همان

<sup>۶</sup> یکی از نمونه هایی که امام باقر (ع) سعی در تحریک احساسات و عواطف مردم غافل داشت این بود که: «به مردی که از ان حضرت پرسیده بود: ای فرزند پیامبر چگونه صبح کرده اید؟ چنین خطاب می کند: آیا وقت آن نرسیده است که بفهمید ما چگونه ایم و چگونه صبح می کنیم؟! داستان ما، داستان بنی اسرائیل است در

## جمع بندی

در دوران امام باقر (ع) جامعه کمی آرام‌تر شد و از هول و هراس و خفقانی که در دوره امام سجّاد (ع) وجود داشت کاسته شده بود. در واقع وظیفه امام محمدباقر (ع) در قبال واقعه عاشورا و فرهنگ سازی در جامعه آن روز با شرایط و جوّ فرهنگی روزگار پدرشان امام سجّاد (ع) تفاوت داشت به طوری که ایشان توانستند بعد از گسستگی فرهنگ اسلامی، مردم را به وسیله معارف اسلامی و انتشار اندیشه‌های دینی به هم نزدیک کنند.

امام باقر (ع) همانند پدر بزرگوارشان زمینه را برای قیام مسلحانه علیه حکومت بنی امیه صلاح ندانستند و تلاش کردند که با مدنظر قرار دادن اصل تقیه تمامی ارزش‌های دینی را از گزند نابودی محفوظ بدارند. چنانچه تقیه به نوعی وسیله‌ای برای به جلو بردن آرمان‌های متعالی دین از منظری گسترده به آن است لذا با توجه به تدبیر و صلاحدید امام باقر (ع) و کتمان و عدم بروز باورهای دینی در حکومت بنی‌امیه باعث شد که اصل دین از آماج حرمت شکنی‌ها در امان بماند و در همین راستا سعیشان بر این بود تا بر زنده نگه داشتن اهداف و آرمان‌های قیام امام حسین (ع) اهتمام بورزند و با آموزش آموزه‌های علمی و دینی به شیعیان بر این باور بودند که هر نوع موفقیتی در سایه استحکام پایه‌های عقیدتی و دینی پدید می‌آید چنانچه این عملکرد در انگیزه و اهداف مبارزان علیه حکومت جور که در آن زمان مصداق بارزش بنی امیه بود پدید آمد.<sup>۱</sup>

---

جامعه فرعونى، که پسرانشان را می‌کشند و زنانشان را زنده نگه می‌گرفتند، بدانید که این‌ها (بنی‌امیه) پسران ما را می‌کشند و زنان ما را زنده می‌گیرند.» مجلسی،

بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۵۸؛ آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۶

<sup>۱</sup> هادی منش، ابوالفضل؛ «نگاهی به مواضع سیاسی امام باقر (ع)»؛ فقه و اصول، مبلغان؛ اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵؛ شماره ۷۶؛ ص ۱۳-۳۳

## واقعه عاشورا در اندیشه و سیره امام جعفر صادق علیه السلام

با توجه به خلفایی<sup>۱</sup> که صادق آل محمد (ع) در زمان آنها می‌زیست، ایشان حدود چهل سال از عمر خود را در زمان سلطه بنی امیه گذراند و شاهد ظلم و ستمی بود که بنی امیه بر مردم روا می‌داشت و همچنین بعد از آن ادامه زندگی خود را در ابتدای دوره عباسیان که با شعار خون‌خواهی اباعبدالله (ع) بر سر کار آمده بودند گذراند. با توجه به سیره سیاسی و اخلاقی خلفای اموی و خوش‌گذرانی و باده‌گساری و هم‌نشینی با اهل فسق که غالب رفتار آنها بود، یکی از خلفای هم عصر حضرت، ولید بن یزید عبدالملک (د. ۱۲۶هـ.ق) نام داشت که او را بی‌پروای بنی مروان می‌نامیدند،<sup>۲</sup> او در شراب‌خوارگی و کفرگویی و هتک حرمت به قرآن زبان‌زد بود<sup>۳</sup> اوضمن شعری پیامبر (ص) را متهم به این کرده بود که از طرف خداوند وحی‌ای به ایشان نیامده است،<sup>۴</sup> که بعد از این سخنش چند روز بیشتر زنده نماند و کشته شد.<sup>۵</sup>

امام صادق (ع) با در نظر گرفتن فاصله زمانی واقعه عاشورا تا دوران خود و با توجه به مقتضیات سیاسی زمانش و طبعاً فراموش شدن رویداد کربلا بر آن شد تا مستقیم و غیرمستقیم و در موقعیت‌های مختلف و بر حسب شرایط به پاس-داشت این واقعه پردازد، از این رو امام صادق (ع) گریستن در همه امور را به جز گریه کردن بر امام حسین (ع) مکروه می‌دانستند.<sup>۶</sup> ضمن بیان پاداش فراوان این کار، اگر کسی در وصف و بیان امام حسین (ع) شعری می‌خواند و مستمعین را می‌گریاند، استقبال می‌شد و آنها را تشویق بر سرودن شعر درباره واقعه کربلا و مصیبتی که بر آن حضرت وارد شده بود می‌کردند.<sup>۷</sup> حدیثی منتسب به امام صادق (ع) وجود دارد که از قول امام حسین (ع) فرمودند: «من کشته اشکم»<sup>۸</sup>، روایات «قتیل العبرات» از بعضی از ائمه معصوم (ع) نقل شده است، پژوهشی در این زمینه

<sup>۱</sup> هشام بن عبدالملک (د. ۱۲۵هـ.ق)، ولید بن عبدالملک (د. ۱۲۶هـ.ق)، یزید بن ولید عبدالملک (د. ۱۲۶هـ.ق)، ابراهیم بن ولید (د. ۱۲۶هـ.ق)، مروان بن محمد (د. ۱۳۲هـ.ق)، منصور عباسی (د. ۱۵۸هـ.ق)

<sup>۲</sup> مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۱۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۸

<sup>۳</sup> روزی آیه ای را که معنای آن چنین است بخواند: «و آنها تقاضای فتح و پیروزی از خدا کردند و سرانجام هر گردنکش منحرفی نومید گشت، به دنبال او جهنم خواهد بود، و از آب بد و بوی متعفن نوشانده می‌شود. (سوره ابراهیم، آیه ۱۶ و ۱۵) «آن‌گاه قرآن را بگرفت هدف تیر کرد، و تیر بدان می‌زد و می‌گفت: گردنکش تیزه جو را تهدید میکنی؟ اینک من گردنکش تیزه جویم، وقتی روز محشر پیش پروردگار خویش رفتی، بگو ای پروردگار ولید مرا پاره کرد. کامل

ابن اثیر، ج ۱۴، ص ۲۰۱؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۱۹

<sup>۴</sup> یک هاشمی بدون وحی و کتاب، خلافت را باز بچه کرد. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۲۲۰

<sup>۵</sup> همان

<sup>۶</sup> کامل الزیارات، ص ۳۲۳، ج ۲

<sup>۷</sup> مشیرالاحزان، ص ۲۸۵؛ صدوق، امالی، ص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ کامل الزیارات، ص ۳۴۱، ج ۳، همان، ص ۳۴۵، ج ۷

<sup>۸</sup> کامل الزیارات، ص ۳۵۴ و ۳۵۵، ج ۶؛ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۵۷

صورت گرفته که این روایات را بررسی کرده است، با بررسی هایی که از لحاظ لغوی و ادبیات عرب و همچنین از منظر سندی صورت گرفته و ریشه یابی شده، ثابت شده است که این روایت معتبر است و همچنین با مطالعاتی که در متون و اسناد مختلفی که در این زمینه در کتب متقدم صورت گرفته است، به این نتیجه رسیده شده که این حدیث از لحاظ اعتبار مورد مناقشه نیست.<sup>۱</sup>

امام ششم (ع) اگر آبی می نوشیدند به یاد لب های تشنه شهدای کربلا می افتادند و می گریستند و این نکته را ضمن بیان پادشاه های اخروی این کار بر دوست داران اهل بیت (ع) گوشزد می کردند که هنگام نوشیدن آب یاد امام حسین (ع) باشند.<sup>۲</sup> روایات متعددی در خصوص فضیلت گریه بر امام حسین (ع) وجود دارد، گریه شیعیان بر امام حسین (ع) در واقع مظلومیت ایشان را به جهانیان القا می کند و بکاء بر سیدالشهداء (ع) به نوعی رسوا کننده تعدی کنندگان بر امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان است. البته باید به نکته ای در این جا پرداخته شود و آن این است که در این که گریه بر مصائب ایشان در روایات متعددی تأکید شده است هیچ جای شک و شبهه ای نیست، ولی نباید سعی شود در مجالس اهل بیت (ع) عده ای را به هر طریقی گریاند. در واقع باید به این نکته توجه داشت که گریه بر اباعبدالله الحسین (ع) باید در مسیر احیای سنت و ولایت اهل بیت (ع) و همچنین زنده و پویا نگه داشتن حق اهل بیت (ع) باشد.<sup>۳</sup>

از آنجایی که ارزش عمل به هر کاری با شناخت و معرفت داشتن به آن کار مشخص می شود نباید برای کسی که صرفاً بر امام حسین (ع) گریه کرده ولی به اهداف ایشان شناخت نداشته و عارف به حق ایشان نباشد انتظار ثواب گریه داشت. هر چند به همین اندازه هم از نظر خداوند دور نخواهد بود ولی این پذیرفتنی نیست که کسی که در

---

<sup>۱</sup> طباطبایی، سید کاظم؛ دهقانی، یونس «بررسی تحولات در فهم روایات اسلامی بر پایه مفهوم گفتمان؛ بررسی موردی روایت «انا قتیل العبرات»»، علوم قرآن و حدیث، حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۳ (علمی-پژوهشی/ISC)، ص ۷ تا ۲۴؛ احسانی لنگرودی، محمد؛ «پژوهشی در حدیث قتیل العبره»، علوم قرآن و حدیث؛ علوم حدیث؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴۵ و ۴۶ (علمی-پژوهشی/ISC)، ص ۳۴ تا ۵۰

<sup>۲</sup> صدوق، امالی، ص ۱۴۲، ح ۱

<sup>۳</sup> در باره معرفت داشتن به اهل بیت (ع) روایتی از امام صادق (ع) آورده می شود؛ «امام صادق (ع) به فضیل بن یسار فرمود: آیا دور هم جمع می شوید و احادیث ما را با به یکدیگر نقل می کنید؟ فضیل گفت آری فدایت شوم. حضرت فرمود: دوست دارم که چنان مجالسی باشد، ای فضیل! حق ما را زنده کنید، خدا بیامرزد کسی را که حق ما را زنده نگه دارد. ای فضیل! هر کس از ما یادی کند یا پیش او از ما یادی شود تا از چشمش به قدر پر پشه ای اشک خارج شود، خدا خطاهای وی را گرچه بیشتر از کف دریا باشد خواهد بخشید.» حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۶، ح ۱۱۷؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۰۱

سبک و شیوه رفتاری با امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) بیگانه است و صرفاً اشکی برای حضرت ریخته به جایگاه معنوی بالایی برسد.<sup>۱</sup>

در روایاتی آمده است که گریه بر سیدالشهداء (ع) اگر به حالت تباهی باشد و افراد خود را به حالت گریه کردن نشان دهند ثواب بهشت برای آنها خواهد بود<sup>۲</sup> و یا این که در باور بعضی از افراد این است که ریا در تباهی برای امام حسین (ع) جایز است<sup>۳</sup>، در صورتی که ریا در آموزه‌های اسلامی شرک خفی و گناه محسوب می‌شود و در اصل و مشی اسلامی از ریا نهی شده و تأکید فراوان به اخلاص و خلوص نیت در همه کارهای عبادی شده است. در کتب متقدم احادیث تباهی برای امام حسین (ع) بسیار اندک است و اگر هم وجود دارد از لحاظ سند ضعیف و یا مرسل است. داخل شدن فرهنگ تباهی برای امام حسین (ع) در بین شیعیان و دوست‌داران آن حضرت شاید به این دلیل باشد که بنی امیه هر سال روز عاشورا را روز شادی و سرور خود در نظر گرفته بود و به تمام تابعین خود نیز این موضوع را القاء می‌کردند و در مقابل رفتار آنها شیعیان و محبین اهل بیت (ع) نیز در دهه اول محرم و به ویژه عاشورا و عزاداری و اظهار غم و ناراحتی در این زمینه می‌پرداختند تا با این کار یاد ابا عبدالله الحسین (ع) را زنده نگه دارند و همچنین به نوعی انزجار خود را نسبت به امویان نشان دهند، لذا اگر تباهی برای امام حسین (ع) را به این دلیل بپنداریم، در واقع به نوعی نیت، قربه الی الله خواهد بود. از آن جایی که تباهی می‌تواند مقدمه بر گریه کردن باشد گاهی افرادی هستند که به هر دلیل مثلاً قساوت در آن لحظه اشک‌شان برای امام حسین (ع) جاری نمی‌شود و همین باعث می‌شود که خود را از این جهت به تکلف و سختی بیاندارند تا امکان گریه برای سیدالشهداء (ع) فراهم شود. در هر صورت با توجه به احادیثی که در این زمینه وجود دارد تباهی برای امام حسین (ع) وقتی با خلوص نیت صورت گیرد، هر چند که به بکاء منجر نشود باز هم مأجور خواهند بود.<sup>۴</sup>

در حدیثی از امام صادق (ع) در باب گریه بر سیدالشهداء (ع) به نوعی تعاون و همکاری به گریه انداختن یکدیگر در عزای امام حسین (ع) آمده است، در واقع به این معنا که افراد با بیان خصوصیات رفتاری امام حسین (ع) و

<sup>۱</sup> امام علی (ع) ضمن وصیتش به کمال در رابطه با معرفت و شناخت داشتن در مورد مسائل مختلف فرمودند: «هیچ کار و اقدامی نیست مگر این که تو در آن نیازمند معرفت و شناخت هستی.» تحف العقول، ص ۱۷۱؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۱۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۵، صحتی سردرودی، محمد، عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)، انتشارات خادم‌الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵، ص ۴۳۶ و ۴۳۵

<sup>۲</sup> روایتی در بحارالانوار وجود دارد که نام معصوم خاصی نیامده است و با عنوان آل رسول آمده، ولی از آن جهت که به موضوع مورد بحث نزدیک است آورده می‌شود: «کسی که خود را شبیه به گریه کنندگان کند جای او در بهشت خواهد بود.» مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۹

<sup>۳</sup> نخجوانی، محمدعلی، دعوات الحسینیه، ص ۵۴، چاپ بمبئی، ۱۳۳۰ق

<sup>۴</sup> در این زمینه حدیثی از امام صادق (ع) وجود دارد: «هر عمل خیری که مخفیانه صورت گیرد ثواب دارد، غیر از گریه کردن برای ما (که اگر علناً باشد ریا نخواهد بود و ثواب خواهد داشت.)» مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۹

همچنین تشریح وقایع و مصائب واقعه عاشورا به یکدیگر، موجبات رقت قلب متقابل را در این زمینه فراهم کنند. به هر حال امام حسین (ع) با تحمل سختی‌ها و مصیبت‌هایی که به خود و خانواده‌شان وارد شد، سعی در تحکیم بنیان‌ها و اساس اسلام داشتند و مفاهیم توحیدی را تثبیت کردند. فلذا دور از عقل و ذهن است که تصور شود که تباکی و یا حتی بکاء به قصد ریا برای آن حضرت جایز باشد.<sup>۱</sup>

### نقد روایاتی خارج از چهارچوب و الزامات تاریخی

نکات و احادیثی منتسب به امام صادق (ع) وجود دارد که بیشتر از آن که به عنوان یک عینیت تاریخی مطرح باشند، می‌توان این‌طور گفت که این موضوعات در فضای خاص مذهبی به وسیله غلات شیعی با اهداف خاصی ساخته شده است و حداقل باید به فضای غیر واقعی و جعلی این صحبت‌ها توجه داشت، باید دقت داشت که مسائل تاریخی در یک فضای طبیعی و تاریخی اتفاق می‌افتد و تاریخ اجازه ورود به فضای فرا تاریخی را ندارد. علم تاریخ نمی‌تواند به مسائل ماورای تاریخ ورود پیدا کند، یکی به این دلیل که موضوعش موضوع انسانی نیست و دلیل دیگر این که موضوعش طبیعی نیست و با واقعیات صریح و عینی سازگاری ندارد، این نکات بیشتر از این که واقعیت باشند نوعی باور هستند.

گرچه ممکن است برخی از باورها از واقعیات نشأت گرفته شده باشند ولی هر باوری لزوماً عینیت خارجی ندارد، به بیان دیگر در بررسی‌های تاریخی، حق ورود به جهان فرشتگان داده نشده است، زیرا امکان استناد دادن به اسناد و مدارک معتبر در این موضوعات وجود ندارد. برای نمونه در اخبار مربوط به عاشورا آمده است که امام حسین (ع) حضرت علی اصغر (ع) را در دست خود بالا بردند و از دشمن برای ایشان طلب آب کرده‌اند. گذشته از این که این حدیث جعلی است و با منابع معتبر هم‌خوانی ندارد، این ماجرا با عزت امام حسین (ع) سازگاری ندارد و به نوعی مایه تحقیر و وهن ایشان است، همچنین دور از مقام و شأن و بزرگی امام حسین (ع) است که یک چنین عملی را انجام داده باشند. در منابع متعدد متأخر و متقدم آمده است که امام حسین (ع) بعد از شهادت حضرت قاسم (ع) برای وداع به سمت خیمه‌ها رفتند و فرزند خردسالش را آوردند و در دامن ایشان گذاشتند که در همین موقع مردی از بنی اسد تیری به سمت حضرت علی اصغر (ع) پرتاب کردند و او را به شهادت رساندند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۳۸ و ۳۹

<sup>۲</sup> مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۴۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۸۹ و ۴۴۸؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۵۸؛ ابن نماحلی، مثيران الاحزان، ص ۷۰؛ ابن کثیر دمشقی، البداية النهاية، ج ۸، ص ۱۶۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۵

امام صادق (ع) از فرشتگانی صحبت می‌کند که همواره گرد مزار ابا عبد الله الحسین (ع) حضور دارند و بر بلاهایی که بر سر ایشان و فرزندان شان آمده سوگواری می‌کنند<sup>۱</sup> و منتظر زمانی هستند که ایشان از قبر خارج شود و نصرتش کنند.<sup>۲</sup> و یا در حدیثی دیگر درباره فرشته‌ای به نام فطرس صحبت شده که ضمن دادن خبر شهادت به حضرت رسول الله (ص)، به واسطه شفاعت امام حسین (ع) عهد کرد که سلام هر سلام کننده‌ای و زیارت هر زیارت کننده-ای را به حضور امام حسین (ع) برساند.<sup>۳</sup>

روایاتی منتسب به امام صادق (ع) در منابع تاریخی متقدم وجود دارد،<sup>۴</sup> مبنی بر این که بعد از شهادت امام حسین (ع)، از زیر سنگ‌ها خون تازه جاری شد، که با توجه به سلسله سندی که در این روایات به چشم می‌خورد می‌توان این طور بیان کرد که افرادی که این روایات را نقل کرده‌اند یا شرح حالی از آن‌ها در کتب رجالی وجود ندارد یا این که این اخبار در کتب رجالی ضعیف دانسته شده است. از جمله کسانی که روایاتی با اسناد ضعیف از او در این زمینه نقل شده محمد بن مسلم زهری (د. ۱۲۴ هـ. ق) است که با توجه به سال تولدش (۵۶ هـ. ق) و رخداد کربلا در سال (۶۱ هـ. ق) دور از ذهن است که اخبار نقل شده از سوی او و جاهت سندی داشته باشد.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> روضة الواعظین، مجلس ۲۰، ص ۳۱۸؛ کامل الزیارات، ص ۲۶۶، ح ۳ و ۴؛ همان، ص ۲۷۴، ح ۱۳

اثبات الوسیله، ص ۳۱۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۸۱ و ۲۸۲، ح ۱۷

تکامل الزیارات، ح ۱؛ اثبات الوسیله، ص ۳۰۰ و ۳۰۱؛ روضة الشهداء، ص ۲۴۵ و ۲۴۶

أعلام الوری، بخش ۳، ص ۳۱۴

<sup>۵</sup> از جمله مواردی که زهری خود شاهد آن ماجرا نبوده است و صرفاً آن را نقل کرده به این شرح است: «در طبقات الکبری ابن سعد و دلائل النبوة بیهقی نیز تصریح شده است که زهری گفته است: این خبر به من رسید که در بیت المقدس هیچ سنگی برداشته نشد، مگر این که از زیر آن خون تازه جاری شد.» طبری، ج ۶، ص ۴۷۱؛ رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم السادات «روایات عاشورایی کامل الزیارات در بوته نقد» - مجله شیعه پژوهی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۷-۱۴۰

## بررسی آداب زیارت امام حسین (ع) از منظر تاریخی

به جهت احترام فوق العاده ای که مزار سیدالشهدا (ع) دارد، یکی از آداب توصیه شده این است که زائرین در حرم حضرت سکوت کنند مگر این که سخن نیکی را به زبان آورند،<sup>۱</sup> در مورد عزیمت به سمت حرم و مزار ایشان باید گفت که بعضی از افراد بسیار مجهّز، یا به تعبیر امام صادق (ع) با سفره های رنگین<sup>۲</sup> به زیارت امام حسین (ع) می روند، که ایشان این نوع رفتار را مکروه می دانستند، چرا که چنین افرادی اگر به زیارت قبور اهل خود بروند این طور رفتاری را انجام نخواهند داد ولی از آداب زیارت ایشان این است که افراد پیاده به سمت قبر ایشان بروند<sup>۳</sup> و بعد از غسل<sup>۴</sup> باید با پای برهنه و مانند یک فرد ذلیل به سمت حرم حضرت راهی شوند. همچنین از آداب دیگر این که زائر با حالت حزن و اندوه به سوی مزار امام روانه شود<sup>۵</sup> و بعد از زیارت حضرت برگردد و در آنجا اتراق نکند و آن مکان را به مثابه وطن نباید در نظر بگیرد.<sup>۶</sup>

فارغ از درستی و نادرستی روایات آمده، لازم است نکته ای را در مورد این که با پستی و خواری و با رفتاری متذلل باید به زیارت امام حسین (ع) مشرف شد یا نه بیان نمود و آن این که در زمان حرم رفتن می توان با تداعی مصائب وارده به سیدالشهداء (ع) به زیارت ایشان رفت ولی این که با حالت حقارت و فرومایگی به زیارت ایشان روانه شد کمی عاقلانه نیست ایشان کشته و شهید شدند که به اصطلاح شیعیان و مسلمانان ذلیل نباشند، در واقع با این سخن مقام والای امام حسین (ع) و این که مقام انسانی محبّین ائمه (ع) پایین آورده می شود، امام حسین (ع) کشته شدند که اسلام و خود که نمادی از اسلام ناب محمدی (ص) هستند ذلیل نباشند در نتیجه لزومی بر حس و رفتار ذلیلانه داشتن در این موضوع نباید باشد.

در واقع چنین به نظر می رسد که این مسئله جعلی و ساختگی افراد مغرض است که با نام امام صادق (ع) بیان شده است. به دلیل منزلت والایی که بعضی از مکان ها و موقف ها دارد دعا در این محل ها به اجابت نزدیک تر است که از جمله آنها نزد مزار سیدالشهدا (ع) است، لذا به دلیل شهادت امام حسین (ع) و خون های به ناحق ریخته شده در

<sup>۱</sup> ثواب الاعمال، ص ۲۵۴، کامل الزیارات، ص ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹، ح ۱۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷، ح ۷

<sup>۲</sup> ثواب الاعمال، ص ۱۷۵ ح ۲۲؛ کامل الزیارات، ص ۴۲۳، ح ۲ و ۳

<sup>۳</sup> امام صادق (ع): «ای کرام! هر گاه اراده نمودی قبر حسین بن علی (ع) را زیارت کنی، پس آن حضرت را با حالی غمگین و حزین و هیبتی ژولیده و گرفته زیارت نما، زیرا حضرتش کشته شد در حالی که محزون و غمگین و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند.» مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۵؛ کامل الزیارات

ص ۴۳۰، ح ۴؛ همان، ص ۴۳۴ و ۴۳۵، ح ۴

<sup>۴</sup> کامل الزیارات، ص ۶۱۲، ح ۷

<sup>۵</sup> المزار للمفید، ص ۹۷، ح ۳؛ مزار الکبیر، ص ۳۶۹، ح ۳؛ ثواب الاعمال، ص ۲۳۷، ح ۲۳؛ کامل الزیارات، ص ۴۲۴، ح ۳

<sup>۶</sup> کامل الزیارات، ص ۴۲۹، ح ۳



آن مکان، اجابت دعا در زیر قبه حضرت قرار داده شده است از این رو زائرین باید این نکته را مد نظر قرار دهند و غنیمت شمرند.<sup>۱</sup>

یک سری از بحث‌ها و نکات وجود دارد که شکل نمادین دارند، به این معنی که وقتی گفته می‌شود که مرقد امام حسین (ع) گویی دری از درهای بهشت است در واقع شائیت و جایگاه والا و اهمیت آن محل شهادت رانسان می‌دهد، برای مثال اسحاق بن عمّار از امام صادق (ع) روایت کرده است که ایشان فرمودند: «آرامگاه امام حسین (ع) از همان روزی که در آن دفن شد به باغی از باغ‌های بهشت مبدل گشته است، و باز فرمود: موضع قبر امام حسین (ع) دری است از درهای بهشت.»<sup>۲</sup> ضمن اشتیاقی که باید برای زیارت وجود داشته باشد، نکته‌ای که باید نصب العین زائر باشد و توجه اکید به آن داشته باشد، این است که حقّ ابا عبدالله الحسین (ع) را بشناسد و ولایت ایشان را بپذیرد و حضرت را به عنوان امام معصوم قلباً قبول داشته باشد و دشمنش را دشمن بداند و ابراز تنفر خود را نشان دهد.<sup>۳</sup>

در واقع از عوامل بسزایی که از جمله آن‌ها توصیه به زیارت امام حسین (ع) است و در اکثر اوقات سال نیز مطرح است سبب شده است که واقعه کربلا و اهداف امام حسین (ع) به یک فرهنگ تبدیل و پذیرفته شود و می‌توان گفت که زمانی که ایشان به شهادت رسیدند تا به امروز اهداف سیدالشهداء (ع) به عنوان یک تفکر تداوم داشته است، که همین مسئله باعث زنده و پویا نگه داشتن این مسیر و اندیشه شده است.

ممکن است اتفاقات بزرگ در طول تاریخ به فراموشی سپرده شوند و یا تحریف شوند که به نسبت اهمیت آن باید به طرق مختلف آن را زنده نگه داشت و به نسل‌های بعدی منتقل کرد. در مورد واقعه عاشورا بهترین افرادی که می‌توانند به تثبیت اهداف این اتفاق بزرگ در اذهان کمک کنند و از ضلالت و گمراهی در این مسیر بکاهند اهل بیت (ع) هستند که از جمله آن‌ها امام صادق (ع) است که با هوشیاری و درایت از هر فرصت و زمینه‌ای که به دست می‌آمد استفاده می‌کردند تا پیام واقعه عاشورا بر اذهان به خواب رفته و غفلت زده‌ای که بنی‌امیه به وجود آورده بودند القا کنند و به نوعی بینش جامعه را تغییر دهند و فرهیختگی و معرفت افراد را بالا ببرند.<sup>۴</sup>

قیام عاشورا گرچه در زمان کوتاهی اتفاق افتاد ولی درایت و تدبیر امام حسین (ع) و همچنین ائمه بزرگوار از جمله امام صادق (ع) موجب بقای آن شد. در واقع با توجه به تنوع نهضت‌هایی که در جهان وجود دارد و مقایسه آن با

<sup>۱</sup> مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۱، ح ۱

<sup>۲</sup> ثواب الاعمال، ص ۲۴۹؛ عده الداعی، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷؛ فضل زیارة الحسین، ص ۵۳، ح ۳۲

<sup>۳</sup> المزار للمفید، باب ۲۲، ص ۵۱، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۱، ح ۱۲۰

<sup>۴</sup> جعفر پیشه، مصطفی، «آسیب شناسی فرهنگ سیاسی عاشورا»، فقه و اصول، حکومت اسلامی، بهار ۱۳۹۲، شماره ۲۷ (ISC)، ص ۲۳۴-۲۶۷

نهیضت عاشورا می‌توان این‌طور گفت که اهداف و چشم‌اندازهای نهیضت اصیل عاشورا مطابق سرشت و ذات انسانی است. از آن‌جایی که مبارزه با ظلم، تحقق عدالت و مبارزه با جهل موضوعاتی است که جهان‌شمولی بودن و مبدأ الهی داشتن آن موجب این شده است که هر انسان آزاده‌ای بتواند با آرمان‌های آن ارتباط برقرار کند. لذا می‌توان گفت که چنین نهیضتی دارای اهداف منطقی و اصیلی است که زمان و مکانی برای آن مطرح نیست و با گذشت قرون متمادی همچنان زنده و پابرجا است و می‌توان این اهداف اصیل را با هر دوره‌ای از زمان و با همه گونه‌ها و طیف‌های فکری و عقیدتی منطبق دانست. به همین دلیل است که با گذشت چهل‌هفت قرن مرام و هدف متعالی آن و افکاری که از این اهداف در اعصار مختلف منتشر شده است برای همه گروه‌های مختلف فکری و با هر سلیقه‌ای قابل فهم است و در همین امتداد افراد آگاه و بیداری هستند که برای گسترش این منظور تلاش می‌کنند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد مبتنی بر علم تاریخ، مطالعه جهان‌فرشتگان امکان‌پذیر نیست، با این حال در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که فرشتگان زائرین امام حسین (ع) را دعا می‌کنند، در واقع می‌توان به این شکل بیان کرد که با توجه به اهمیت زیادی که زیارت امام حسین (ع) دارد، که از جمله آنها آمرزش گناهان زائر است.<sup>۲</sup> این مفهوم را می‌رساند که باید از بی‌رغبتی در زیارت اجتناب کرد.<sup>۳</sup> زمان امام ششم (ع) افراد به زیارت قبور شهدا می‌رفتند ولی از زیارت امام حسین (ع) و شهدای کربلا غفلت می‌کردند و حتی حضرت را به عنوان سیدالشهدا (ع) نمی‌شناختند.<sup>۴</sup> از این‌رو حضرت صادق (ع) ایشان را به عنوان بهترین و بزرگ‌ترین شهدا معرفی کردند که برای زائرین خویش آمرزش طلب می‌کنند و کسانی که به زیارت ایشان نمی‌رفتند را جفاکار می‌دانستند.<sup>۵</sup>

از آن‌جایی که علم تاریخ و معارف دو ساحت متفاوت و مجزای از هم هستند و هر کدام چهارچوب خاص خود را دارند، لذا به دلیل اهمیت که زیارت امام حسین (ع) برای امام صادق (ع) دارد ایشان از مشایعت و همراهی فرشتگان با زائرین امام حسین (ع) سخن می‌گویند که هنگام بیماری آن‌ها به عیادت‌شان رفته و در هنگام مرگ کنارشان حاضر می‌شوند و برای ایشان از خداوند طلب مغفرت می‌کنند.<sup>۶</sup> به دلیل بایستگی و ارزش زیاد زیارت

<sup>۱</sup> قربانی، قدرت‌الله، «نهیضت عاشورا و عقلانیت دینی و سیاسی ما»، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۴۷ (علمی-پژوهشی/ISC)، ص ۳۱-۵۹

<sup>۲</sup> ثواب لاعمال، ص ۲۴۲، ح ۳۲؛ المزارالکبیر، ص ۴۳۷، ح ۴

<sup>۳</sup> امام صادق (ع): «کسی که حسین (ع) را بعد از شهادت زیارت کند بهشت از برای اوست.» الارشاد، ج ۲، باب ۴، ص ۱۳۷؛ ثواب الاعمال ص ۲۵۴، کامل‌الزیارات، باب ۲۷، ص ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹، ح ۱۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷، ح ۷

<sup>۴</sup> کامل‌الزیارات، ص ۳۵۹ و ۳۶۰، ح ۴

<sup>۵</sup> ثواب الاعمال، ص ۲۵۵، ح ۴۸ و ۴۹؛ کامل‌الزیارات، ص ۳۳۴، ح ۷؛ همان، باب ۳۲، ص ۳۳۴، ح ۷؛ همان، ص ۴۱۶، ح ۲

<sup>۶</sup> کامل‌الزیارات، ص ۶۲۱، ح ۱

سیدالشهدا (ع) غفلت از آن شایسته نیست، از این رو در احادیثی که از امام صادق (ع) وارد شده بسیار به این امر سفارش شده است و این موضوع در زنده نگه داشتن یاد و اهداف امام حسین (ع) بسیار مؤثر خواهد بود.

در واقع تشویق به زیارت امام حسین (ع) انگیزه مهم و اساسی در شناخت و نزدیک شدن افراد با اندیشه و فرهنگ عاشورا و الگو و سرمشق گرفتن از آرمان‌های این قیام است.<sup>۱</sup> بدین جهت در گفتمان امام صادق (ع) در این باره آمده است که حتی اگر خوفی در راه زیارت حضرت امام حسین (ع) وجود داشت، زیارت را نباید ترک کرد چرا که این عمل از حقوق خداوند و پیامبر (ص) بر افراد است.<sup>۲</sup> به واسطه ایشان مشکلات دنیوی و اخروی حل و غم و اندوه برطرف و حوائج برآورده می‌شود.<sup>۳</sup> صادق آل محمد (ع) بر این عقیده بودند که اگر به هر دلیلی امکان رفتن به زیارت امام سوم (ع) فراهم نباشد، مثلاً خطری از حاکمان جور متوجه انسان باشد احتیاط کند ولی شایسته است که بخاطر مصائب و آزار و اذیت‌هایی که به حضرت رسیده غمگین و حزین باشد،<sup>۴</sup> همچنین کسی که توان نیکی کردن به اهل بیت علیهم‌السلام را به واسطه زیارت آن‌ها ندارد، در عوض به دوستان شایسته آنان نیکی کند و آنها را زیارت نماید.<sup>۵</sup> امام ششم (ع) دستورالعملی را برای کسانی که به دلیل دوری راه قادر به زیارت سیدالشهدا (ع) با فواصل زمانی اندک نیستند بیان می‌دارد، این که فرد به بام خانه رفته، به جانب راست و چپ بنگرد، سپس سر خود را به سوی آسمان بلند کند و پس از آن به سوی قبر حضرت متوجه شود و به آن حضرت سلام دهد.<sup>۶</sup> تمام دستورالعمل‌های آمده به نحوی سعی در زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین (ع) و متوجه کردن اهداف آن بزرگوار برای افکار عمومی است.

### بررسی محتوایی زیارت عاشورا

فارغ از اصالت سند زیارت عاشورا که مربوط به دوران متأخر امویان است، از لحاظ ارزش‌یابی محتوای متن نیز می‌توان سندیت آن را اثبات کرد، متن زیارت عاشورا با فضای سیاسی و اجتماعی جامعه زمان انتشارش هیچ‌گونه منافاتی ندارد و تأثیری از دگرگونی دوران‌های بعدی به خود نگرفته است. در واقع نوع ادبیاتی که در متن زیارت عاشورا به کار رفته اوضاع و احوالات شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) را در آن فضا و مقطع زمانی امویان مطرح می‌کند و نوع بیان مطالبی که در متن زیارت عاشورا ارائه شده کاملاً با شرایط و اوضاع شیعیان در اواخر روزگار

<sup>۱</sup> خطیبی، کوشکک، محمد، «پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره معصومان»، مجله پیام، ویژه محرم ۱۳۸۶، شماره ۸۶، ص ۷۵-۸۸

تکامل الزیارات، ص ۴۱۱، ح ۳؛ همان، ص ۴۱۶، ح ۲؛ همان، ص ۳۹۷، ح ۴

تکامل الزیارات، ص ۵۵۶، ح ۶

تکامل الزیارات، ص ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ح ۶

ثواب الاعمال، ص ۲۶۰

السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمۃ الله و برکاته؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۰

امویان و با عواطف و احساسات جمعی شیعیان درباره مصیبت‌ها و ستم‌هایی که به اهل بیت (ع) روا شده سنخیت و هم‌خوانی دارد.<sup>۱</sup> در دوران پایانی امویان، بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های شیعی بدون در نظر گرفتن فرق مختلف آن، بر براءت و بیزاری از بنی‌امیه اجماع و تأکید می‌کردند که این موضوع نیز با محتوای زیارت عاشورا از این منظر، هماهنگی و سازگاری دارد، همچنین نکته‌ای که باید به آن پرداخت این است که در فضای کلی زیارت عاشورا که فضا و روحیات حاکم بر جامعه آن روز را نسبت به دستگاه حاکم بیان می‌کند و نسبت به آنان ابراز براءت و بیزاری شده است، نام افراد و خاندانی از جمله شمر (د. ۶۶هـ. ق) و یزید (د. ۶۴هـ. ق) و عمر بن سعد (د. ۶۷هـ. ق) و یا آل مروان و آل زیاد ذکر شده که حق خاندان پیامبر را ضایع کردند و به آن‌ها ستم روا داشتند، در متن این زیارت- نامه با بردن نام این افراد به آن‌ها لعن شده است، آمدن این اسامی در زیارت عاشورا این را می‌رساند که مردم جامعه آن روز، نام آن‌ها را می‌دانستند و با عملکرد آنها آشنایی داشتند و ضمن آگاهی از دشمنی آن‌ها با اهل بیت (ع) آنان را دشمن شیعیان و محیی خاندان پیامبر (ص) می‌دانستند.<sup>۲</sup>

عبارتی در زیارت عاشورا وجود دارد که به نظر می‌رسد تحریفی در آن صورت گرفته است که چنین بیان شده است، «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ (ع)» با توجه به معنی عبارت مورد نظر، کلمه «جَاهَدَتِ» به معنی جهاد کردن است، اگر مشتقات و ریشه‌های این کلمه در نظر گرفته شود معنی و مفهوم مثبتی از آن مستفاد می‌شود و در متون معتبر دعایی و حدیثی مفهوم پاکی و منزّه بودن و قداست داشتن را به دوش می‌کشد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، قدیمی‌ترین نسخه زیارت عاشورا در *کامل‌الزیارات* وجود دارد که در آن به جای «جَاهَدَتِ»، «حَارَبَتِ» ذکر شده است که به معنای این عبارت نزدیک‌تر است زیرا نمی‌توان به ستمگری‌ها و ظلم‌ها و جنایاتی که دشمنان امام حسین (ع)، علیه ایشان و یارانش انجام دادند نام جهاد نهاد همچنین در پی تأیید این مطلب آداب و اعمالی که از امام صادق (ع) در روز عاشورا بیان شده است، این عبارت آمده است «اللَّهُمَّ عَذِّبِ الَّذِينَ حَارَبُوا رُسُلَكَ وَ شَاقَّوْكَ، وَ عَبْدُوا غَيْرِكَ».<sup>۳</sup> در همین باب نکته‌ای نیز در *الاخبار الدخيلة* وجود دارد که این

<sup>۱</sup> در این باره می‌شود به این مطلب اشاره کرد: «در مورد فضای زیارت عاشورا و زمان جامعه انتشارش در اواخر حکومت امویان می‌توان گفت: فضای ولایت و براءتی که در متن زیارت‌نامه دیده می‌شود، با فضای نیمه اول سده دوم قمری سازگاری دارد و این امر بر کسانی که تاریخ قرقه‌های مذهبی در این دوران را مطالعه کرده‌اند پوشیده نیست.» انصاری قمی، حسن، سایت کاتبان <http://ansari.kateban.com/post/۳۷۳۷>

<sup>۲</sup> برای نمونه: «در متن زیارت عاشورا از لعن و نفرین بر آل امیه و خاندان و عوامل سفاک آن تا (ابدالآباد) سخن رفته است، نشان خوبی است بر این که این متن در زمانی ارائه شده که این خاندان‌ها بر سر قدرت بوده و منتعم از دستگاه جور امویان بوده‌اند و (اشیاع و اتباع و اولیای) آنان و به تعبیر دیگر زیارت‌نامه (امت) آنان در کار جفا بر اهل بیت بوده‌اند.» انصاری قمی، حسن، سایت کاتبان، <http://ansari.kateban.com.post/۳۷۳۷>

<sup>۳</sup> کامل‌الزیارات، ص ۸۹، ح ۷؛ سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۶۷؛ صحتی سردرودی، محمد، «عاشورا پژوهی»، انتشارات خادم‌الرضاع، چاپ دوم، زمستان ۸۵، ص ۴۳۶ و ۴۳۷

عبارت به این شکل آمده است، «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَا حَدَّتِ الْحُسَيْنِ (ع)»، «جَا حَدَّت» در این جا به معنای انکار کردن و تکذیب کردن است که به مفهوم زیارت عاشورا نزدیک تر است و به نظر می‌رسد که اشتباه نوشتاری و یا شنیداری در این موضوع رخ داده است.<sup>۱</sup>

### اشاعه احکام الهی نتیجه نهضت حسینی

اگر بخواهیم جایگاه امام حسین (ع) را از منظر امام صادق (ع) بررسی کنیم شواهدی وجود دارد مبنی بر این که بیانات امام صادق (ع) در مورد امام حسین (ع) تذکر و یادبودی از فرهنگ عاشورا است، در واقع ایشان با بیان نکاتی از سیدالشهداء (ع) و همچنین با عملکرد خود در این زمینه، به نوعی مدافع و مروج مشی و سیره امام حسین (ع) و تبعات بعد از واقعه عاشورا هستند و به طرق مختلف سیدالشهداء (ع) را به یاد مسلمانان می‌آورند. در واقع بعد از رحلت پیامبر (ص) غاصبان خلافت ایشان سعی داشتند که اذهان عمومی را از سیره و احکام الهی و همچنین شریعت اسلامی به سود منافع خود دور سازند که قیام امام حسین (ع) و فرهنگ حسینی مانع این اقدام شد، می‌توان چنین گفت که ائمه بعد از امام حسین (ع) مخصوصاً امام صادق (ع) به دلیل این که حکومت اموی سعی بر تغییر فرهنگ اسلامی داشتند راهی را برای مقابله با ستیز آن‌ها نداشتند غیر از این که مردم را متوجه این حماسه کنند و همین موضوع زمینه‌ای شد برای این که مردم به مرور زمان به این امر آگاه شوند که حق در جانب امام حسین (ع) و فرزندان ایشان نهفته است.<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) به مقتضای شرایط با بیان نکاتی از عملکرد امام حسین (ع) نحوه الگوگیری از آن حضرت را آموزش دادند، که نتیجه آن القای امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، در واقع باید هدف از نهضت عاشورا مدنظر قرار گرفته شود، لذا باید در گفتمان امام صادق (ع) در باب سیدالشهداء (ع) ماهیت این قیام بررسی شود و با این که از لحاظ عاطفی هم باید به این موضوع نگریست ولی صرفاً این مسئله نباید مورد توجه باشد و انگیزه‌ها و آرمان‌های دیگر این قیام را تحت الشعاع قرار دهد، لذا در این راه دستورالعمل‌های آمده تنها ابزاری برای آگاه شدن و دنبال کردن هدفی والا است.<sup>۳</sup> موضوعات آمده در باب واقعه عاشورا و امام حسین (ع)، اهمیت واقعه عاشورا را از دیدگاه امام صادق (ع) نشان می‌دهد. زیارت اباعبدالله الحسین (ع) آنقدر از شأنت بالایی برخوردار است که

<sup>۱</sup> محمد تقی شوشتری، الاخبار اللخيله، ج ۳، ص ۳۱۸

<sup>۲</sup> خطیبی، کوشکک، محمد، پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره معصومان، مجله پیام، ویژه محرم ۱۳۸۶، شماره ۸۶، ص ۷۵-۸۸

<sup>۳</sup> قربانی، قدرت الله، نهضت عاشورا و عقلانیت دینی و سیاسی ما، علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۷۴، ص ۳۱-۵۹

در حدیثی از امام صادق (ع) حتی فاصله زمانی رفت و آمد زائر به حرم امام حسین (ع) جزء عمرش به حساب نمی آید،<sup>۱</sup> این نکته می تواند این مفهوم را برساند که امام ششم شیعیان (ع) برای این که محرک و مشوق فرهنگ حسینی (ع) باشند اهمیت زیارت امام حسین (ع) را به مؤمنین و شیعیان به این طریق گوشزد می کنند. در واقع زیارت امام حسین (ع) تأکیدی بر زنده و پویا نگه داشتن یاد و نام ایشان می باشد و یکی از عوامل مهم در نزدیکی محبین اهل بیت (ع) به فرهنگ عاشورا است. زیارت همه ائمه (ع) ارزشمند است ولی در روایات در مورد هیچ کدام از امامان مانند امام حسین (ع) بر زیارت مزار ایشان تأکید نشده است و این می تواند به دلیل تأثیرات و بازخورد بی نظیر و فوق العاده مثبت آن در آبادانی معنوی و نمو جامعه اسلامی باشد.<sup>۲</sup>

### جایگاه تربت امام حسین (ع) در فرهنگ شیعه

از مجموع روایات در رابطه با تربت اباعبدالله الحسین (ع) این طور می توان نتیجه گرفت که به واسطه مقامی که حضرت نزد خداوند دارد شفا در تربت آن حضرت قرار داده شده است<sup>۳</sup> و به تعبیر امام صادق (ع) دواء اکبر است.<sup>۴</sup> همچنین امان از بلاها و هر خوف و ترس است،<sup>۵</sup> تربت امام حسین (ع) در واقع یادآور مصائب و ارزش های واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) است و این می تواند در بازه زمانی طولانی موجب استمرار یاد و اهداف و شعار امام حسین (ع) باشد.

طبق بعضی از روایات تربت را می توان از میان محل قبر مبارک تا یک میل<sup>۶</sup> برگرفت، البته می توان این نکته را بیان کرد که هر چه قدر نزدیک تر به قبر باشد بهتر است. اعتقادات و آدابی که برای توجه دادن به امام حسین (ع) در خصوص تربت امام حسین (ع) بیان شده و مستند به احادیثی از ائمه (ع) از جمله امام صادق (ع) هم شده این است که از لحاظ فقهی خوردن گِل و خاک به هیچ عنوان جایز نیست مگر تربت امام حسین (ع)، آن هم به اندازه سر بند انگشت کفایت می کند،<sup>۷</sup> همچنین باعث برکت و روزی<sup>۸</sup> و امان از هر خوف و ترسی است،<sup>۱</sup> همچنین سفارش شده

<sup>۱</sup> اعلام الوری، بخش ۳، ص ۳۱۴، طوسی، امالی، ص ۳۱۷، ح ۶۴۴

<sup>۲</sup> ری شهری محمدی، محمد، دانشنامه امام حسین (ع)، ج ۱، ص ۳۹۹

<sup>۳</sup> تکفایه الاثر، ص ۱۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۸۶، ح ۱۰۷، علة الداعی، ص ۵۶؛ مزار للمفید، ص ۱۴۳، ح ۳؛ مزار کبیر، ص ۳۶۱؛ مصباح المتجهّد، ص ۷۳۲؛ مصباح الزائر، ص ۲۵۵

<sup>۴</sup> تکامل الزیارات، ص ۸۳۵، ح ۳

<sup>۵</sup> تکامل الزیارات، ص ۸۵۱، ح ۴

<sup>۶</sup> مزار الکبیر، ص ۳۶۱، مزار للمفید، ص ۱۴۳، ح ۳

<sup>۷</sup> تکامل الزیارات، ص ۸۴۴، ح ۸

<sup>۸</sup> همان، باب ۹۳، ص ۸۴۶، ح ۳

شده به سقف دهان فرزندان مالیده شود،<sup>۲</sup> و مستحب است که قدری تربت حسینی به همراه کسی که از دنیا رفته گذاشته شود،<sup>۳</sup> و در جای دیگر آمده با حنوط<sup>۴</sup> مخلوط گردد.<sup>۵</sup> سجده بر تربت امام حسین (ع) مستحب است و به واسطه تربت حضرت موانع عبودیت از بین می‌رود و از منزلت والای تربت ایشان استفاده به عنوان مهر در نماز است که در روایت آمده که باعث قبولی آن می‌شود.<sup>۶</sup> همچنین فضیلت دارد که با تربتش تسبیح ساخته شود و با چنین تسبیحی ذکر گویند.<sup>۷</sup> سرزمین کربلا و تربتش به خاطر وجود با برکت امام حسین (ع) در آنجا کرامت پیدا کرد و مقدس شد و این مباهاتی برای این سرزمین نسبت به مکان‌های دیگر است.<sup>۸</sup> از مجموع روایاتی که در این موضوع آمده می‌توان به این نتیجه رسید که حریم تربت حسینی را باید پاس داشت و نباید زیر دست و پا بماند و یا آلوده شود و به گونه ای با آن رفتار کرد که بی‌احترامی تلقی شود، در واقع از اخباری که از امام صادق (ع) آمده این نکته مستفاد می‌شود که سجده بر تربت اباعبدالله الحسین (ع) و حراست از آن به منزله یادآوری این اثر و رشادت‌های او و یارانش در مقابله با تحلیل و تشریح‌های منحط و گمراهانه از مقاصد و اهداف حرکت بزرگ و مقدس امام حسین (ع) است که انسان را از تفکر و متوجه کردن به این جنبش و برخاسته‌گی الهی بازدارد.<sup>۹</sup>

کلمه حائر اولین بار توسط امام صادق (ع) درباره آداب زیارت امام حسین (ع) به کار برده شده است. صادق آل محمد (ع) حدّ حریم قبر مطهر جدّشان را از هر طرف یعنی از جانب سر، پا، جلو و پشت پیکر حضرت سیدالشهدا (ع) ۲۵ ذراع<sup>۱۰</sup> و در حدیثی منتسب به ایشان از هر چهار طرف یک فرسخ<sup>۱۱</sup> می‌دانند که مساحت به دست آمده، حریم قبر سیدالشهدا (ع) است، با توجه به روایت آمده، اگر بخواهیم حد فرسخ شرعی را در نظر بگیریم، معادل پنج تا پنج و نیم کیلومتر خواهد شد، که دور از ذهن است فاصله بین قبر تا پنج کیلومتر بعد از آن تربت امام حسین (ع) به حساب آید. در واقع می‌توان گفت مساحتی است که دیوارهای صحن، آن را احاطه کرده است و ساختمان‌هایی که به قبه شریفه متصل است، همچنین مسجدی که در پشت آن قبه قرار دارد جزء حائر

<sup>۱</sup> همان، ص ۸۴۷، ح ۴

<sup>۲</sup> همان، باب ۹۲، ص ۸۴۵، ح ۲

<sup>۳</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۳۶، ح ۷۵

<sup>۴</sup> دارویی معطر مانند کافور که پس از غسل میت به جسد می‌زنند تا دیرتر متلاشی شود.

<sup>۵</sup> همان، ص ۱۳۳، ح ۶۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶، ح ۱۸

<sup>۶</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۳۵، ح ۷۴

<sup>۷</sup> همان، ص ۱۳۲، ح ۶۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۵، ح ۱۶

<sup>۸</sup> سه مقل گویا در حماسه عاشورا، ص ۲۲۰

<sup>۹</sup> خطیبی، کوشکک، محمد، پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره معصومان، مجله پیام، ویژه محرم ۱۳۸۶، شماره ۸۶، ص ۷۵-۸۸

<sup>۱۰</sup> کامل‌الزیارات، ص ۸۲۵ و ۸۲۶، ح ۴

<sup>۱۱</sup> همان، باب ۸۹، ص ۸۲۳ و ۸۲۴، ح ۱

حسینی محسوب میشود<sup>۱</sup>. بعضی از افراد بر این باورند که امام حسین (ع) بعد از شهادت در گودی یا گودالی افتادند، معتقد بودن به این مطلب کمی دور از باور است ولی می‌توان این طور توجیه کرد که به طور طبیعی هر بیابانی دارای پستی و بلندی‌هایی است که کربلا نیز از این قاعده مستثنی نبوده است، در واقع می‌توان این طور بیان کرد که ممکن است امام حسین (ع) در لحظات شهادت بعد از اصابت تیرهای فراوان، خود را به سمت پستی‌های زمین کشانده است تا نحوه شهادت و حال جسمانی‌شان دور از دید اهل حرم باشد و همچنین از دیدرس دشمنان محفوظ بمانند، ولی از جهت دیگری می‌توان چنین گفت که ایشان با جراحات بی‌شماری که داشتند و همچنین محاصره افراد دشمن توان رفتن به سمت گودی یا گودالی را نداشتند.

در هر صورت مزار کنونی امام حسین (ع) کمی پایین‌تر از سطح زمین است و این شاید به دلیل حمله و تهاجم به قبر و حائر حسینی توسط مخالفان و دشمنان اهل بیت (ع) در طول دوره‌های مختلف می‌تواند باشد.<sup>۲</sup> از منظر امام صادق (ع) هر کدام از اهل بیت (ع) که شهید می‌شدند مردم به عنوان دلداری و تسکین سراغ معصوم بعدی می‌رفتند و به لحاظ دینی و معنوی به نوعی به معصوم بعدی تکیه می‌کردند، اباعبدالله‌الحسین (ع) آخرین فرد از اصحاب کساء بود، وقتی شهید شدند گویی شیعیان همه آن پنج تن را از دست دادند و از همین روی روز عاشورا بزرگترین روز ماتم و اندوه و بی‌تابی و همچنین باعث ذلت مردم بود.<sup>۳</sup>

### تحلیل انتقادی روایات و اخبار عاشورایی

بعد از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) آن هم به آن شکل فاجعه‌بار، خلفای اموی نیاز به تبلیغات بسیار وسیع و گسترده‌ای داشتند که حقایق و واقعیات قیام عاشورا را وارونه جلوه دهند و مانع رسیدن اخبار صحیح به گوش پیروان اهل بیت (ع) و هر انسان آزاد اندیشی شوند، لذا به این منظور با جعل و تحریف اخبار و روایات مربوط به عاشورا از طریق روّات و مورخان وابسته به دستگاه حکومتی، مانع رسیدن رویدادها و حوادث صحیح به مردم می‌شدند. بر ساختگی این گزارشات توسط افرادی صورت می‌گرفت که در چهارچوب فرهنگ و اسلام معاویه رشد کرده بودند و یا از تابعین بنی امیه بودند و حمایت از این خاندان را به عنوان یک فریضه و خدمت رسانی به خلفای اموی تلقی می‌کردند. در نتیجه چنین تفکر و اندیشه‌ای دور از ذهن نمی‌نماید که برای سیدالشهداء

<sup>۱</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۷

<sup>۲</sup> رفعت، محسن؛ «نگاهی انتقادی به محل شهادت امام حسین (ع)»، تحلیل پنداره گودال قتلگاه»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۲۸ (علمی) -

پژوهشی)، ص ۵۷-۸۰

<sup>۳</sup> علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۶۲، ص ۷۳۳، ح ۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، بخش ۳۲، ص ۲۸۸



(ع) و خون او ارزش و کرامت و عزّتی قائل نباشند. بر اساس همین پندار غلط و اشتباه است که طی دوران‌ها و قرون متمادی اخبار مربوط به عاشورا دچار دگرگونی شد و حامیان فرهنگ اموی همچنان با چشم پوشی مغرضانه بر واقعیات، اخبار عاشورا را جعل کردند. از طرفی دیگر بنی امیّه افرادی را با وعده‌های دنیایی و بعضاً با تهدید و تطمیع در اختیار خود گرفته بود که احادیث و اخباری را در برتری دادن خلفای اموی نسبت به ائمه (ع) در بین مردم انتشار دهند، از آن جا که آن افراد از لحاظ تقوا و درست‌کرداری در بین عامه مردم شهره بودند و همچنین به دلیل اعتمادی که مردم به آن‌ها داشتند اگر سخنی از آنها در بین مردم منتشر می‌شد آن را حق می‌دانستند.<sup>۱</sup> در واقع در جامعه ملتهب بعد از واقعه عاشورا سخن گفتن از امام حسین (ع) با مجازات همراه بود که این روند سالیانی طولانی ادامه داشت. شاید یکی از دلایلی که علما و پیشوایان دین با علم به این که تحریفاتی در گزارشات مربوط به واقعه عاشورا صورت گرفته سکوت کردند می‌تواند این باشد که تمام اهتمام و توجه‌شان به این معطوف بود که مبادا با تصحیح منابع روایی در فضای اختناق حاکم زمینه از بین رفتن اصل عاشورا برای دشمنان دین فراهم شود.<sup>۲</sup>

در هر صورت در چنین جامعه‌ای که سعی‌شان برای از بین بردن فرهنگ و سیره اهل بیت (ع) معطوف بود و اگر نامی از امام علی (ع) و فرزندانش در بین مردم به میان می‌آمد با مجازات همراه بود یافتن احادیث معتبر و متقن از حوادث واقعه عاشورا بسیار مشکل می‌نمود و اگر هم نکته و یا مطلب صحیحی از امامان معصوم (ع) در این باب به میان می‌آمد با رمز و اشاره همراه بود و از امام حسین (ع) با عناوین کلی مانند مظلوم یاد می‌کردند.<sup>۳</sup> برخی از جاعلین احادیث نیز بر این عقیده بودند که مهمترین هدف در مسئله عاشورا پر رنگ کردن موضوعات غلوآمیزی است که به هر طریقی بر پایه دروغ بنا شده است. پیروان این عقیده بر این باورند که مهم دست‌آورد و سرانجام آن موضوع است. همین مسئله باعث شد که داستان‌ها و قصه‌های تخیلی زیادی در محدوده موضوع عاشورا شکل گیرد و تصوّر این افراد این بود که با هدف جلب توجه مردم به داستان‌ها و روایات جعلی دل‌های مردم را به امام حسین (ع) نزدیک کنند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۳؛ هاشم معروف الحسینی، اخبار و آثار ساختگی، ص ۱۴۵ و ۱۴۶؛ صحتی سردرودی، محمد، «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵

<sup>۲</sup> صحتی سردرودی، محمد، «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵

<sup>۳</sup> ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۳؛ همان

<sup>۴</sup> برای نمونه ملا مهدی نراقی در مقدمه کتاب محرق القلوب چنین نوشته است، «نقل اخبار ضعیفه و غیر معتبره در حکایات و وقایع پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) او، جایز است و هر گاه خبر ضعیفی دلالت کند بر این که گریه بر امام حسین (ع) فلان قدر ثواب دارد و کسی آن خبر را بشنود و به نیت رسیدن به آن ثواب بگرید، حق تعالی آن ثواب را به او کرامت می‌فرماید... به همین جهت ما نیز در این کتاب اخبار ضعیفه را با اخبار ضعیفه می‌آوریم.» ملا مهدی نراقی، محرق القلوب، ص ۲۰ و ۲۱؛ صحتی سردرودی، محمد، «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»، انتشارات خادم الرضا (ع)، چاپ دوم، زمستان ۸۵

در واقع نباید به محض دیدن خبری و یا روایتی در رابطه با واقعه عاشورا که به معصوم نسبت داده شده است بدون تحقیق در رابطه با سندش آن سخن را پذیرفت. با باور برخی از افراد ساده اندیش به این گونه اسطوره-سازی‌ها، زمینه از بین رفتن و یا کم‌رنگ شدن عقاید اصیل اسلامی و شیعی فراهم می‌شود. در حقیقت چه ضرورتی دارد که سخنی که با عقل و مستندات و واقعیات تاریخی منطبق نیست باور و نقل کرد؟ چرا باید با بیان داستان‌های نامعقول و غیرمنطقی که هیچ اصلتی ندارند باعث شد که منتقدان و دشمنان اسلام زبان به سخره و استهزاء باز کنند؟ واقعه عاشورا هر چند بسیار تلخ و فاجعه بار بود ولی بعضی از تحریفات و مجعولاتی که در خصوص اخبار عاشورا صورت گرفته است حالت اغراق آمیز و افسانه دارد. مثلاً روایاتی وجود دارد که با عقل و منطق سازگاری ندارد. از جمله این که در کتاب *اسرار الشَّهادة* ملا آقادر بندی (د. ۱۲۸۶ هـ ق) درباره تعداد افرادی که از کوفه به قصد قتال با سیدالشهداء (ع) آمده‌اند صحبت کرده است و تعداد افراد را یک میلیون و ششصد هزار نفر دانسته است، که از این تعداد فقط سیصد هزار نفر آن را امام حسین (ع) کشته است. اول این که شهر کوفه در زمان حادثه کربلا تازه تأسیس بود و قابل تصوّر نیست که یک چنین جمعیتی داشته باشد و این که دور از ذهن است که امام حسین (ع) توانسته باشند به تنهایی سیصد هزار نفر را از بین ببرند! حداقل از لحاظ زمانی یعنی از صبح تا بعدازظهر امکان چنین کاری وجود ندارد.<sup>۱</sup>

در برخی مواقع بین تاریخ و مباحث مربوط به اصول اعتقادی و علم کلام اختلافاتی به وجود می‌آید از آن جهت که ممکن است نقل‌هایی واحد از یک واقعه تاریخی در تقابل با بیاناتی از ائمه اطهار وجود داشته باشد که در مواردی این چنین باید جانب حقیقت را گرفت و در آن جایی که اخباری از لحاظ سند و مدارک، محکم و منطقی باشند باید در اعتقادات تجدید نظر کرد. در واقع به هر اعتقادی نمی‌شود اطمینان کرد و باید محل دریافت موضوعی که به صورت اعتقاد در آمده است بررسی شود و لازم است در جستجو و اثبات درستی اخبار تاریخی کوشید لذا اعتقادات را باید به سمت حقایق متقن و مبرهن سوق داد.<sup>۲</sup> اخبار و عقایدی درباره این که چه کسی امام حسین (ع) را دفن کرده است وجود دارد. یک عقیده این است که امام حسین (ع) و یارانش توسط افرادی از قبیله بنی اسد دفن شده‌اند و کتبی هم که واقعه کربلا را گزارش کرده‌اند به این خبر اذعان دارند.<sup>۳</sup> اعتقاد دیگر این است که امام

<sup>۱</sup> مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۴ و ۴۵

<sup>۲</sup> مهدی، سمایی؛ مشهورات بی‌اعتبار، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۹۷

<sup>۳</sup> مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۵؛ بلاذری، اخبار الطوال، ص ۲۶۰؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۲، خوارزمی، مقتل، ج ۲، ص ۳۹؛ ابن طاووس، لهوف، ص ۱۹۰؛ ابن نماحلی، مئیرالاحزان، ص ۸۵؛ زیارت ناحیه مقدسه، ص ۴۹۹

حسین (ع) به دست امام زین العابدین (ع)<sup>۱</sup> و با همراهی قبیله بنی اسد دفن شده است، با بررسی‌هایی که بعضی از پژوهشگران در این رابطه انجام داده‌اند این مطلب در هیچ کدام از منابع متقدم و متأخر وجود ندارد. در توضیح این مطلب که امام را حتماً باید امام معصوم دفن کند می‌توان گفت که اعتقادی که در بین عامه شهرت پیدا می‌کند نمی‌تواند حجّت باشد مگر این که بر اساس قرائن و براهین معتبر قابل استناد باشد. در حالی که روایاتی که این موضوع را نقل کرده‌اند از لحاظ سند فاقد اعتبار هستند و نمی‌شود به آن اطمینان حاصل کرد. این خبر اولین بار هزار و دویست سال بعد از واقعه عاشورا در قرن سیزده در کتاب *الدّمعة السّاکبه* نقل شده است.<sup>۲</sup> در واقع می‌توان گفت که اگر یک چنین مطلبی حقیقت داشت حتماً باید در کتب معتبر و توسط راویان موثق به عنوان یکی از خصیصه‌ها و مشخصه‌های امامان معصوم (ع) مطرح می‌شد.<sup>۳</sup> در نتیجه فرضیه مربوط به دفن امام حسین (ع) توسط امام سجّاد (ع) فاقد اعتبار است و ساختگی می‌باشد.<sup>۴</sup>

بعد از دوران صفویه در متون تاریخی، ائمه معصومین (ع) و از جمله امام حسین (ع) با القابی مانند شاه مردان و یا شاه دین یاد شده‌اند که در متون تاریخی قبل چنین عناوینی به ایشان داده نشده است. نظر برخی از متون پژوهشی در این باره چنین است که دادن یک چنین القابی به امام حسین (ع) دور از شأن این امام معصوم است و به نوعی انتساب یک چنین القابی به حضرات معصومین (ع) و به خصوص امام حسین (ع) را تنزل جایگاه آن بزرگواران می‌دانند.<sup>۵</sup> در توضیح این مطلب باید گفت که در جامعه و فرهنگ ایرانی کلمه شاه به نوعی با بزرگی، شکوه و احترام همراه است. دادن عناوینی مانند شاه مردان نیز دقیقاً همین معنا را دارد و برخاسته از سنت جوان مردان است و از آن جایی که امامان معصوم ما در جایگاه و رتبه والایی از لحاظ انسانیت قرار داشتند، دادن یک چنین القابی در فرهنگ ایرانی، برخاسته از سنت و مرام جوان مردی است. لذا چون تثبیت تشیع از زمان صفویان به

<sup>۱</sup> بهبهانی، محمدباقر، *الدّمعة السّاکبه*، ج ۵، ص ۱۱

<sup>۲</sup> خیر دفن امام حسین (ع) توسط امام سجّاد (ع) که در کتاب *الدّمعة السّاکبه* آمده است بدین شرح است: «هنگامی که بنی اسد برای دفن امام و شهدا آمدند عربی بادیه نشین را دیدند که آن‌ها را برای دفن شهدا راهنمایی کرد، اما نگذاشت در دفن امام شرکت کنند و گفت: «معنی من یعنی؛ با من کسی است که مرا یاری کند.» آن گاه بیکر امام را به تنهایی بلند کرد و با او سخن گفت... بعد از آن امام را دفن نمود و بر قبر خاک ریخت و با دستانش روی آن نوشت: «هذا قبر حسین بن علی بن ابيطالب الذی قتلوه عطشانا». پس از دفن امام، به راهنمایی مرد بادیه نشین و با کمک بنی اسد، حضرت عباس و شهدا را دفن کردند. بنی اسد از هویت او سؤال کردند. مرد عرب گریه‌ای کرد و گفت: «انا امامکم علی بن الحسین»، و سپس ناپدید شد. با توجه به این که در آن زمان کاروان اسرا در مسیر کوفه بودند، در نتیجه این کار معجزه‌ای بود که از امام پدید آمد. بهبهانی، محمدباقر، *الدّمعة السّاکبه*، ج ۵، ص ۱۱

<sup>۳</sup> درباره این که حتماً باید امام را امام غسل دهد مطلبی در کتاب *دمع السجّوم* از میرزا ابوالحسن شعرانی آمده است که بدین شرح است: «این که باید حتماً مباشر غسل معصوم، معصوم باشد، بین متأخرین اخباریین معروف شده است و در میان علمای سابق، که عارف به مسائل کلام و عقاید این فرقه بودند ثابت نبود و این همه کتاب که قدما در کلام و اصول عقاید و یا خصوص امامت نوشتند و شرایط امامت را برشمردند، از این معنا نام نبردند.» شعرانی، *دمع السجّوم*، ص ۳۴۷

<sup>۴</sup> سیمایی، مهدی، *مشهورات بی اعتبار*، قم، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۹۷

<sup>۵</sup> صحتی، سروردی، محمد؛ «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»؛ انتشارات خادم الرضا (ع)؛ زمستان ۸۵

بعد بوده طبیعی است که از این دوره به بعد در تاریخ ادبیات فارسی چنین القایی برای ائمه (ع) باب شود. برخی از اخبار غلوآمیز و برساخته‌ای که طی دوران‌های متمادی در زمینه اخبار عاشورایی به وجود آمده است می‌تواند این باشد که تعدادی از گویندگان و مرثیه‌خوانان مصائب عاشورا بدون مطالعه منابع معتبر و دست اول، نکات عوامانه‌ای را در مجالس عزاداری مطرح می‌کنند. این افراد بیشتر در صدد هستند که بدانند چه داستان و یا افسانه‌ای مورد قبول و طبع مردم است که با مطرح کردن آن گریه بیشتری از افراد بگیرند و با تکرار داستان‌های ساختگی و یا گفتن زبان حالی که مستند به هیچ کتاب معتبر و متأخری نیست، اکاذیب و دروغ‌های مختلفی در مورد واقعه عاشورا را وارد فرهنگ دینی مردم می‌کنند.<sup>۱</sup>

احادیث و روایاتی منتسب به امام صادق (ع) در رابطه با گریه کردن و یا خون گریستن آسمان بعد از واقعه عاشورا وجود دارد که در واقع برای القای عظمت واقعه عاشورا و تأثیر گذاری عاطفی آن بر شیعیان بیان شده است. مثلاً در مجموع روایاتی که در حول این موضوعات آمده است نکات ضد و نقیضی نیز وجود دارد از جمله این که مقدار زمان رؤیت سرخی یا بارش خون در آسمان مختلف ذکر شده است. موضوعی که باید به آن پرداخت این است که در طول دوره‌های متقدم و بر مبنای علوم دیگر از جمله علم جغرافیا و یا نجوم و یا حتی علم تاریخ، چه در حوزه علوم اسلامی و یا غیر اسلامی اتفاق و رخدادهایی از این دست ثبت نشده است.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که اگر این رویداد فقط در آن شهر و محدوده محل زندگی راوی روی داده است باید اکثر افراد آن منطقه این رویداد بی‌بدیل و بی‌نظیر را به صورت متواتر و دهان به دهان نقل کرده باشند، به طوری که از یک چنین رویداد مهم و منحصر به فردی باید همه مردم آگاه باشند، در صورتی که به این شکل نبوده است و روایاتی که در رابطه با این موضوع مطرح شده است یا مرسل هستند و یا اینکه به لحاظ سند ضعیف هستند. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که وجود متن‌های متعددی از یک روایت دلیل بر متقن بودن آن نیست و باید بر طبق سلسله سند روایی آن پیش رفت. این دست روایات را از منظر دیگری نیز می‌توان بررسی کرد، که البته به حوزه علم تاریخ ارتباطی پیدا نمی‌کند و آن این که می‌توان این طور توجیه و بیان کرد که ممکن است این نوع موضوعات در فضا و چهارچوب علم کلام و عرفان صورت گیرد که عقول مادی از پرداختن به این مسائل میرا است و به غیر از اهل بیت (ع) که آن هم به اذن الهی است هر کسی قابلیت درک این مسائل و موضوعات را ندارند.<sup>۲</sup> به نوعی بیان گریه کردن موجودات، مخصوصاً موجودات ملکوتی می‌تواند توجیهی بر روایاتی از این

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> از جمله روایاتی که از طریق موضوعات معنوی و کلامی به نحوی می‌تواند تغییرات به وجود آمده در عالم را بعد از واقعه عاشورا توجیه کند بدین شرح است: «محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری، از عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، از ابی

دست باشد تا عالم واقع را تحت تأثیر قرار دهد. ولی اگر با نگاه تاریخی بررسی شود خود به خود همه این‌ها فاکتور گرفته و کنار گذاشته می‌شود و با توجه به احادیث بررسی شده در این زمینه در واقع یک نگاه اسطوره محور به واقعه عاشورا وجود دارد و بیشتر به نوعی اطلاق احساسات درونی بر واقعیات بیرونی است و البته دور از ذهن نیست که برای القای عمق واقعه عاشورا و بیش از حد عاطفی جلوه دادن بدون پرداختن به اهداف امام حسین (ع) در این رویداد، حوادثی غیر عادی از جمله خون باریدن و یا پدیدار شدن سرخی در آسمان دستاویز قرار گیرد.

همچنین باید گفت که با بررسی سلسله سند روایات در این موضوع، این نکته مشهود است که گزارش کنندگان این روایات، اکثراً شامی هستند از این رو این قسم از گزارشات بیشتر در بیت المقدس و شام روی داده است. محدثان شامی در بیان مطالب غرض ورزانه و توأم با اوهام و خیال نسبت به اهل بیت معروف هستند. مثلاً در روایتی آمده است که اسرا در شهر شام زندانی یزید بودند ولی وقایع غیر عادی از جمله جوشیدن خون تازه از زیر سنگ‌ها و یا سرخ شدن آسمان در بیت المقدس دیده شده است و وقتی که آن‌ها را از شام به مدینه منتقل کردند تمام رویدادها و اتفاقات غیرطبیعی به حالت اولیة خود بازگشته است. بیت المقدس در تحت سلطه و نفوذ یزید بود ولی او در شام حکومت می‌کرد، چه لزومی داشت که این اتفاقات غیر طبیعی در بیت المقدس رخ دهد در حالی که اهل بیت (ع) به همراه سر امام حسین (ع) در مقرر حکومت یزید یعنی در شام حضور داشتند و از سویی دیگر واقعه عاشورا در سرزمین کربلا رخ داده است، چرا باید اتفاقات غیر عادی و خارق عادت در مکان دیگری رخ دهد؟<sup>۱</sup>

---

یعقوب از ابان بن عثمان، از زراره نقل نموده که وی گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: ای زراره آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیهما السلام خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عبید الله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشک آلود بود و هر گاه جدم یاد آن حضرت را می‌نمود محاسنش از اشک خیس می‌گشت بطوری که هر کس آن جناب را می‌دید به حالش ترخم نموده و از گریه‌اش به گریه می‌افتاد و فرشتگانی که نزد قبر آن حضرت هستند جملگی می‌گریند و از گریه ایشان تمام فرشتگان در آسمان و زمین گریه می‌کنند، هنگامی که روح مطهر آن حضرت از کالبد شریفش خارج شد دوزخ فریاد و بانگی زد که نزدیک بود از صدای آن زمین منشق شود و زمانی که روح خبیث عبید الله بن زیاد و یزید بن معاویه از بدن کثیفشان خارج گردید جهنم جیغی کشید که اگر حق تعالی بوسیله فرشتگان حافظ دوزخ آن را کنترل و حبس نمی‌نمود تمام موجودات روی زمین از هیبت آن می‌سوختند و اگر آتش جهنم از حق تعالی اذن می‌داشت هیچ جنبه‌ای را روی زمین باقی نمی‌گذارد بلکه تمام را می‌بلعد منتهی مأمور و اسیر فرمان او است و بدون امر حق جلت عظمته حرکتی از آن صادر نمی‌شود و مع ذلک چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا بالأخره جبرئیل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساکت گردید. ولی در عین حال از آن تاریخ به بعد بر حضرتش گریه و ندبه کرده و پیوسته بر قاتلین او زبانه می‌کشد و اگر حجت‌های خدا روی زمین نمی‌بودند آن را واژگون می‌کرد و لرزش‌های زمین و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر صرفاً در وقت قیامت، «کامل الزیارات»، ص ۲۵۸، ح ۶

<sup>۱</sup> رفعت، محسن؛ رحمان ستایش محمد کاظم؛ حجازی مریم السادات، «روایات عاشورایی کانل الزیارات در بوته نقد»، مجله شیعه پژوهی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۰۷-۱۴۰

فرهنگ عاشورا و قیام امام حسین (ع) حقیقتی است که در واقع به نوبه خود به فرهنگ اسلام اصالت داد و می توان از زمینه های وقوع این واقعه و همچنین از چرایی این حادثه درس گرفت. انگیزه های فراوانی برای تحریف اخبار واقعه عاشورا از سمت افراد مغرض و وابسته به امویان وجود داشت، آن ها برای تثبیت و تحکیم حاکمیت خود نیاز داشتند که احادیث و حتی اتفاقات و حوادث تاریخی را به نفع خود تغییر و دست کاری کنند و با تغییر واقعیات قیام عاشورا سعی در عوام فریبی و کم رنگ کردن عقاید مردم در این زمینه داشتند. دشمنان امام حسین (ع) و در اصل دشمنان اسلام بر این باور بودند که با کشتن سیدالشهداء (ع) در بیابانی خارج از کوفه می توانند نور اسلام و حقیقت را خاموش کنند و هیچ کس نیز از این موضوع مطلع نخواهد شد همچنین بعد از شهادت امام حسین (ع) نیز با روایاتی اغراق گونه منتسب به ائمه (ع) سعی در خراب کردن وجهه آن ها داشتند. مثلاً در روایاتی منتسب به امام صادق (ع) به گونه ای اغراق آمیز در مورد اتفاقات غیر عادی دیگری صحبت شده است از جمله این که بعد از شهادت امام حسین (ع) عکس العمل و گریه تمام مخلوقات و جنبندگان و تمام موجوداتی که خداوند آفریده و همچنین تمام موجودات مرئی و نامرئی صحبت شده است.

از جمله مواردی که می توان به آن اشاره کرد این است که بر خلاف تصور عامه مردم که انگشت حضرت را در رویداد کربلا از انگشتش بیرون کشیدند امام صادق (ع) نظر دیگری دارند و آن این است که در روز عاشورا حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ضمن وصیت به پسرش امام زین العابدین (ع) انگشت را به ایشان سپرد،<sup>۱</sup> از آنجایی که انگشت جزء مواریث معصومین است، اگر نقل هایی حاکی بر این باشد که انگشت مبارک حضرت را به خاطر انگشت قطع و آن را ربودند شاید منظورشان انگشت دیگری باشد.<sup>۲</sup>

در روایاتی منتسب به امام صادق (ع) آمده است که وقتی حضرت ابوالصالح مهدی (عج) ظهور کردند به انتقام خون اباعبدالله الحسین (ع)، فرزندان قاتلین سیدالشهدا (ع) را به خاطر کردار پدران شان می کشد و این کار به این دلیل است که به عملی که در رابطه با امام حسین (ع) و اهل بیتش (ع) انجام دادند رضایت داشتند و به بلایی که آنها بر سر نوه پیامبر (ص) آوردند افتخار می کردند و هیچ کراهتی در این باب از خود نشان نمی دادند.<sup>۳</sup> در این باره می توان گفت که این روایت فاقد اعتبار است، بافت حدیث این را می رساند که کسی که به قتل رسیده از فرزندان قاتل می شود انتقام گرفت که در واقع منطق غلطی است. این حدیث متأسفانه به زبان امام صادق (ع) منتسب شده است. در واقع این طرز تفکر مبتنی بر نگاه سنتی عربی است که خون را در برابر خون می داند، دیدگاه آن ها به

<sup>۱</sup> صدوق، امالی، مجلس ۲۰، ج ۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۷ ف ح ۲۳

<sup>۲</sup> ری شهری محمدی، محمد، دانش نامه امام حسین، ج ۱، ص ۲۱۳

<sup>۳</sup> علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۴۱ و ۷۴۲

این شکل بود که اگر از خود مجرم به هر دلیلی زمینه انتقام فراهم نمی‌شد از فرزندان و یا کسان او انتقام می‌گرفتند. لذا می‌توان چنین گفت که این موضوع مبتنی بر عدالت نیست و با روح آیات الهی و همچنین فقه امامیه سازگاری ندارد و در تضاد است. کسی که به کار منکر شخص دیگری راضی باشد صرفاً در گناه او شریک است ولی حکمش مرگ نیست، حداقل در دنیا نمی‌شود مجازات مبتنی بر رفتار او را داشت و به او نسبت قاتل را داد.

حدیثی منتسب به امام صادق (ع) وجود دارد که در میان عامه مردم نیز بسیار مشهور است و مبنی بر این که «کلُّ یومِ عاشورا و کلُّ ارضٍ کربلا»، با توجه به بررسی‌ها پژوهش‌های صورت گرفته منبع و مأخذ معتبری برای این حدیث یافت نشده است. در واقع هیچ سند معتبر و یا حتی مرسل و یا ضعیفی از باب این که این روایت را نقل کرده باشند وجود ندارد. از آن جا که بزرگ‌ترین شاخصه و نشانه امام صادق (ع) و همچنین پدر بزرگوارشان و در واقع همه ائمه اطهار سعی و همت خود را معطوف بر توضیح و تبیین دانش و تدریس مباحث علمی و اثبات احکام الهی می‌کردند، نسبت دادن یک چنین روایتی که مفهومی دور از این اهداف دارد و به نوعی جنگ و خون ریزی را بیان می‌کند دور از ذهن می‌باشد.<sup>۱</sup> روایاتی در منابع روایی متقدم وجود دارد که کاملاً در مغایرت و تضاد با این سخن است از جمله این که از امام حسن (ع) روایت شده است که «لا یومَ کیومکَ یا ابا عبد الله ای ابا عبد الله! هرگز روزی چون روز تو (عاشورا) نباشد.»<sup>۲</sup>

## جمع بندی

در دوران امام صادق (ع) به دلیل کم شدن حساسیت‌های دستگاه حاکم به شیعیان، ایشان توانستند از فرصت موجود برای احیای دوباره شریعت و سنت اسلامی نهایت استفاده را کنند. امام صادق (ع) با روایات فراوانی که درباره امام حسین (ع) نقل کردند بیشترین اثر را در فرهنگ شیعیان گذاشتند.<sup>۳</sup> ایشان در یادآوری‌هایی که از امام حسین (ع) در حضور مخاطبین خویش داشتند در صدد القای نوعی سبک زندگی بر طبق فرهنگ حسینی بودند مثلاً در روایت‌های فراوانی که زیارت سیدالشهدا (ع) و گریه بر او را تأکید می‌کنند در واقع به طریقی غیر مستقیم چگونه زیستن

<sup>۱</sup> معنای این سخن بیشتر به بعضی از فرق شیعه مانند زیدیه برمی‌گردد، اصولاً در مذهب جعفری و امامیه، امامت بیشتر به معنای هدایت است و امام بیش از هر چیز با علم و دانش شناخته می‌شود؛ برخلاف زیدیه که امام در میان آن‌ها نخست با شمشیر شناخته می‌شود و به اعتقاد آنان، نخستین شرط و مهمترین امتیاز در امامت و امام، همانا قیام مسلحانه و «قیام به سیف» بودن امام است چنین به نظر می‌رسد که این سخن از زیدیه سرچشمه گرفته است که هر روز عاشورا و هر جا کربلا است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق، *امالی*، ص ۱۷۷؛ مثير الحزان، ص ۲۳؛ سیدبن طاووس، *لهوف*، ص ۹۹؛ *صحتی سرورودی*، محمد، *عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی*

تاریخ امام حسین (ع)، انتشارات خادم الرضا، چاپ دوم زمستان ۸۵

<sup>۳</sup> اسماعیل زاده، مرتضی؛ «مؤلفه‌های عزت آفرین و افتخارزادر ویژگی‌های حسینی از دیدگاه ائمه»؛ علوم اجتماعی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی؛ زمستان ۸۱؛ سال ششم؛ ویژه نامه IS

را به دوستان و شیعیان امام حسین (ع) می‌آموزد. امام ششم شیعیان سعی کردند با یادآوری واقعه عاشورا و کمک گرفتن از نهضت حسینی و به اقتضای شرایط موجود، جامعه‌ای که با تبلیغات امویان از فرهنگ دینی و اسلامی دور افتاده بود را احیا کنند و به اشاعه احکام اسلامی پردازند. امام صادق (ع) با به وجود آوردن شبکه وسیع تبلیغاتی علیه بنی امیه و همچنین در خلال آموزش‌هایی که به شاگردان خویش می‌داد حقیقت و ماهیت حرکت امام حسین (ع) در واقعه عاشورا را برای مردم تبیین کردند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> آیت الله سید علی خامنه‌ای، *انسان ۲۵۰ ساله*، ص ۲۰۷.



## نمود فرهنگ عاشورا ردر روزگار امام کاظم (ع)

دوره زندگی امام موسی کاظم (ع) از سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ هجری قمری بوده است. دوران امامت ایشان با زمان حکومت حاکمان عباسی از جمله منصور (د. ۱۵۸ هـ.ق)، مهدی (د. ۱۶۹ هـ.ق)، هادی (د. ۱۷۰ هـ.ق)، رشید (د. ۱۹۳ هـ.ق) و همچنین هارون عباسی (د. ۱۹۳ هـ.ق) مصادف بود. بسیاری از فتوحات اسلام در دوران عباسی و در زمان خلافت این خلفا صورت گرفته است. امام موسی کاظم (ع) در سال ۱۴۸ (هـ.ق) بعد از به شهادت رسیدن امام صادق (ع) به امامت رسیدند. می توان گفت دوران زندگی و امامت ایشان از دوران های بسیار سخت و پر اختناق بود. به طوری که بنی عباس بسیاری از فرزندان اهل بیت (ع) از جمله فرزندان امام حسین (ع) را که به نوعی جزء مبارزین و دشمنان سرسخت خلافت شان بودند به شکل های گوناگون سرکوب کردند.<sup>۱</sup>

تعقیب و گریزها و تنگناهای فراوانی برای امام موسی کاظم (ع) از سوی دستگاه خلافت عباسی وجود داشت. از جمله آنها این است که مثلاً در مقطعی محل زندگی امام موسی کاظم (ع) در خارج از مدینه بود. ایشان مدتی در دهات شام به صورت ناشناس و با لباس مبدل زندگی می کردند و حتی در روایت است که وارد غاری می شوند و با مواجهه با یک فرد نصرانی و هم صحبتی با او، موجب مسلمان شدن آن فرد مسیحی می شوند. همین نشان دهنده این است که امام موسی کاظم (ع) حتی در این شرایط سخت هم سعی در عمل به وظیفه الهی داشتند و از بیان و توصیف حقیقت غافل نبودند.<sup>۲</sup> لذا در چنین شرایط سخت و ناگوار، امام به دلیل فرارها و زندانی شدن های مکرر از سوی بنی عباس فرصت زیادی برای تبیین و یادآوری واقعه عاشورا همانند امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نداشتند. بنابراین در این زمینه احادیث زیادی از این امام بزرگوار در دست نیست. در واقع به بیان دیگر در بین امامان معصوم بعد از امام سجّاد (ع)، دوران زندگی امام موسی کاظم (ع) جزء سخت ترین دوران ها بود.

در احادیث کمی که از امام هفتم شیعیان در رابطه با یادآوری واقعه عاشورا و امام حسین (ع) به ما رسیده این است که امام موسی کاظم (ع) به دلیل آغاز ماه محرم و یادآوری وقایع عاشورا و مصائبی که بنی امیه برای امام حسین (ع) و خانواده ایشان به وجود آوردند غصه دار بودند و تا پایان محرم دچار حزن و اندوه می شدند و کسی ایشان را خندان نمی دید.<sup>۳</sup> همین نکته به نوعی می توانست به افراد جامعه آن روز درباره اهداف قیام عاشورا هشدار می باشد و آنها را

<sup>۱</sup> خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۳۲ و ۲۳۳

<sup>۲</sup> مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۵

<sup>۳</sup> آصدوق، مالی، مجلس ۲۷، ص ۱۱۱؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴؛ نفس المہموم، ص ۴۴

متوجه این اصل مهم کند که حقیقت اسلام ناب محمدی چه چیزی است و قیام کربلا برای چه اهدافی صورت گرفته است.

امام موسی کاظم (ع) با توجه به شرایطی که در دوران زندگی و مبارزاتی خود داشتند رویه تقیه را پیش گرفته بودند و سعی می کردند که به صورت غیرمستقیم افراد را به حقایق و واقعیت های دین آشنا کنند. از جمله این که امام موسی کاظم (ع) هدایایی که از طرف خلیفه عباسی دریافت کرده بود را به مرد فقیری که در حضور منصور عباسی شعری در مورد امام حسین (ع) خوانده بود اهدا کرد، که همین موضوع به نوعی موجب یادآوری واقعه عاشورا و مصائب سیدالشهدا (ع) در میان جمعی شد که در واقع دشمن اهل بیت (ع) بودند و سعی در نابودی و محو فرهنگ حسینی داشتند.<sup>۱</sup>

در بررسی های صورت گرفته در فرموده ها و افکار امامان معصوم (ع) در رابطه با واقعه عاشورا باید گفت، در هر دوره ای از امامان بزرگوار، بعضی از احادیث که معنا و مفهوم یکسانی دارند تکرار شده است که در واقع در جریان گفتمان ائمه شیعه (ع) این نشان از اهمیت موضوع دارد، از جمله آن ها تأکید فراوان بر زیارت امام حسین (ع) است که امام کاظم (ع) نیز مانند اسلاف گرامی اش به زیارت اباعبدالله (ع) و به حضور در کنار مزار ایشان سفارش کرده اند به بیان دیگر زیارت ایشان موجب آمرزش گناهان زائر می شود که امام کاظم (ع) این موضوع را کمترین ثواب برای زائر در راه زیارت اباعبدالله الحسین (ع) می دانند<sup>۲</sup> و همچنین ثواب یک عمره بدون نقص و مورد قبول را در بردارد.<sup>۳</sup>

در روایتی از امام موسی کاظم (ع) آمده است که کسی که امام حسین (ع) را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود، این که ثواب زیارت امام حسین (ع) توفیق آمرزیده شدن گناهان گذشته را در پی داشته باشد قابل قبول است ولی در این که موجب آمرزش گناهان آینده می شود عقلانی به نظر نمی رسد. به این دلیل که اگر بیان شود که گناهی هم که در آینده قرار است مرتکب شود بخشیده می شود، این مفهوم القا می شود که تکلیفی به عهده انسان نخواهد بود. لذا می توان چنین توجیه کرد که اگر در روایت آمده است که به واسطه زیارت امام حسین (ع) گناهان آینده بخشیده می شود، در واقع منظور این است که انسان توفیق پیدا می کند که گناهی را در آینده مرتکب نشود نه این که هر گناهی که انجام داد به حساب نیاید.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> مناقب آل علی، ج ۴، ص ۳۴۴

<sup>۲</sup> تکامل الزیارات، ص ۴۵۰ و ۴۵۲، ح ۳ و ۲؛ ثواب الاعمال، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ کلینی، کافی، ص ۵۸۲، ح ۱۰۸

<sup>۳</sup> ثواب الاعمال، ص ۲۳۴، ح ۱۱

<sup>۴</sup> آیت الله جوادی آملی، درس خارج تفسیر قرآن کریم، قم، ۹۷/۱۱/۱۱

## جمع بندی

از آن جایی که امام موسی کاظم (ع) به اقتضای شرایط موجود راه کار تقیه را در پیش گرفته بودند و با تمام تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان برای تبیین حقیقت و با تمام محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها نسبت به ایشان و همچنین به دلیل بغض و کینه‌ای که حاکمان عباسی نسبت به اهل بیت (ع) داشتند ظاهراً اجازه کوچک‌ترین رهنمود و هدایت افراد به امام موسی کاظم (ع) داده نمی‌شد. البته با وجود حساسیت‌های دستگاه عباسی به امام کاظم (ع) ایشان توانستند نماینده‌ها و وکلایی را به مکان‌های دیگری بفرستند تا از این طریق ارتباطشان با شیعیان برقرار بماند و آموزه‌های اسلامی به افراد دیگر نیز برسد، ولی همان طور که بیان شد دستگاه حاکم متوجه این ارتباط مخفی شیعیان با امام کاظم (ع) شد و همین موضوع موجب شد که ایشان زندانی شوند و ظاهراً ارتباطشان با شیعیان قطع شود. لذا در آن فضای گرفته و به دور از آرامش فکری و معنوی صرفاً ایشان توانستند اصول و پایه‌های اسلام را حفظ کنند و همین موجب این موضوع شد که کمترین حدیث و نقل قول از امام هفتم (ع) در رابطه با ابا عبدالله الحسین (ع) و واقعه عاشورا به نسل‌های بعدی منتقل شود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> آیت الله سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۳۴

## فصل دوم:

### واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه از امام رضا (ع) تا امام زمان (عج)

## اهداف و آرمان‌های قیام عاشورا در کلام رضوی

در قرون متمادی و در طول تاریخ، هیچ قیام و نبردی به پویایی واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) وجود ندارد. دلیل شاخص و میرز بودن این موضوع، جهت‌گیری ائمه اطهار در رابطه با این اتفاق بزرگ است. علی‌رغم تمام تلاش‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس برای از بین بردن قیام‌های عاشورا، موضع‌گیری‌های امامان شیعه در زنده نگه داشتن واقعه کربلا در طول سالیان متمادی بسیار اثرگذار بوده است. بعد از واقعه عاشورا امامان و از جمله امام رضا (ع) توانستند از پیامدها و نتایج این قیام حراست کنند و با تذکر اهداف این قیام به افراد راه را برای تداوم آن به نسل‌های بعدی باز گذاشتند.<sup>۱</sup>

دوران ولایت عهدی امام رضا (ع) باعث شده بود که فضای سیاسی و اجتماعی برای شیعیان تا حدی بازتر باشد، لذا به همین دلیل زمینه بهتری برای یاد و نام امام حسین (ع) در واقعه عاشورا نسبت به دوره امام کاظم (ع) فراهم بود. امام رضا (ع) در باب محرم و واقعه عاشورا نظرات و بیاناتی داشتند و مردم را در موقف‌های مختلف و با در نظر گرفتن شرایط، متوجه اباعبدالله الحسین (ع) می‌کردند. در بیان امام رضا (ع) اهمیت و یادآوری ویژه‌ای برای توجه به واقعه عاشورا و امام حسین (ع) وجود داشته است، در واقع به دلیل تأکید بر زیارت امام حسین (ع)، ایشان روزهایی را در طول سال برای این کار مشخص کردند که از جمله آن‌ها این است که روز اول ماه محرم روزه گرفته شود و این روزی است که دعای حضرت زکریا (ع) مبنی بر داشتن نسل و نژادی پاک به اجابت رسید.<sup>۲</sup> مردم زمان جاهلیت به خاطر احترامی که به ماه محرم قائل بودند از ظلم و قتال در آن کراهت شدید داشتند تا جایی که آن را حرام می‌دانستند، ولی فرزندان همین افراد، حرمت اهل بیت (ع) را به واسطه رسول خدا نگه نداشتند و هر گونه توهینی که می‌توانستند کردند و با نوع برخوردشان در روز عاشورا عملاً فضائل ایشان را انکار کردند.

یکی از اهداف امام رضا (ع) همانند دیگر معصومین (ع) امر به معروف و نهی از منکر و همچنین زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین (ع) بود، که در واقع این موضوع یکی از محورهای اصلی در اقدامات تبلیغی ایشان بوده است در این رابطه می‌توان به روایتی از ایشان اشاره کرد که یزید در کنار سر امام حسین (ع) به بازی شطرنج و خوردن آب جومی پرداخت، لذا به شیعیان توصیه شده که به هنگام دیدن شطرنج و آب جو امام حسین (ع) را به

<sup>۱</sup> اکبرنژاد، مهدی؛ صالحی، پیمان؛ «روش‌های فرهنگی امام رضا (ع) در خصوص زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین (ع)»؛ فرهنگ رضوی؛ سال سوم؛ بهار ۹۴؛

شماره ۹

<sup>۲</sup> صدوق، امالی، ص ۱۲۹، ح ۵؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۶۰۴، ح ۵۳

یاد آورند و یزید و خاندان زیاد را لعنت کنند.<sup>۱</sup> به دلیل مصیبتی که در روز عاشورا بر نوه پیامبر (ص) و خانواده‌اش وارد شده، و از آنجایی که هیچ خیر و برکتی در این روز به واسطه انجام امور مادی وجود ندارد، بهتر است افراد نیازها و اهداف دنیوی خود را پی‌گیری نکنند، باید روز عاشورا را روز غم و ناراحتی بدانند و درسوگ سیدالشهدا (ع) گریان و اندوهناک باشند که همین مسئله خالی از لطف و ثواب اخروی و دنیوی از طرف خداوند نخواهد بود.

۲

### تبیین روش‌های فرهنگی امام رضا (ع) در احیای فرهنگ حسینی

همان‌طور که در مباحث گذشته نظرات امامان در رابطه با زیارت امام حسین (ع) و فضائل آن آورده شد، در این قسمت نیز از دیدگاه امام رضا (ع) به این موضوع پرداخته می‌شود. پس از واقعه عاشورا یکی از احادیثی که از ائمه بزرگوار ما در خصوص امام حسین (ع) مطرح شده است در باب ثواب زیارت سیدالشهدا (ع) است که امام رضا (ع) نیز این حدیث را نقل کرده‌اند مبنی بر این که زیارت ایشان معادل یک عمره محاسبه می‌شود.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد هدف از بیان این نوع از احادیث ضمن بیان مقدار ثواب در اعمال وارده توجه دادن افراد به اهداف قیام امام حسین ع است. در واقع می‌توان گفت ائمه ما تلاش داشتند به نوعی به شیعیان و حتی الامکان به مسلمانان متذکر شوند که اگر به مناسکی مانند حج باید اهمیت داد، در کنار این موضوع حتماً باید به کسانی که موجبات پایداری این مناسک و مراسمات مذهبی و دینی را فراهم کردند توجه و اهمیت داده شود و قطعاً یکی از کسانی که در این راه مسبب پایداری و برپایی مناسک الهی و احیای دین و در نتیجه اسلام شدند، امام حسین (ع) بود. در نتیجه وقتی که اعمال عرفه و مناسک حج یادآوری می‌شود، بایستی به امام حسین (ع) که بر پادارنده حق و حقیقت بودند نیز توجه کرد. نکته‌ای که باید در این میان به آن توجه کرد این است که سفر حج و زیارت کربلا باید به موازات یکدیگر آورده شود و این دو به هیچ عنوان مانع‌الجمع نیستند و این که در احادیث ثواب زیارت امام حسین (ع) معادل یک عمره بیان شده نشان از اهمیت یادآوری ماهیت اقدام امام حسین (ع) در آن مقطع زمانی است.

<sup>۱</sup> به نقل از فضل بن شاذان: شنیدم امام رضاع می‌فرماید: «هنگامی که سر حسین ع را به شام بردند، یزید که خدا لعنتش کند، فرمان داد که آن را بر زمین بگذارند و در کنار آن، سفره انداخت و او به خوردن و نوشیدن آب جو پرداختند و چون فارغ شدند، فرمان داد سر را در تشتی زیر تخت بگذارند و بساط شطرنج را در کنار آن گشود. یزید که خدا لعنتش کند به شطرنج بازی نشست و حسین بن علی ع و پدر و پدربزرگش را یاد می‌کرد و مسخره‌شان می‌نمود و هرگاه همبازی اش در قمار می‌برد، آب جو را می‌گرفت و آن را سه جرعه می‌نوشید و سپس ته مانده اش را نزدیک تشت بر زمین می‌ریخت، پس هر که شیعه ماست باید از نوشیدن آب جو و قماربازی یا شطرنج بپرهیزد هر کس که به آب جو یا شطرنج نگرست حسین (ع) را به یاد آورد و یزید و خاندان زیاد را لعنت کند که خدای عزوجل گناهایش را به خاطر آن مح می‌کند حتی اگر به تعداد ستارگان باشد. *عیون اخبار الرضا (ع)*، ج ۱، باب ۳، ص ۶۹۱؛ ح ۵۰؛ همان، ص ۶۹۳، ح ۵۱

<sup>۲</sup> *روضه‌الواعظین*، مجلس ۲۰، ص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ *امالی*، مجلس ۲۹، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۷۳۷

<sup>۳</sup> *کامل‌الزیارات*، باب ۶۳، ص ۵۰۷ تا ۵۱۲، ح ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹؛ *مجلسی؛ بحارالانوار*، ج ۱۰۱، ص ۲۹، ح ۵؛ *ثواب الاعمال*، ص ۱۹۵ و ۱۹۶، ح ۸ و ۱۰ و ۱۱

در چهارچوب این بحث تأکید بر این است که ائمه بزرگوار ما از جمله امام رضا (ع) سعی داشتند به واسطه زیارت امام حسین (ع) و زنده نگه داشتن یاد این واقعه، تفکر در فلسفه عاشورا را به عنوان یک فلسفه انسان ساز و تربیتی برای شیعیان مورد توجه قرار دهند. به نمونه‌ای از این روایات اشاره می‌کنیم این که زیارت امام حسین (ع) به زیارت خداوند در عرش تعبیر شده است،<sup>۱</sup> در روایتی دیگر از امام رضا (ع) آمده است که روزهایی که فرد به عنوان زائر، مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین (ع) را زیارت می‌کند جزء عمرش به حساب نمی‌آید.<sup>۲</sup>

شاید بتوان این طور بیان کرد که دلیل این همه توصیه‌ها برای زیارت سیدالشهدا (ع) و بیان ثواب‌های گوناگون برای آن بزرگوار به دلیل هتک حرمت‌ها و ظلم‌هایی باشد که به این امام حسین (ع) و یارانش روا شد. در مواقعی بعضی از افراد سؤالاتی را در مورد روش و کیفیت زیارت سیدالشهدا (ع) مطرح می‌کردند و امام رضا (ع) ابتدا نظر پرسش‌گر را در این زمینه جویا می‌شدند، شاید دلیل این کار امام به نوعی آسیب شناسی و دانستن آگاهی افراد به نسبت جامعه زمان خود بود مبنی بر این که امام بدانند آن‌ها به چه سیره و سنتی در این زمینه عمل می‌کنند<sup>۳</sup> و سپس توضیحاتی را در این موضوع مطرح می‌کردند.

امام هشتم (ع) در بیانی به برشمردن ظلم‌هایی که در حادثه کربلا به امام حسین (ع) و یارانش رسید پرداخته است و این که چه طور حرمت نوه پیامبر (ص) را رعایت نکردند، اشاره کرده و اذعان دارد که به دلیل خون‌های به ناحق ریخته و ظلم‌های وارده به ایشان برای چنین انسان والایی باید گریست.<sup>۴</sup> امام رضا (ع) همانند اجداد پاکش هنگامی که محرم می‌رسید غالب رفتارش، رفتار یک فرد عزادار بود و هنگامی که روز دهم محرم می‌شد، آن روز، روز گریه و ماتم فراوان حضرت بود. ایشان گریه بر امام حسین (ع) را مؤثر در از بین رفتن گناهان بزرگ می‌دانستند و از فرموده‌هایش این طور برداشت می‌شود که اگر قرار است انسان برای مسئله‌ای هم بگرید، بهتر است که به یاد واقعه کربلا و ابا عبدالله الحسین (ع) گریه کند.<sup>۵</sup>

همان طور که در فرموده‌های امامان در مباحث قبل مطرح شد، امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز در مورد وقایع غیر طبیعی‌ای که بعد از واقعه عاشورا به وقوع پیوسته است صحبت کردند، نظیر باریدن خون و خاک سرخ از آسمان، با در نظر گرفتن توضیحات گذشته در صفحات قبل، می‌توان از این منظر نیز به این موضوع نگاه کرد که

<sup>۱</sup> ثواب الاعمال، ص ۱۹۳، ح ۱؛ کامل الزیارات، باب ۵۴، ص ۴۶۱، ح ۱۷؛ همان، باب ۵۹، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، ح ۲

<sup>۲</sup> کامل الزیارات، ص ۴۴۵، ح ۱

<sup>۳</sup> از امام رضا (ع) سؤال شد: چه ثوابی در زیارت قبر حسین (ع) هست؟ فرمود: تو خود چه می‌گویی؟ عرض کردم، پاره‌ای از ما گویند ثواب یک حج را دارد و

پاره‌ای از ما گویند ثواب یک عمره را دارد، حضرت فرمودند: ثواب یک عمره مقبوله و درست را خواهد داشت. «+ ثواب الاعمال، ص ۱۶۹، ح ۱۱

<sup>۴</sup> اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۳

<sup>۵</sup> صدوق، امالی، ص ۱۲۸

در بعضی از فرهنگ‌ها مخصوصاً در فرهنگ اعراب، در بیان و اظهارنظرهای‌شان از تمثیل زیاد استفاده می‌کنند به بیان دیگر در مواقعی که اتفاقی رخ بدهد برای این که بخواهند شدت ناراحتی و احساس خود را از آن واقعه بیان کنند از عبارات تمثیلی استفاده می‌کنند. مثلاً وقتی بخواهند احساس خود را از یک واقعه تلخ بیان کنند به صورت غلوآمیز مطرح می‌کنند و یا اگر در موضوعی تعداد قابل توجهی از افراد ناراحت باشند گفته می‌شود که زمین و زمان گریه می‌کرد.

ممکن است برخی از این تعابیری که در مورد واقعه عاشورا احیاناً منسوب به امامان شیعه مطرح شده است، دور از ذهن نباشد که یک وجه تمثیلی داشته باشد. مثلاً این که گفته شده است، هر سنگی را برمی‌داشتند از زیر آن خون جاری بود. در واقع تحت تأثیر جریان غلو، کلام ائمه شیعه (ع) از قالب تمثیلی خارج شد و به آن عینیت داده شده است که وقتی گفته می‌شود که از شدت مصائب وارد شده و اندوه فراوان آسمان گریه می‌کرد، این طور تعبیر شده است که واقعاً آسمان گریه می‌کرد تمام موارد آمده امکان دارد نشان دهنده عمق ناراحتی همگان مخصوصاً ائمه اطهار از این واقعه باشد.

همان طور که در مباحث گذشته مطرح شد از آن جایی که علم تاریخ در چهارچوب ملموسات صحبت می‌کند لذا امکان بررسی جهان فرشتگان و یا مستنداتی که در مورد آن‌ها سخن گفته باشد وجود ندارد، این نوع موضوعات در حوزه عالم معنا و علم کلام بررسی می‌شود از جمله این که حدیثی به ایشان منسوب است مبنی بر این که امام رضا (ع) در مورد فرشتگانی صحبت می‌کند که نزد قبر امام حسین (ع) حضور دارند و با شعار «یا لثاراتِ الحسین» منتظر قیام امام مهدی (عج) هستند تا ایشان را در انتقام و خون‌خواهی از کشندگان امام حسین (ع) یاری دهند.<sup>۱</sup>

امام رضا (ع) هر موقع برای کسی لباس یا شیئی را به عنوان هدیه می‌فرستادند، کنار آن تربتی از مزار سیدالشهدا (ع) هم قرار می‌دادند و بر این عقیده بودند که این کار باعث امان و حفظ مال می‌شود<sup>۲</sup> و همچنین با این عمل خود موجبات یادآوری یاد و خاطره اباعبدالله الحسین (ع) را نیز برای افراد فراهم می‌کردند. در حدیثی منتسب به امام رضا (ع) شهادت امام حسین (ع) به مثابه امری محتوم از سوی خداوند، تشبیه به قربانی شدن حضرت اسماعیل (ع) به دست حضرت ابراهیم (ع) شده است. بنابراین حدیث به واسطه جایگاه والاتر پیامبر (ص) نزد خداوند، تقدیر الهی بر این قرار گرفته بود که فرزند هم (یعنی حضرت امام حسین (ع))، در راه خداوند قربانی شود. فارغ از صحت

<sup>۱</sup> عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۱، ص ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶، ح ۵۳؛ صدوق، امالی، ص ۱۳۰

تکامل الزیارات، ص ۸۴۵ ح ۱



و سقم این روایت و جزئیات آن، به نظر می‌رسد می‌توان آن را به مثابه حدیثی آگاه کننده بر جایگاه والای امام حسین (ع) نزد خداوند دانست، نکته‌ای که راویان حدیث سعی دارند آن را به زبان ابراهیم (ع) در گفتگو با خداوند و البته به لسان امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان بیان دارند و بدین شکل به این جایگاه والا صحه بگذارند.

## جمع بندی

با بررسی احادیثی که از امام رضا (ع) در خصوص واقعه عاشورا و امام حسین (ع) در دسترس است، نشان می‌دهد که تأکید بر یادآوری واقعه عاشورا و ارزش نهادن به قیام امام حسین (ع) به مانند ائمه قبل از ایشان بوده است، لذا نزدیکی یا شباهت محتوای احادیث مرتبط با واقعه عاشورا در بیانات امام رضا (ع) یادآور این مسئله است که به طور کلی نگرش امام رضا (ع) نیز به موازات و در ادامه همان نگرش ائمه قبلی است و تکرار و شباهت‌های بین احادیث و بیانات ایشان با ائمه پیشین نشان دهنده این است که تغییر و تبدیلی در نوع دیدگاه ائمه نسبت به واقعه عاشورا و اهمیت آن دیده نمی‌شود. حتی مشاهده می‌شود که یک ارزش‌گذاری‌هایی برای زیارت امام حسین (ع) در قالب این که زیارت آن حضرت ثواب یک عمره را می‌تواند داشته باشد، تأکید بر این است که تا چه حد می‌تواند زیارت امام حسین (ع) برای شیعیان ارزش داشته باشد.

وقتی خبر ولایتعهدی امام رضا (ع) به دیگر شهرها و سرزمین‌های اسلامی رسید، در منابری که سالیان متمادی گفتن فضائل اهل بیت (ع) ممنوع بود و جرم محسوب می‌شد و شروع خطبه‌ها با دشنام اهل بیت (ع) شروع می‌شد، در این زمان مردم به راحتی در مورد سیره معصومین (ع) صحبت می‌کردند و از آن‌ها به نیکی یاد می‌شد و همین باعث شد که علی‌رغم میل عباسیان، زمینه گفتن از واقعه عاشورا و امام حسین (ع) بیشتر فراهم شود.<sup>۱</sup> در آن فضای نسبتاً آرامی که در زمان امام رضا (ع) ایجاد شده بود، امام سعی داشتند با استفاده از فضای به وجود آمده، به نوعی زیارت امام حسین (ع) و یادمان و تجدید خاطره واقعه عاشورا را بیشتر داشته باشند تا شیعیان را متوجه استفاده از آن فضا کنند. لذا به طور کلی جایگاه واقعه عاشورا را در منظر امام رضا (ع) در این نکات می‌توان خلاصه کرد، تأکید بر حضور در مرقده امام حسین (ع) و زیارت ایشان دارند و این که یاد امام حسین (ع) در زندگی روزانه همواره برقرار باشد.

<sup>۱</sup> آیت الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۵۱

## موانع موجود برای پیاده کردن نهضت حسینی در دوران امام محمدتقی (ع)

دوران زندگی کوتاه امام محمدتقی (ع) نیز در دوره مأمون و معتصم عباسی گذشت. ایشان نیز همانند پدر خویش با توجه به شرایط زمانی خود به تبیین مسائل و حدود الهی می‌پرداختند و مردم ناآگاه را به سمت دستورات الهی هدایت می‌کردند. این امام بزرگوار در تمام دوران زندگی خود با قدرت حيله گرانه و ریاکارانه مأمون مقابله کردند. امام جواد (ع) اولین کسی بود که بحث‌های آزاد را برگزار کردند و با مدعیان و علمای زمان خود به بحث های علمی می‌پرداختند. ولی با توجه به جستجوی صورت گرفته در منابع دسته اول، احادیث زیادی در رابطه با واقعه کربلا و امام حسین (ع) از امام جواد (ع) به دست نیامده است.

از آنجایی که خداوند متعال وظایف و حقوقی بر عهده افراد و محبین اهل بیت (ع) نسبت به ائمه اطهار (ع) گذاشته است، افراد باید به مقام والای آن‌ها واقف بوده و به حقوقی که آن حضرات دارند مطلع و در واقع مؤدب به آداب آنها باشند. امام جواد (ع) نیز با تأکید بر این مسئله منزلت زیارت اباعبدالله الحسین (ع) را در ثواب و پاداش اخروی هم‌سنگ زیارت خانه خداوند می‌دانند.<sup>۱</sup>

ائمه بزرگوارمان و همچنین امام جواد (ع) به شدت حساس بودند که یاد و خاطره عاشورا زنده نگه داشته شود و جایگاه آن برای شیعیان شناخته شود و توصیه‌های متعددی را در این زمینه کردند و وقتی که ما به تکرار تعبیر همسان و یک شکل و شبیه به هم در بیان احادیث مربوط به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا می‌نگریم در واقع متوجه استمرار یک گفتمان خاص و مشخصی هستیم که در این گفتمان تأکید بر این واقعه موجب می‌شود که حتی به شیعیان به این شکل نهیب زده شود و توجه داده شود که وقتی به زیارت امام حسین (ع) مشرف می‌شوند کانه برای تأکید بر آن جایگاه آن را شبیه به زیارت خانه خدا لحاظ و یاد می‌کنند.

در هر صورت با توجه به نکاتی که در مباحث قبلی در رابطه با اهمیت زیاد زیارت امام حسین (ع) و اجر و ثواب‌هایی که برای این مهم گفته شده است، دیدگاه امام جواد (ع) در این باره این است که کسی هم که به دلایل مختلف نمی‌تواند به زیارت سیدالشهداء (ع) برود، دیگری را مجهز به زیارت کند و در واقع بانی زیارت شخص دیگری شود، ثواب‌های زیادی در راستای این عمل ذکر شده است، از جمله اینکه خداوند مال و دارایی اینچنین شخصی را حفظ و نگهداری می‌کند.<sup>۲</sup>

همان‌طور که در قسمت‌های قبل توضیح داده شد در رابطه با فرشتگان و جنیان باید در چهارچوب محسوسات و علم کلام و عرفان صحبت شود و این موضوع در علم تاریخ جایگاهی ندارد، ولی از آنجایی که

<sup>۱</sup>کامل‌الزیارات، ص ۵۶۸، ج ۹

<sup>۲</sup>کامل‌الزیارات، ص ۴۲۰ و ۴۲۱، ج ۵

باید دیدگاه ابی جعفر ثانی (ع) در این رابطه گفته شود در این قسمت آورده می شود که به واسطه مصیبت امام حسین (ع) از تضرع ملائکه و نفرینشان به قاتلین حضرت سیدالشهدا (ع) یاد کردند و نیز نوحه و زاری جنیان در اطراف قبر حضرت را مورد توجه قرار دادند.<sup>۱</sup>

### جمع بندی

حقایق و اطلاعات تاریخی در مورد زندگی و معاشرات امام محمدتقی (ع) به صورت وسیع چندان در دسترس نیست. به این دلیل که علاوه بر این که معمولاً تنگناها و تحدیدهای سیاسی مانع منتشر شدن اخبار مربوط به امام جواد (ع) می شد، به دلیل خفقانی که در جامعه وجود داشت برای حفظ جان امام جواد (ع) و شیعیان مجبور به تقیّه بودند و تبلیغات دینی و سیاسی به شکل پنهانی صورت می گرفت. همین شیوه دلیل مؤثری برای عدم دسترسی اخبار مربوط به دوران امام نهم شیعیان در کتب تاریخی است. همچنین زندگی ایشان آن قدر طولانی نبود که اطلاعات زیادی در اختیار قرار گیرد لذا در همین راستا، داده و اطلاعات در کتب و منابع شیعی درباره واقعه عاشورا از امام جواد (ع) نیز بسیار محدود است.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>کامل الزیارات، ص ۲۹۷ و ۲۹۸

<sup>۲</sup>جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه؛ انتشارات انصاریان؛ چاپ یازدهم؛ تابستان ۱۳۸۷

## محدودیت های روزگار امام هادی (ع) برای تبیین فرهنگ عاشورا

روزگار امام هادی (ع) دوره‌ای است که ایشان از طرف دستگاه حکومتی محدود می‌شوند و از طرفی فعالیت‌های آنان و نوع معاشرت‌ها و مراوداتی که با مردم و اطرافیان و یاران خود داشتند تا حدّ بسیار زیادی کمتر می‌شود، خلفای عباسی اختناق شدیدی در جامعه برای شیعیان به وجود آورده بودند. به واسطه اقداماتی که علیه شیعیان در این زمان صورت می‌گرفت و همچنین به دلیل عملیات و کارهای سیاسی و نظامی خلفای عباسی از توسعه و گسترش زیاد فرهنگ شیعیان ممانعت به عمل می‌آمد.<sup>۱</sup> لذا با این شرایط تاریخی و همچنین عمر کوتاهی که امام هادی (ع) داشتند بالطبع نباید انتظار نقل روایت‌های زیادی از این ایشان در رابطه با واقعه عاشورا و مصیبت‌های وارده به اباعبدالله الحسین (ع) و همراهانش را داشت.

یکی از محدودیت‌ها و فشارهایی که وجود داشت اقدامات متوکل عباسی (د. ۲۴۷ ه.ق) در راستای از بین بردن نام و یاد امام سوم شیعیان بود، او با شدت بغضی که به اهل بیت (ع) بروز می‌داد سعی می‌کرد که حتی نشانی از امام حسین (ع) و در اصل فرهنگ عاشورا نماند که مبادا مردم به سوی ایشان متمایل شوند و همچنین به قتل و حبس کسانی می‌پرداخت که به زیارت ابا عبدالله الحسین (ع) می‌رفتند، متوکل وقتی آگاه می‌شد که اهل شهرها و بادیه‌ها به زیارت قبر سیدالشهدا (ع) می‌روند، به افسران و کارگزاران خود دستور نیش قبر و تخریب آن را صادر می‌کرد تا مبادا اثری باقی بماند او به هر نحوی مانع رفتن مردم به سوی کربلا می‌شد که البته در بعضی مواقع مردم با ایستادگی‌های خود از هتک حرمت منسوبان متوکل جلوگیری می‌کردند.<sup>۲</sup>

متوکل از شدت کینه‌ای که به اهل بیت (ع) داشت بارها دستور خراب کردن و حتی شخم زدن و آب بستن به مزار سیدالشهدا (ع) و شهدای کربلا را صادر کرد.<sup>۳</sup> با این حال زیارت امام حسین (ع) از طرف مردم ترک نشد و با تمام خوف و خطرهایی که وجود داشت پنهانی به زیارت قبر ایشان می‌رفتند.<sup>۴</sup> امام هادی (ع) همچون پدران گذشته خود بر زیارت این مرقد مطهر سفارش می‌کردند.<sup>۵</sup> با تمام سرکوب‌ها و تنگناهایی که خلفای عباسی بر سر راه شیعیان و دوست‌داران امام حسین (ع) به وجود می‌آوردند، امام علی النقی (ع) تأکیدشان بر زیارت این حضرت بود، تا با همین زیارت‌های هر چند با فاصله زیاد، یاد و نام امام حسین (ع) و واقعه عاشورا در فرهنگ ساخته شده

<sup>۱</sup> جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه؛ انتشارات انصاریان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۷

<sup>۲</sup> مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸۶ و ۳۸۷

<sup>۳</sup> مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸۴ و ۳۸۸؛ امالی، طوسی، ص ۳۲۶

<sup>۴</sup> مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، ح ۱۴

<sup>۵</sup> کامل‌الزیارات، ص ۴۵۵، ح ۸؛ همان، ص ۶۱۱، ح ۵

توسط متوکل عباسی فراموش نشود، لذا ایشان اقل و کمترین فاصله بین هر زیارت برای ثروتمندان و کسانی که توان و هزینه سفر را دارند هر چهار ماه یک بار و فقیران را نیز در حد وسعشان فرمودند.<sup>۱</sup>

همان طور که در مورد حائر حسینی و حدود آن در بخش‌های گذشته توضیحاتی داده شد، در این قسمت نیز به نکته ای در این باب اشاره می‌کنیم که در خور توجه است. این که مکان‌ها و مواضعی وجود دارد که از لحاظ تقدس و حرمت از دیگر مکان‌ها بالاتر هستند و خداوند می‌پسندد که بندگان در این مواضع او را یاد و عبادت کنند، طبق روایات متعدّد از معصومین (ع)، خداوند و اهل بیت (ع) توجه ویژه‌ای به این مکان‌ها دارند همچنین دعا در این محل‌ها به اجابت نزدیک‌تر است که حائر حسینی نیز از همین مواضع می‌باشد. از این رو طی بیماری ای که امام علی النقی (ع) به آن مبتلا شده بودند سفارش کردند که شخصی به حائر برود و برای ایشان دعا کند.<sup>۲</sup>

شاید ظاهراً این طور به نظر برسد که امام صرفاً برای بیماری خویش اقدام به این عمل کرده باشند ولی از منظر دیگری نیز می‌توان به این موضوع نگاه کرد و آن این است که از آن جایی که خلفای عباسی مخصوصاً متوکل که دشمنی‌های سرسختی با اهل بیت (ع) داشت، حائر حسینی را که شیعیان توجه و عنایت خاصی به آن داشتند و به نوعی برای ابراز ارادت خود به امام حسین (ع) به زیارت ایشان می‌رفتند، برای حکومت ظالمانه و ستمگرانه خود خطرناک و تهدیدآمیز می‌دانست و تا می‌توانستند سعی می‌کردند تا جامعه را از یاد واقعه عاشورا و اهداف و آرمان‌های حسینی دور نگه دارند که امام هادی (ع) با این بهانه اهتمام داشتند که در برابر تلاش‌های دشمن برای از بین بردن نهضت امام حسین (ع) موضع بگیرند و ذهن‌ها و اندیشه‌ها را به سمت امام حسین (ع) و کربلا متوجه کنند.<sup>۳</sup>

## جمع بندی

پایه‌های دین و فرهنگ اسلامی با شهادت امام حسین (ع) بنا نهاده شد و امامان بعدی به اقتضای شرایط و پذیرش جامعه، اهداف قیام امام حسین (ع) را به طرق مختلف بیان می‌کردند. در زمان امام هادی (ع) ضمن این که به صورت پنهانی شبکه ارتباطی گسترده‌ای بین شیعیان برقرار شده بود ولی در ظاهر خفقان و تنگناهایی برای بیان آرمان‌های قیام عاشورا وجود داشت.

<sup>۱</sup>کامل‌الزیارات، ص ۸۹۱ ح ۷

<sup>۲</sup>کامل‌الزیارات، ص ۸۲۷ و ۸۲۸ ح ۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۲

<sup>۳</sup>محیطی، اردکاتی، احمد؛ «فرازهایی در آموزش از زندگی امام علی النقی (ع)»، دهمین مهر سپر امامت؛ «فقه و اصول؛ مبلغان؛ آبان ۱۳۷۹؛ شماره ۹؛ ص ۲۴ تا ۲۵

دستگاه خلافت عباسی و طرفداران آن حساسیت‌های فراوانی به تبیین اهداف واقعه عاشورا و یادآوری امام حسین (ع) از خود نشان می‌دادند، تا آن جا که بیم آن را داشتند که با رفتن افراد به زیارت سیدالشهدا (ع) آن اهداف و مقاصد قیام عاشورا برای مردم یادآوری و زنده شود و تهدیدی برای حکومتشان باشد. چنانچه به همین منظور متوکل چندین بار مزار ابا عبدالله الحسین (ع) را تخریب کردند. ولی با تمام این ممانعت‌ها امام هادی (ع) به هر بهانه- ای سعی بر بیان نکته‌ای از امام حسین (ع) را داشتند تا از فراموشی آن در اذهان جلوگیری کنند.

## تنگناها و موانع در توصیف فرهنگ حسینی در بیان امام حسن عسکری (ع)

با توجه به فضای اجتماعی که امام یازدهم شیعیان در آن زندگی می‌کردند و همچنین به دلیل تنگناها و محدودیت‌هایی که حاکمان عباسی برای ایشان ایجاد کرده بودند، امکان این که مستقیماً با دوستان و شیعیان خود در ارتباط باشند به صورت گسترده و آزاد فراهم نبود. لذا احادیث و روایات زیادی از امام حسن عسکری (ع) در باب واقعه عاشورا و اباعبدالله الحسین (ع) در دست نمی‌باشد و اگر هم احادیثی در این باب وجود داشته باشد در واقع تأیید و تأکیدی بر روایات و بیانات امامان قبلی است که همین موضوع به نوعی اذعان بر یک جریان و یک گفتمان می‌تواند باشد. از باب مثال برای در اذهان ماندن اهداف و اشعار امام حسین (ع) خواندن زیارت اربعین را در روز اربعین یکی از نشانه‌های مؤمن تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

امام حسین (ع) با وجود یاران مخلص و مشتاق به راه و اهداف ایشان و با وجود تصریح تمام منابع شیعی و سنی<sup>۲</sup> به این که هیچ کدام از یاران امام حسین (ع) صحنه نبرد را ترک نکردند و به امام وفادار باقی ماندند ولی در بعضی از منابع و برخی منابع تاریخی آمده است که امام حسین (ع) در شب عاشورا بیعت خود را از افراد حاضر برداشتند و به افراد اجازه دادند که هر کس می‌خواهد می‌تواند از این جمع جدا شود و همین شد که عدّه زیادی از یاران امام حسین (ع) ایشان را ترک کردند و فقط هفتاد و یا هفتاد و یک نفر باقی ماندند. اولین کتابی که به این موضوع اشاره دارد کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است و همچنین در این کتاب آمده است که بعد از این که امام حسین (ع) این سخنان را ایراد فرمودند همه لشکریانش او را ترک کردند در حالی که این مطلب صحیح نمی‌باشد و بیشتر شهدای کربلا از یاران امام حسین (ع) و غیر از بنی هاشم هستند.

کتاب دیگری که این ماجرا را نقل کرده است کتاب ناسخ التواریخ می‌باشد که شاید علت شهرت این موضوع نیز همین کتاب باشد. زیرا کتاب منسوب به امام حسن عسکری (ع) به زبان عربی بوده است و در بین ایرانی‌ها رایج و منسوب نیست ولی کتاب ناسخ التواریخ فارسی است و در بین ایرانی‌ها شایع تر است.<sup>۳</sup> کتاب دیگری که بعد از ناسخ التواریخ این مطلب را نقل کرده است و پر از مجعولات تاریخی است، کتاب اسرار الشّهادة اثر ملاآقادر بندی است که به دلیل شهرت این ماجرا بعضی از معاصران مانند علامه طباطبایی نیز به آن اطمینان کردند و در کتاب شیعه در اسلام این قضیه را نقل کردند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳؛ مصباح المتعجد، ص ۷۸۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳۷

<sup>۲</sup> طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۱۸؛ صدوق، امالی، ص ۲۲۰، ح ۱۳۹؛ ابن نما حلی، مشیرالاحزان، ص ۵۲؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۳؛ ابن سعد، طبقات

الکبری، ج ۱، ص ۴۶۶؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۱۲ و ۱۱۶؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۱

<sup>۳</sup> صالحی نجف آبادی، شهید جاوید، ص ۲۷۴ و ۲۷۵

<sup>۴</sup> طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲۸۷؛ سیمایی، مهدی؛ مشهورات بی اعتبار در تاریخ و حدیث، انتشارات طاهای؛ چاپ ۱۳۹۷

## جمع بندی

به رغم این که احادیث اندکی در منابع از امام حسن عسکری (ع) به چشم می خورد، ولی همان روایات نیز تأکید بر یادآوری امام حسین (ع) و واقعه عاشورا و زیارتش می باشد، این خود نشانه و سندی است بر آن گفتمانی که در ابتدا از امام سجّاد (ع) در خصوص سیدالشهدا (ع) شروع شده است و همچنان مستمر است تا جایی که در دوره امام حسن عسکری (ع) اطلاعات کم رنگ می شود ولی در همان اطلاعات نیز این شاه بیت وجود دارد.



## واقعه عاشورا زمینه‌ای برای برپایی حکومت صالحان

با فاصله گرفتن از واقعه عاشورا و رسیدن به دوره امام زمان (عج) و جستجوی در منابع، احادیث و روایات اندکی در رابطه با واقعه عاشورا و امام حسین (ع) در دسترس است. لذا با توجه به این موضوع شاید تبیین واقعه کربلا از دیدگاه امام زمان (عج) کمی مشکل به نظر برسد. یکی از منابعی که منسوب به امام زمان (عج) است زیارت ناحیه مقدسه می‌باشد. با توجه به مضامین این زیارت که شرح وقایع و مصیبت‌های امام حسین (ع) و یارانش را بیان می‌دارد در عین حال افراد را متوجه تربت امام حسین (ع) می‌کند و همچنین از استجاب دعا در زیر قبه امام حسین (ع) صحبت می‌کند. در واقع همان طور که در بیانات سایر امامان معصوم (ع) دیده می‌شود محتوای زیارت ناحیه مقدسه نیز تأکیدی است بر یادآوری اهداف و گزاره‌های واقعه عاشورا و همچنین متوجه کردن افراد بر عدم مشروعیت حکومت بنی امیه و بنی عباس و منحرف شدن راه حق و حقیقتی که پیامبر (ص) تعیین کرده بودند.

حدیثی منتسب به امام زمان (عج) آمده است که از ایشان درباره اولین آیه سوره مریم یعنی «کهیعص» سؤال پرسیدند که ایشان تک تک این حروف را تفسیر کردند، که (ک) اشاره به کربلا دارد، (ه) اشاره به هلاکت عترت پاک، (ی) اشاره به یزید است که در حق امام حسین (ع) ظلم کرد و ایشان را به شهادت رساند و (ع) اشاره به عطش و تشنگی اباعبدالله الحسین (ع) دارد و (ص) اشاره به صبر آن بزرگوار دارد. در کتاب *الانخبارالدخیله*<sup>۱</sup>، شیخ محمدتقی شوشتری در مورد این حدیث به تفصیل صحبت کرده است. این پژوهشگر در مورد این آیه که موضوعش در روایت به امام حسین (ع) نسبت داده شده است چند حدیث دیگر آورده است که همگی آن‌ها «کهیعص» را از اسما مقطعه خداوند دانسته‌اند.<sup>۲</sup> در مورد این حدیث می‌توان چنین شرح داد که سند این روایت از روایانی نقل شده است که به دروغ پردازی و وارد کردن مجعولات در احادیث ابایی نداشتند، در واقع می‌توان گفت که این روایت از لحاظ سندی قابل اعتماد و اعتبار نیست. به این دلیل که هویت برخی از کسانی که این روایت را نقل کرده‌اند ناشناخته و مجهول هستند. روایت شامل نکاتی است که بعید به نظر می‌رسد که از معصوم صادر شده باشد. مثل این که در متن در تفسیر حرف (هاء) از حروف «کهیعص» آمده است که (هاء) یعنی هلاکت عترت، در واقع به این شکل تحلیل و تفسیر کردن به نوعی هتک حرمت به اهل بیت (ع) است و به نوعی سازندگان این حدیث می‌خواستند که شهادت اهل بیت (ع) و به خصوص امام حسین (ع) را بی‌ارزش جلوه دهند و هلاکت بدانند. کسانی که

<sup>۱</sup> شوشتری، محمدتقی؛ *الانخبارالدخیله*؛ ج ۱؛ ص ۹۶-۱۰۴

<sup>۲</sup> نمونه‌ای از این احادیث به این شرح است: «امام علی (ع) در هنگامه جنگ و جهاد، خدا را با عبارت «یا کهیعص» می‌خواند.» محقق شوشتری، *الانخبارالدخیله*، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱

این حدیث را بر ساخته‌اند به نوعی در صدد این بودند که شهادت و مفهوم آن را بی اهمیت جلوه دهند از این رو به هلاکت تعبیر کرده‌اند که در واقع با دگرگون سازی و دست کاری احادیث دست به تحریفی بزرگ و ناجوانمردانه زده‌اند.

## جمع بندی

حرکت امام حسین (ع) و برپایی واقعه عاشورا زمینه و پایه‌ای برای احیای دین و همچنین مقابله با انحرافات و مفاسدی است که در جامعه اسلامی به وجود آمده بود. با شهادت امام حسین (ع) گرچه اصلاح جامعه و اهداف قیام به سرعت صورت نگرفت ولی به مرور زمان و در دوره‌های امامان بعدی این هدف دنبال شد و به اقتضای شرایط و وضعیت جامعه هر امام و با یادآوری ماهیت قیام و مصائبی که برای امام حسین (ع) و همراهانش به وجود آمد به نوعی مردم با نامشروع بودن و غیرقانونی بودن حکومت حاکم چه بنی امیه و چه بنی عباس آشنایی پیدا کردند.

امامان معصوم (ع) با هدف تأدیب و تنقیح جامعه اسلامی با طرق مختلف از جمله تأکید بر عزاداری و همچنین زیارت امام حسین (ع) در روزهای مختلف سال و با بیان نکاتی در مورد تربت امام حسین (ع)، آرمان‌های قیام سیدالشهدا (ع) را در جامعه بیان کردند. قیام امام حسین (ع) افراد را متوجه حقیقت راه و روش ائمه می‌کرد و به نوعی روشی اصلاحی برای بازگشت جامعه و آماده شدن آن برای حکومت اصیل اسلامی با رهبری امام مهدی (ع) در آینده فراهم کرده است.

در واقع هر کدام از امامان بزرگوار ما با مدیریت فرهنگی در جامعه و به صورت تدریجی مؤلفه‌های قیام امام حسین (ع) را بیان کردند و همچنین با تشریح نکاتی در مورد چرایی وقوع واقعه عاشورا راه را برای منتقم واقعی واقعه کربلا یعنی امام زمان (ع) هموار ساختند. قیام عاشورا اساس و زمینه‌ای خواهد شد که حجت بن الحسن العسکری (ع) انحرافات که از طریق حاکمیت‌های طاغوتی به وجود آمده است را از بین ببرد. در واقع با ظهور ایشان و در پی مقدمه‌چینی‌هایی که در چهارچوب فرهنگ عاشورا خلق شده است جامعه به سمت و سوی مدیریت افراد صالح بازگردانده خواهد شد

## نتیجه

در مباحثی که در این پایان نامه تبیین شده بر این اهتمام شده است تا تصویری واضح و روشن از واقعه عاشورا در گفتمان ائمه شیعه (ع) بررسی شود. در واقع می‌توان چنین گفت که منظر و دیدگاه هر کدام از ائمه بزرگواران یعنی از زمان امام سجّاد (ع) تا امام زمان (عج) در زنده نگه داشتن اهداف و ماهیت واقعه عاشورا در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این نوشتار سعی شده تا حد امکان از منابع متأخر و متقدم معتبر و استاندارد استفاده شود و در حد لزوم احادیث و اخبار منتسب به ائمه بزرگواران در این زمینه مورد تحلیل و دقت نظر قرار گیرد. اینک با برآیند استفاده از اسناد و مدارک و پیامدهایی که از این تحقیق به دست آمده است. می‌توان در طی پاسخ به سؤالات این رساله در مورد ادعای اصلی این نوشته اظهار عقیده کرد.

قسمت اول این تحقیق به سؤال نخست یعنی «در سیره و بیانات امام سجّاد (ع) تا امام موسی کاظم (ع) واقعه ی عاشورا و امام حسین (ع) و شهدا کربلا چگونه و با چه ویژگی‌هایی منعکس شده است؟» تعلق داشت. در این بخش در رابطه با دیدگاه و نقطه نظرات این چهار امام بزرگوار در رابطه با ماهیت و اهداف قیام امام حسین (ع) نکاتی آورده شده است و به دلیل نزدیکی تقریبی این بزرگواران به حادثه کربلا مخصوصاً امام سجّاد (ع) که به عنوان یکی از روّات واقعه عاشورا نیز محسوب می‌شود، روایات زیادی در تاریخ از این امامان ثبت شده است. البته در این پژوهش به روایاتی هم که منتسب به ایشان و سایر ائمه (ع) می‌باشد نیز به دیده تحلیل نگریسته شده که از طریق غلات شیعه وارد این جریان شده است. در قسمت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) که کمی اوضاع سیاسی و اجتماعی برای شیعیان آرام‌تر به نظر می‌رسید این دو امام بزرگوار سعی کردند که با اشاعه علم و دانش و همچنین مسائل فقهی و احکام که به دلیل خفقان دوره‌های پیشین این علوم در انزوا قرار گرفته بود و همچنین به دلیل فرهنگ سازی غلط حکومت بنی امیه و دشمنان اهل بیت (ع) خیلی از مسائل و علوم دینی مهجور واقع شده بود و همچنین مردم از آن‌ها غفلت کرده بودند بروز و ظهور پیدا کند و در خلال همین آموزش‌ها و آموختن‌ها به نوعی ماهیت و مقصود قیام اباعبدالله الحسین (ع) به مردم گوشزد شد و چهره اصلی خلفای بنی امیه و اهدافشان تا حدود زیادی برای مردم آشکار گشت. اگرچه در قسمت امام کاظم (ع) شیعیان با ایشان از طریق وکلایشان در ارتباط بودند ولی به دلیل زندانی شدن‌های مکرر ایشان و حساسیت‌های دستگاه حاکم به این امام بزرگوار روایات کمی از ایشان در تاریخ ثبت شده است، که همین اندک هم در راستا و گفتمان ائمه پیشین می‌باشد و در واقع همین تکرار، اهمیت این نکته را می‌رساند که در گفتمان ائمه شیعه چه نکاتی مدنظر و مهم بوده که در دوران هر امامی این مفاهیم تکرار شده

است. با توجه به نکات و موضوعاتی که در سطور قبل مطرح شد می‌توان به این شکل نتیجه گرفت که تأکید بر واقعه عاشورا در هر قسمتی در این فصل به طریقی خود را نشان داده گاهی در غالب مبارزه و در استتار دعا و تأکید و تصریح بر یادآوری وقایع عاشورا با گریستن بر ابا عبدالله الحسین (ع) و همچنین برگزاری مجالس و عظم و درس نمود پیدا کرد.

در قسمت دوم این رساله به سوال دوم «در سیره و بیانات امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام عسکری (ع) و امام زمان (عج) واقعه عاشورا و امام حسین (ع) و شهدا کربلا چگونه و با چه ویژگی‌هایی منعکس شده است؟» اختصاص داشت. به رغم موضوعات و مباحث مطرح شده در فصل دوم این پایان نامه باید گفت که در این قسمت نیز چشم‌انداز و نظر امامان معصوم (ع) یعنی از امام رضا (ع) تا امام زمان (عج) در این مبحث بررسی و مورد مذاکره قرار گرفته است. با توجه به اوضاع سیاسی و مقتضیات و جوّ زمانه هر امامی بالاخص دیدگاه امامانی که در فصل دوم بررسی شده است باید گفت که هر چه از واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) فاصله گرفته می‌شود روایات و اخبار در این رابطه نیز کمرنگ شده است. گرچه در دوره امام رضا (ع) و به بهانه ولایتعهدی ایشان و برپایی مناظرات متعدد رابطه حضرت با دوستانشان تا حدی قابل ملاحظه است و همین موجب شد تا حضرت از این فرصت استفاده کند و روش‌های فرهنگی مختلفی را در احیای فرهنگ حسینی در پیش بگیرد از جمله این روش‌ها که ائمه دیگر نیز به آن تأکید داشتند گریه بر امام حسین (ع) است. گریه باعث می‌شد که توجه دیگران و کسانی که ماهیت قیام امام حسین (ع) را نمی‌دانستند و یا در غفلت به سر می‌بردند جلب کند و همچنین ایشان در روایاتی به زیارت حضرت تأکید می‌کردند. با توجه به تنگناهایی که در هر دوره از طرف دستگاه حکومتی وجود داشت از جمله ویران کردن قبر امام حسین (ع) و یا آب بستن به مزار ایشان به منظور این که یاد و نام ابا عبدالله الحسین (ع) را از یادها ببرند و با توجه به بررسی و تحقیق در احادیث صادر شده از امامان بزرگوارمان به این نتیجه رسیده شد که در نوع دیدگاه و منش ائمه بزرگوارمان بر زنده نگه داشتن واقعه عاشورا و اهداف آن اهتمام زیادی شده است. لذا پاسخی که در این قسمت می‌توان به پرسش دوم داد می‌تواند این باشد که به دلیل محدودیت‌ها و قید و بندهایی که حاکمان جور برای ایشان به وجود آورده بودند سعی شده به صورت مفاهیم و معانی غیرمستقیم به این مهم پرداخته شود و ضمن تأکید بر زیارت سیدالشهدا (ع) از طرف ایشان زیارتنامه‌هایی از این امامان بزرگوار در رابطه با امام حسین (ع) صادر شده است.

## فهرست منابع :

### منابع حدیثی

کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، ترجمه مصطفوی ، جواد ، رسولی ، هاشم ، موسسه ی وفا ، تهران ، ۱۳۸۲ ش

محمد بن محمد ، مفید ، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ، رسولی محلّاتی ، سید هاشم ، علمیه اسلامی ، انتشارات علمیه اسلامیّه ، تهران ، چاپ دوم ، سال چاپ ۱۳۸۰

مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار ، نجفی ، محمد جواد ، تهران ، انتشارات اسلامیّه ، ۱۳۶۴ ش ، ج ۴۴

مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار ، خسروی ، موسی ، تهران ، اسلامیّه ، ۱۳۶۴ ش ، ج ۴۵

امین ، سید محسن ، اعیان الشیعه ، ترجمه حجتی کرمانی ، علی ، انتشارات سروش ، تهران ، ۱۳۷۶ ش

صدوق ابن بابویه ، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ، عیون اخبار الرضا (ع) ، مستفید ، حمیدرضا ، غفاری ، علی اکبر ، انتشارات صدوق ، تهران ، ۱۳۷۲ ش

ابن بابویه قمی ، محمد بن علی بن الحسین ، امالی ، کمره ای ، محمد باقر ، انتشارات کتابچی ، ۱۳۷۶ ش

ابو مخنف ، لوط بن یحیی ، وقعہ الطّف ، سلیمانی ، جواد ، ناشر مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سره ، قم ، ۱۳۸۰ ش

ابن قولویه ، جعفر بن محمد ، کامل الزیارات ، ذهنی تهرانی ، سید محمد جواد ، تهران ، انتشارات پیام حق ، ۱۳۹۴ ش

ابوالفرج اصفهانی ، علی بن حسین ، مقاتل الطالبیین ، فاضل ، جواد ، تهران ، کتابفروشی علی اکبر علمی ، جلد اول ، ۱۳۳۹ ش

فضل بن حسن ، طبرسی ، اعلام الوری ، ترجمه عطاری ، عزیزالله ، تهران ، نشر اسلامیّه ، ۱۳۹۰ ق

ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن الحسین، *علل الشرایع*، ترجمه ذهنی تهرانی، محمد جواد، انتشارات مؤمنین، قم، ۱۳۸۰ ش، جلد اول.

ابن طاووس، علی بن موسی، *لهوف*، ترجمه ی میرابوطالبی، ابوالحسن، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰ ش

علی بن حسین مسعودی، *اثبات الوصیه*، نجفی، محمد جواد، تهران، نشر اسلامی، تهران، چاپ ۱۳۶۲

احمد بن علی طبرسی، *احتجاج*، غفاری مازندرانی، نظام الدین احمد، تهران، نشر مرتضوی، چاپ؟

نیشابوری، فتال، *روضه الواعظین*، مهدوی دامغانی، محمود، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ ش

طهرانی، آقابزرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم، نشر اسماعیلیان، چاپ؟

قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *الخرائج و الجرائح*، محرّمی، غلام حسن، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸ ش

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *جلاء العیون*، قم، نشر سرور، ۱۳۸۲ ش

ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکره الخواص*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ اق

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، سماوی، محمد، قمی، عباس، رسلانی، فضیل بن عمر، *سه مقتل گویا*، عقیقی

بخشایشی، عبدالرحیم، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲ ش

قمی، عباس، *دمع السّجوم*، شعرانی، ابوالحسن، قم، نشر هجرت، ۱۳۸۱ ش

مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، قم، نشر قیوم، ۱۴۱۹ اق

محمد بن محمد، مفید، *المزار مفید*، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ اق

حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ اق

ابن حلی، جعفر بن محمد، *مثیر الحزان و منیر سبل الاشجان*، کریمی، علی، قم، نشر حاذق، ۱۳۸۰ ش

فرهاد میرزا قاجار، *مقام زخار الصمصام بتار*، محرّمی، محمود، تهران، نشر کتابچی، ۱۳۸۶ ش

ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، حسن زاده، صادق، قم، نشر آل علی، ۱۳۸۲ش

شیخ صدوق، ابن بابویه، ترجمه و شرح من لا یحضره الفقیه، بلاغی، صدرالدین، تهران، نشر صدوق، ج ۳، اسفند ماه  
۱۳۶۸

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، آخوندی، محمد، تهران، نشر دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۵ش

محمدابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، حسن زاده، صادق، تهران، نشر ارمغان طوبی،  
۱۳۸۲ش

نوری طبرسی، حسین بن تقی، لؤلؤ و مرجان، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۸ش

ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدّه الدّاعی و نجاح السّاعی، موحدی قمی، احمد، قم، نشر دارالکتب اسلامی،  
۱۴۰۷ق

خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، حسینی کوه کمری، عبداللطیف، قم، نشر  
بیدار، ۱۴۰۱ق

طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، تهران، نشر المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع، ۱۳۷۰ ش

استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظّاهره فی فضائل العتره الطّاهره، استادولی، حسین، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق

ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، آخوندی، محمد، تهران، نشر دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷ش

## منابع تاریخی:

احمد بن ابی یعقوب بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، آیتی، محمد ابراهیم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،  
۱۳۷۱ش

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ی پاینده، ابوالقاسم، انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش، جلد ۲.

دینوری، احمد بن داوود، اخبار الطوال، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود، نشر نی، تهران، ۱۳۷۱ ش.

کاشفی سبزواری، ملاحسین، روضه الشهداء، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲

احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۷ق

ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، حالت، ابوالقاسم، خلیلی، عباس، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش

کوفی، ابو محمد احمد بن اعثم، الفتوح، مستوفی هروی، محمد بن احمد، طباطبایی مجد، غلامرضا، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش

محمد بن جریر، طبری، تاریخ طبری، پاینده، ابوالقاسم، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۵ش

اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مقتل الحسین خوارزمی، سماوی، محمد، قم، نشر انوار الهدی، ۱۴۲۳ق

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، نشر مکتب آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۳ش

ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، نهج البلاغه، دشتی، محمد، تهران، نشر پیام عدالت، ۱۳۸۵ش

علی بن الحسین (ع)، صحیفه سجادیه، استادولی، حسین، قم، نشر الهادی، زمستان ۱۳۸۴ش

## منابع پژوهشی

بهبهانی، محمدباقر بن عبدالکریم، الدمه الساکبه فی احوال النبی و العترة الطاهرة، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات مکتبه العلوم الاعامه، ۱۴۰۸ق

جعفریپیشه فرد، مصطفی، «پیوند دین و سیاست در گفتمان عاشورا»، مجله حکومت اسلامی پاییز ۱۳۸۱-شماره ۲۵



اکبرنژاد، مهدی و صالحی، پیمان، «روشهای فرهنگی امام رضا علیه السلام در خصوص زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام»، فصلنامه فرهنگی رضوی بهار ۱۳۹۴ - شماره ۹ (علمی - پژوهشی)

الویری، محسن؛ رحیمی ثابت، محمدعلی، «راز ماندگاری پیام عاشورا؛ تحلیل ارتباطی سیره معصومان»؛ تاریخ اسلام بهار و تابستان ۱۳۸۹ - شماره های ۴۱-۴۲

عبداللهی، محمداسماعیل؛ کرمی نیا، محمد؛ «جایگاه امام حسین علیه السلام در تفاسیر دانشمندان اهل سنت»؛ پژوهش نامه معارف حسینی (آیت بوستان)؛ پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۷

پاک نیا تبریزی، عبدالکریم، «آشنایی با منابع معتبر شیعه: مقتل منیرالاحزان و منیر سبل الاشجان»، دی و بهمن ۱۳۸۹؛ شماره ۱۳۶؛ ص ۱۷۰-۱۶۱

عبداللهی، محمداسماعیل؛ کرمی نیا، محمد؛ «جایگاه امام حسین در تفاسیر شیعی»، پژوهش نامه معارف حسینی (آیت بوستان)، زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۸

محیطی اردکانی، احمد؛ «امام حسین از نگاه نبوی (ص)»؛ علوم قرآن حدیث؛ فرهنگ کوثر؛ زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۵۲

قائمی زبری، محمد حسن؛ «قیام امام حسین (ع) در نگاه اهل بیت (ع)»؛ انتشارات دلیل ما؛ چاپ پنجم، پاییز ۱۳۹۰  
میرابوالقاسمی، سیده رقیه؛ «تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری)»؛ ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)»؛ چاپ قم، زمستان ۱۳۹۳

قربانی، قدرت اله؛ «نهضت عاشورا و عقلانیت دینی و سیاسی ما»؛ علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم؛ تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۷۴ (علمی - پژوهشی)

کوشک خطیبی، محمد؛ «پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره ی معصومان (ع)»؛ پیام، ویژه محرم ۱۳۸۶ - شماره

۸۶

- کاهیرده، نسیم؛ بهار، مهری؛ «تحلیل گونه‌های گفتمانی متدثر از محتوای مناسک عاشورا (از خلال تحلیل گفتمان نشریات مرتبط با موضوع عاشورا)»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۵
- اکبرنژاد، مهدی؛ صالحی، پیمان؛ «سیره معصومین در بزرگداشت امام حسین (ع) و عاشورا»؛ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب؛ چاپ اول ۱۳۹۸
- محامد، علی؛ «بررسی فقهی افضلیت سجده بر تربت امام حسین (ع)»؛ فقه و اصول؛ پژوهش‌های فقهی؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۹؛ سال ششم؛ شماره ۳، ص ۶۹۳-۹۰
- رفعت، محسن؛ «روایات عاشورایی مقتل شیخ صدوق در میزان نقد»؛ شیعه پژوهی؛ سال سوم؛ شماره دهم؛ بهار ۱۳۹۶؛ ص ۱۱۳-۱۴۲
- رفعت، محسن؛ «نگاهی انتقادی به محل شهادت امام حسین (ع)»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ سال هشتم؛ پاییز ۱۳۹۶؛ شماره ۲۸؛ ص ۸۰-۵۷
- رفعت، محسن؛ «روایات عاشورایی علامه مجلسی در بوته نقد و بررسی»؛ مطالعات فهم حدیث؛ بهار و تابستان ۱۳۹۹؛ سال پنجم؛ شماره ۱۲
- طباطبایی، سید کاظم؛ دهقانی فارسانی، یونس؛ «بررسی تحولات در فهم روایات اسلامی بر پایه مفهوم گفتمان، بررسی موردی روایت «انا قتیل العبره»»؛ علوم و قرآن و حدیث، حدیث پژوهی؛ بهار و تابستان ۱۳۸۹؛ شماره ۳؛ ص ۲۴-۷؛ (علمی-پژوهشی)
- رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ «روایات عاشورایی انساب الاشراف بلاذری در میزان نقد و بررسی»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی، حدیث پژوهی؛ سال نهم؛ شماره هفدهم؛ بهار و تابستان ۱۳۹۶؛ ص ۸۴-۳۹
- محسن، رفعت؛ رحمان ستایش، محمد کاظم «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعمش کوفی در میزان نقد و بررسی»؛ علوم قرآن و حدیث، حدیث پژوهی؛ بهار و تابستان ۱۳۸۹؛ شماره ۳ (علمی-پژوهشی) (ISC)؛ ص ۱۱۶-۷۹
- رفعت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ «روایات عاشورایی مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی»؛ علوم حدیث؛ سال بیستم؛ شماره ۲

رفت، محسن؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حجازی، مریم‌السادات؛ «روایات عاشورایی کامل‌الزیارات در بوته نقد»؛ شیعه پژوهی؛ سال سوم؛ شماره دوازدهم؛ پاییز ۱۳۹۶؛ ص ۱۰۷-۱۴۰

عبادی، مهدی؛ «فرهنگ حسینی در کلام رضوی»؛ علوم قرآن و حدیث؛ زلال وحی؛ زمستان ۱۳۹۰؛ شماره ۲۱؛ ص ۲۱-۲۴

حسینی، سیدجواد؛ «عاشورا در آئینه کلام معصومان»؛ فلسفه و کلام؛ پاسدار اسلام بهمن ۱۳۸۴؛ شماره ۲۹۰

جعفر پیشه فرد، مصطفی؛ «آسیب شناسی فرهنگی سیاسی عاشورا»؛ فقه و اصول؛ حکومت اسلامی؛ بهار ۱۳۸۲؛ شماره ۲۷ (ISC)؛ ص ۲۳۵-۲۶۷

رفت، محسن؛ «تحلیل انتقادی روایات عاشورایی کامل بهایی»؛ پژوهش نامه معارف حسینی؛ زمستان ۱۳۹۸؛ شماره ۱۶؛ ص ۵۳-۸۸

رنجبر، محسن؛ «معرفی و بررسی مقتل الحسین (ع) نگاشته خوارزمی»؛ تاریخ اسلام در آئینه پژوهش؛ زمستان ۱۳۸۳؛ شماره ISC۴؛ ص ۱۰۳-۱۳۴

خانجانی، قاسم، «منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی»؛ تاریخ در آئینه پژوهش؛ ۱۳۸۷؛ شماره ۱۹

عبّاسی، علی اکبر؛ «معرفی، نقد و بررسی اخبار الطوال»؛ کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱؛ شماره ۵۴ و ۵۵؛ ص ۳۵-۴۸

عسکری، سیدمرتضی؛ «نقد متد طبری در تاریخ‌نگاری»؛ کلیات و فلسفه تاریخ؛ کیهان اندیشه ۱۳۶۸ شماره ۲۵

اسماعیلی، رقیه؛ «نقش معنوی امام سجّاد (ع) در امتداد نهضت کربلا»؛ فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی؛ سال اول؛ شماره چهارم؛ زمستان ۱۳۹۷

صالحی حاجی آبادی، ابراهیم؛ «قیام امام حسین (ع) از منظر امام سجّاد (ع)»؛ مجموعه مقالات همایش امام سجّاد؛ ص ۹۷-۱۲۱

هادی منش، ابوالفضل؛ «نگاهی به مواضع سیاسی امام باقر (ع)»؛ فقه و اصول، مبلغان؛ اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵؛ شماره ۷۶؛ ص ۱۳-۳۳

معصومی، عبدالله؛ «شیوه تاریخنگاری مروج الذهب و معادن الجوهر مسعودی»؛ پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه؛ بهار ۱۳۹۹؛ شماره ۹؛ ص ۱۳-۳۲

یوسفیان، «زلزال صحیفه ۱»، علوم سیاسی-حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹۶

یوسفیان، «زلزال صحیفه ۳»، علم سیاسی-حصون، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۱۰۵ تا ۸۷

اسماعیل زاده، مرتضی؛ «مؤلفه‌های عزت آفرین و افتخارزا در ویژگی‌های حسینی از دیدگاه ائمه (ع)»؛ علوم اجتماعی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی؛ زمستان ۸۱؛ سال ششم؛ ویژه نامه SC خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۳۰، ص ۹

خامنه‌ای، سید علی؛ «آفتاب در مصاف»؛ انتشارات انقلاب اسلامی؛ سال چاپ ۱۳۹۲

صدری، مهدی؛ «بزرگداشت غدیر و عاشورا در سیره و بیان امام رضا (ع)»؛ انتشارات دلیل ما؛ چاپ دوم؛ تابستان ۱۳۹۶

شهیدی، سید جعفر؛ «پس از پنجاه سال پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین (ع)»؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ چاپ سی و سوم ۱۳۸۳

یوسفی غروی، محمدهادی؛ «فرهنگ شهادت معصومین، شهادت نامه امام حسین (ع)»؛ پژوهشکده باقرالعلوم؛ ۱۳۹۳

مطهری، مرتضی؛ «حماسه حسینی»؛ انتشارات صدرا؛ چاپ سی ام؛ سال ۱۳۷۷

صحتی سرورودی، محمد؛ «عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین (ع)»؛ انتشارات خادم-الرضا (ع)؛ چاپ دوم؛ زمستان ۱۳۸۵

سیمایی، مهدی؛ «مشهورات بی اعتبار»؛ نشر قم؛ مؤسسه فرهنگی طه؛ چاپ ۱۳۹۷

محمدی ری شهری، محمد، دانش‌نامه امام حسین علیه السلام بر پایه ی قرآن و حدیث و تاریخ، ترجمه مسعودی، عبدالهادی، انتشارات موسسه ی علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۸ ش، جلد ۷-۱۲.

حکیم، سید منذر، اعلام الهدی، المجمع العالمی لاهل البیت ع، قم، ۱۴۲۵ق، جلد ۵

طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه اسلامی قم، ۱۳۸۸ش

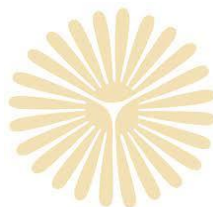
رفعت، محسن؛ «نگاهی انتقادی به محل شهادت امام حسین (ع) تحلیلی پنداره گودای قتلگاه»؛ فرهنگ و تمدن

اسلامی سال هشتم، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۲۸

## Abstract

Despite the fact that the event of Ashura as an event took place at a certain point in time, but this event became the Mana movement during different periods of time, the effects of which are still spreading and creating culture after many years. The present study aims to provide a picture of the discourse of the Imams (AS) regarding the event of Ashura, by drawing their views, relying on earlier sources. This research has been considered and compiled in the field of discourse of Ashura with a descriptive-analytical approach based on first-hand historical and hadith sources. The period of Imam Sajjad (AS) to Imam Musa Kazem (AS) is a period that historically has different characteristics from the period after it. This period has more objective reports than the later periods due to its proximity to the Ashura event. It is also contemporary with a period in which challenging events arose in the political history of the Caliphate, such as the fall of the Benjamiyya and the formation of the Abbasid Caliphate, and the subsequent actions of the Abbasids in restricting the Imams of the Infallibles (AS) as Claimants of the caliphate and leadership of the Islamic community pointed out. Due to the entertainment of the Umayyad government to maintain its rule, the ground was prepared for more intellectual, scientific and cultural activities of the Shiite Imams (AS) who were always under the supervision of the Umayyad Caliphate. In the continuation of the discourse of the Infallible Imams (AS), due to the severe government restrictions on the Shiites' relationship with them, the short life of each of the Imams (AS) and the increasing pressures on the Abbasid Caliphate have been examined. However, in this process, we can talk about the efforts of Imam Reza (AS) who provided the necessary conditions for the continuation of the discourse of the Ashura event in society.

Keywords: Imam Hussein (AS)- The event of Ashura- Innocent Imams (AS)- Karbala- Discourse of Shiite Imams



Payam Noor University Of Tehran  
Master Thesis in clinical psychology

Titel:

The event of Ashura in the discourse of shiite imams

Supervisor:

Dr: mehdi ebadi

Advisor:

Dr: mojtba soltani ahmadi

by:

zeinab norouzi aghmiani

۲۰۲۱